

خود یابی و همیاری

اگر زمانی، بنا به تنبلی ذهنی و پذیرش هر چیزی که نسلهای قبلی به ما می‌گفتند، عادت کردن به کهنگی و عدم آشنائی با چیزی بنام حقوق فردی، غلظت فرهنگ کهنه و بنا به هزار دلیل دیگر، بر این باور بودیم که جنسیت، نیازهای جنسی، سلیقه و ذائقه‌های سکسی افراد همه همگون و یکسانند و بر این باور بودیم که سکس یعنی ازدواج و بعدش هم زن بخوابد و مرد پاهایش را هوا کند و دو دقیقه بعد، هردو "راضی و خوشبخت" بخواب خوش روند، اما امروز میدانیم که چنین دید و فرهنگی چه کلاه گشادی که سر ما ایرانیان گذاشته. چه محرومیتها که افراد با خود به گور نبرده و چه حسرتها که در زیر لحاف و پتوها کشیده نشده.

امروز، تعداد کثیری از ما ایرانیان میدانیم که نیاز و کشش جنسی افراد مثل هر مسئله دیگر یک مسئله شخصی است. همانطور که سلیقه‌های افراد در انتخاب لباس، نوع غذا، موسیقی، رشته تحصیلی و دیگر مسائل متفاوت است، ذائقه‌های جنسی انسانها هم به همان شکل مختلف می‌باشد.

امروز، از ظاهر قضایا این چنین برمی‌آید که ما ایرانیان برای دست‌یابی به دمکراسی و حقوق شهروندی، خیز برداشته‌ایم و این یک قدم اولیه و بسیار مثبت می‌باشد، اما لازمه دمکراسی این است که افراد و گروههای مختلف اجتماعی، حول نیازها و خواسته‌های مشترک خود، جمع شده و همزمان با بدست آوردن اطلاعات کافی از نیاز و خواسته خود، بتوانند مصممانه، برای نیازهای اجتماعی خود، بصورت گروهی کار کنند. به جامعه اطلاعات بدهند و زمینه را برای تغییر افکار عمومی آماده کنند.

برای موفقیت در اینکار، قبل از هرچیز باید با این ذهنیت که "بابا حالا حالاها این مردم عوض نمی‌شوند" و امثال اینها را از خود دور کنیم.

تجربه کشورهای آزاد، این را نشان می‌دهد که مردم آنها هم از همین راه توانسته‌اند جنبشهای وسیع خواسته‌های اجتماعی مختلف را راه بیندازند، برای آنها مبارزه کنند و در آخر هم جامعه را به قبول آن وادارند. ما ایرانیان هم راهی جز این نداریم. باید از جایی شروع کنیم و گرنه، در، همچنان بر همان پاشنه کهنه خواهد چرخید.

جنبش اجتماعی دانشجویان، جوانان، زنان، همجنسگراها، طرفداران سقط جنین، طرفداران محیط زیست و اقلیتهای اجتماعی دیگر در اواخر دهه شصت میلادی در اروپا، آنچنان تاثیر عمیقی برجا گذاشت که جوامع اروپایی را در عرصه جنسیت دچار تغییرات شگرفی کرد و ما امروز نتیجه آن را می‌بینیم. چرا ما ایرانیان نباید بتوانیم از تجربیات مثبت ملت‌های دیگر استفاده کنیم؟ چرا ما محک صداقت نیروها و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی در گفتارشان را همانا، جرئت و صداقت آنها در طرح مسائل جنسی و ارائه راه‌حل پیشنهادی قرار نمی‌دهیم؟ چرا ما نباید با تلاش برای آگاه‌گری اجتماعی حول تنوع در مسائل جنسی، به مسئولیت فردی و اجتماعی خود عمل نمی‌کنیم؟ چرا ما نمی‌خواهیم برای آزادی روان خود، مسئولیت قبول کنیم؟ تا کی می‌خواهیم به فرهنگ اجتماعی که میدانیم، تنوع را قبول ندارد، ضد ارزش است و خواسته‌های انسانی ما را سرکوب می‌کند، باید اینهمه احترام بگذاریم یا تسلیم فشارهای آن شویم؟ این را بدانیم که تا ما حرکتی نکنیم، آب از آب تکان نخواهد خورد.

هر ملتی زمانی به آزادی و دمکراسی می‌رسد، که فرزندان آن ملت حاضر و آماده باشند که قدمهای عملی برای عمل کردن به مسئولیت خود را، بردارند.

فرهنگ جنسی حاکم در جامعه ما یک فرهنگ کهنه، پر از خرافات و بی‌منطقی است. ما باید

بتوانیم چنین فرهنگی را به چالش بکشانیم. برای اینکار چند پیشنهاد می‌دهیم:

- حول نیاز و کشش جنسی خود، تا آنجا که می‌توانیم اطلاعات علمی جامعی بدست آوریم.
- اگر تو ایران امکانش نیست، اینترنت بهترین جا برای کسب اطلاعات است.
- یادمان باشد که ما یک بار زاده می‌شویم و فقط یکبار امکان زندگی کردن داریم، پس این زندگی را همانطور که خودمان می‌خواهیم باید سازمانش دهیم نه اینکه بگذاریم دیگران برای ما تصمیم بگیرند که چطور باید زندگی کنیم.
- منتظر نشینیم که دیگران برای ما کار کنند، خودمان هم باید دست بکار شویم.
- با نیازها و گرایش‌های جنسی دیگران که مثل ما نیستند اما آنها هم در زیر فشار فرهنگ اجتماعی سرکوب میشوند، با احترام برخورد کنیم. به آنها هم حق دهیم که آنها هم باید بر اساس نیازها و خواسته‌های خود زندگی کنند و از حق آزادی آنها دفاع کنیم. ما تنها زمانی می‌توانیم از دیگران بخواهیم به ذائقه و سلیقه جنسی ما احترام بگذارند که قبل از آن، خودمان بتوانیم هم خود را قبول کنیم و هم به ذائقه‌های مخالف خودمان احترام بگذاریم.
- اگر بتوانیم، برای آشنا شدن و یافتن افرادی که مثل خود ما هستند، تلاش نمائیم و با آنها در باره ضرورت دور هم جمع شدن و تشکیل گروه حمایتی، تبادل تجربیات و همینطور انتشار اطلاعات برای جامعه، صحبت کنیم و با افرادی که تمایل به اینکار دارند، گروه حمایت تشکیل دهیم.
- در باره امکان ایجاد، گروه‌های "پوششی" فکر کنیم که آیا میشود مثلاً تحت نام یک گروه نیمه علنی، دور هم جمع شویم یا نه.
- اگر امکان عملی چنین کارهایی در جامعه وجود ندارد، اینترنت بهترین امکان است.
- میتوان یک پایگاه ساده، بدون شاخ و برگ‌های اضافی تهیه کرد با یک آدرس پست الکترونیکی برای علاقمندان که تماس بگیرند و یک سری اطلاعات در باره مسئله خاص خودمان. (دوستانی از علاقمندان به سکس ضربدری گویا یک چنین پایگاهی درست کرده‌اند اما متأسفانه طوری آن را درست کرده‌اند که هر کسی میتواند آنجا برود و هر چی خواست بنویسد. البته این کار خوب است اما اشکال آن این است که کارها و پیام‌رسانی‌های افراد تو هم میشود و معلوم نیست چه کسی مسئول آن است)
- در کنار این مسائل، درباره اهمیت و ضرورت تغییر فرهنگ جنسی حاکم، با دوستان، نزدیکان، همکاران، همکلاسیه‌های خود و در خانواده صحبت کنیم. اگر به جلسه سخنرانی می‌رویم و امکان سؤال کردن داریم، اینگونه سئوالات را بصورت علنی در جمع مطرح کنیم.
- اگر با گروه خاصی یا شخصیت‌های اجتماعی در رابطه هستیم، با آنها در اینبار صحبت کنیم. اگر بتوانیم، به هر گروه، دسته، مجله، روزنامه، تلویزیون و..... نامه بنویسیم، حتماً اینکار را بکنیم. حتی نامه‌های ساده و بدون اسم (اگر امکان نوشتن نامه‌های رسمی نداریم). خلاصه تا آنجا که میتوانید فرهنگ جنسی حاکم را به زیر علامت سؤال ببریم.
- تنها در این صورت است که خواهیم توانست، مبحث جنسیت را وارد گفت‌وگوهای رسمی کنیم و آنموقع است که جرعه تغییرات زده خواهد شد. تلاش جمعی همه گروه‌های جنسی، فشارهای موجود را کمتر و جبهه وسیعی را در برابر آنچه که "رسمی و عمومی" تلقی میشود، ایجاد خواهد کرد و بدینوسیله یک جنبش وسیع اجتماعی برای آزادی جنسی در ایران برآورد خواهد افتاد. وحدال زندگی را برای نسل‌های آینده، رقم خواهد زد.
- سه‌کاف حاضر است در اینبار، تا حد امکان، باشما همراه شود، از جمله معرفی پایگاه شما و یا اعلام خبر تشکیل گروه و انجمن شما.

یک سه کافی در فرمانیه

من زنی هستم ۲۴ ساله، که تو فرمانیه زندگی میکنم. من تنها هستم. شوهرم چندین و چند سال است که به یک شهر دیگر رفته. قرا بود بعد از جور کردن شرایط منو هم به اونجا بره. اما تو این همه سال حتی به تماس تلفنی هم نداشته و می‌شه گفت که منو فراموش کرده. البته میدونم زنده هست و مشغول کارهای خودش. من ساده هم تو این مدت فکر میکردم که او به وعده خودش عمل میکنه؛ به همین خاطر اینهمه سال که بهترین دوران زندگی سکسی من میتونستن باشن، را فقط به این خاطر از دست دادم. خیلی وقتها می‌تونستم از تنهایی خودم استفاده کنم اما این کار رو نکردم. تو این مدت به دلیل کمبودی که از مسائل عشقی پیدا کرده بودم، کارم شده بود تماشا کردن روزی یکی دو تا فیلم عاشقانه: بر باد رفته، ربکا، رومئو و ژولیت، تایتانیک و.....بقیه اوقات بیکاری‌ام را هم با دیدن شو و تماشا کردن بورداها (بیشتر مردانه) می‌گذراندم و تنها سکس من شده بود این که به تلویزیون روبروی تختم گذاشته بودم و شبها قبل از خواب لخت می‌شدم و با دیدن فیلمهای سکسی خودم را می‌مالوندم تا خوابم بره. اما این هیچوقت منو ارضا نمی‌کرد.

تنها رابطه اجتماعی من شده اینکه هر دو هفته یکبار به خونه دوستم مریم می‌روم و چند ساعتی پیشش می‌مونم. مریم ازدواج کرده و بچه‌دار است.

اما نقطه زندگی من این بود که یک روز که پیش مریم رفته بودم، او منو پیش کامپیوترشون برد و ازم خواست که فقط نگاه کنم و حرف نزنم. بعد یک صفحه نشونم داد که توش چندتا عکس سکسی بود و یه سری نوشته که بدون هیچ سانسوری از آلات زن و مرد نوشته شده بود.

مریم با آب و تاب خاصی با موس یه دونه از اون نوشته‌های کوتاه رو انتخاب کرد که نوشته بود:

<< کیر سرداری >>، یه صفحه جدید که آمد، یه متن بلند بود و بعد گفت اینو بخون!

من هم شروع کردم به خوندن. چقدر جالب بود؛ یه دختر جوون ابرونی از رابطه‌اش با یه مرد، بدون هیچ کمرویی و سانسوری حرف زده بود، بخصوص که خیلی هم حشری کن بود. از مریم خواستم تا اگه بازم هست برام بذاره. بعد یکی دیگه رو انتخاب کرد؛ نوشته بود: << شکوه جون >> شروع کردم به خواندن. احساس کردم که با شکوه تقریبا همدرد هستم. خیلی کنجکاو شده بودم و تعریفهای شکوه داشت حشری‌ام میکرد.

بعد از مریم خواستم دوباره برام عوضش کنه. اینبار <> را انتخاب کرد.

هردوتایی شروع کردیم به خوندن. برای من چه لذتی داشت!!!

بعد از اون صفحه را عوض کرد. این بار یه سری عکس جدید اومد. بعد یکی رو انتخاب کرد که نوشته بود: << سفر رماتیک تهران >> این یکی را یه پسر تعریف کرده بود.

شروع کردم به خواندن. خدای من انگار که من هم اونجا بودم. کم‌کم احساس کردم که دارم دیگه حسابی حشری می‌شم، سر سینه‌هام داشت تحریک می‌شد.

مریم کار کردن با اونو بهم یاد داد و خودش بلند شد و رفت تو آشپزخونه. من با دهن کفی یکی یکی شروع کردم به خواندن.

اگه هزارتا فیلم می‌دیدم، بهم به این اندازه حال نمی‌داد. بعد از خوندن چندتا از داستانهها

دیگه شرتم کاملا خیس شده بود. دلم می‌خواست من قهرمان یکی از اون داستانهها می‌بودم. دوست داشتم یه نفر توی پامو می‌خورد، اما چاره‌ای نبود جز اینکه خودم با دست نوازشش کنم.

کیست توی پام یواش یواش داشت از شلوارم بیرون می‌زد. سریع رفتم پیش مریم و ازش پرسیدم این دیگه چیه؟ این برنامه رو از کجا آوردی؟

گفت: این برنامه نیست، یه سایت اینترنتیه که پیدا کردم. مریم گفت اون سایت، رابطه اون و همسرش

رو زیادتر کرده، طوری که خود شوهرش هم گیج شده و توی تعجب مونده.

بعد از آمدن سوهوهر مریم، عریع خودمو به خونه رسوندم. از دم در که در را باز کردم، شروع کردم به لخت شدن؛ همونطور که از پله‌ها بالا میرفتم، یه تیکه در می‌آوردم، طوری که وقتی تو حال رسیدم، فقط شرت و کرستم مونده بود، مثل دیوونه‌ها شده بودم. آخه حق داشتم. سالها بود که خودمو محروم کرده بودم. شرت و کرستمو در آوردم، توی پاهام خیس خیس بود. سریع لاپامو گذاشتم روی دسته چوبی مبل و در حال مالوندن پستونام، جلو- عقب می‌رفتم. بعد از سالها، لذت عجیبی به من می‌داد. بعد از مدتی که اینکار را ادامه دادم، بی‌حال روی مبل افتادم و تو یاد اون نوشته‌ها بودم. وقتی حواسم سر جاش آمد، شب شده بود. سریع گوشی رو برداشتم و با مریم تماس گرفتم. بعد از کمی صحبت قرار شد که شوهرش فردا صبح برام یه کامپیوتر سفارش بده. از اون شب به بعد دیگه هیچوقت تو خونه لباس نمی‌پوشم و همیشه حتی موقع غذا خوردن، تلفنی صحبت کردن، نگاه کردن به تلویزیون، دستسویی رفتن و... همیشه لخت هستم. یک نودیست کامل و با اومدن کامپیوتر و سایت <<سه کاف>> به خونه‌ام، این کار بیشتر به من لذت میده.

دیگه وقتش شده بود که تلسم رو بشکنم. یه روز یه کرسست بستم که سینه‌هام کاملا سیخ شه، یه شلوار بنفش خوش رنگ که تا روی ساق پامو می‌پوشونه، و قشنگترین مانتومو که تا زیر زانو هست، پوشیدم و دکمه پائینی رو باز گذاشتم و آرایش کرده، مثلا برای خرید رفتم گلستان.

چه خبر بود!!!! بیست تا ماشین میخواستن سوآرم کنن. همه‌شون مامانی. اما من ایجوریشو دوست نداشتم. برای من ماشین و موبایل معنی نداشت. کسی که به تورم خورد، پسر یه فروشنده بود. خوشگل و خوش تیپ ۴-۲۳ ساله، که آروم و بی‌خطر به نظر می‌آمد. اسمش آرش بود. شماره‌شو گرفتم و فردای اون روز براش زنگ زدم. بیشتر با هم آشنا شدیم. پسر خوبی بود و مجرد. جالب اینه که او فکر کرده بود من دختم.

بعد از چند روز، شام دعوت‌اش کردم، قبول کرد. می‌خواستم تمام عشق و محبت ذخیره شده توی قلبم رو بهش بدم، اما بیشتر برای ارضای خودم چون دیگه من یک سه‌کافی شده بودم. قبلش هم چندتایی کاندوم دست و پا کردم و تو کشو تخت گذاشتم. بعد حموم رفتم و با تیغ توی پامو صاف و صوف کردم.

بع از پختن ۳-۲ جور غذا و آماده کردن مشروب، چون دیگه نزدیک بود که بیاد، رفتم و لباس پوشیدم بدون اینکه کرسست ببندم؛ یه تاپ صورتی پوشیدم و بدون اینکه شرت پام کنم، یه شلوارک سفید چسبان پام کردم.

آرش آمد و از همان لحظه ورودش به خونه، کسم بی‌تابی میکرد.

شروع کردیم به خوردن شام و مشروب. بعدش کلی با هم گپ زدیم و خندیدیم. نگاه‌های آرش ناخودآگاه به سمت بدن من منحرف می‌شد. دلش میخواست بگه ولی معلوم بود روش نمی‌شه. فکری به سرم زد؛ بلندشدم و کامپیوتر را روشن کردم و روی یکی از صفحات حشری کن سه‌کافی گذاشتم. ازش خواستم تا پشت کامپیوتر بشینه. خودم به اتاق خواب رفتم؛ کاملا لخت شدم و روی تخت دراز کشیدم. بعد از پنج دقیقه منو صدا زد. جواب ندادم، بعد از چند ثانیه اومد و در زد. بهش گفتم بیا تو عزیزم. بعد از اینکه مطمئن شدم اومده تو اتاق، چشممو بستم. احساس کردم رو سرم وایستاده. گفتم: بیا منو بخور.

هنوز حرفم تمام نشده بود که لبش رو روی انگشت پاهام حس کردم؛ چقدر روح‌انگیز پاهامو می‌بوسید و لیس می‌زد. همینطور رو به بالا حرکت میکرد. وقتی روی رانهایم را می‌لیسید، مثل اینکه جریان یه برق خیلی ضعیف به بدنم وصل شده بود. شروع کرد به خوردن توی پام و هنوز چند ثانیه از لیسیدن کسم نگذشته بود که ناخودآگاه جیغم در اومد، داد می‌زدم و می‌گفتم: کسم مال تو، همش مال تو، پاره‌اش کن.

بعد بالاتر اومد و شروع کرد به خوردن پستونام. من هم همچنان داد می‌زدم. کیر گرم و بزرگشو چسبونده بود به رانم. من هم تمام شهوت تنم رو با فشار دادن خودم به آرش تو تنش خالی می‌کردم. با دستاش کسمو می‌مالوند و جیغم رو درآورده بود. داشتیم زبون همدیگه رو قورت میدادیم. چه لذتی داشت، باورم نمی‌شد که به کیر به من چسبیده. با التماس گفتم: من کیر می‌خوام، کیر می‌خوام! سریع بلند شد و شلوارشو کشید پائین. من هم مثل ندید بدیدها به سمت کیرش حمله بردم، با یه حالت تند آرش رو به پشت خوابوندمش رو تخت. بالا تنه‌اش رو هم درآوردم. کیرشو که محکم تو دستم بود، لای سینه‌هام گذاشتم. چه لذتی، چه کیری.

کیرشو به همه جام مالیدم، تمام صورتمو کیری کردم. به پنج دقیقه‌ای فقط اینکار را می‌کردم، فقط مونده بود دهنم.

اول با زبون زیر کیرشو لیس زدم، بعد که صدای آه و اوهش در اومد، کیرشو تا ته کردم تو دهنم و تا تا اونجا که تونستم، خوردم.

حالا دیگه هردوتایی وحشی شده بودیم؛ آرش از شدت حال کردن، بازو هامو گرفته بود و داشت اونا رو می‌خورد، من هم که خوشمزه‌ترین میوه هردو جهان تو دهنم بود.

کس ام می‌خارید. سریع بلند شدم، کاندومها رو درآوردم و ازش خواستم یکیشو سوار کنه، اما قبل از اون از تو جیب شلوارش یه چیز کوچکی شبیه اسپری آسمی‌ها درآورد و به کیرش زد. کیرشو گذاشتم در سوراخم و آروم فرو بردمش تو. هردوتایی یه آه‌هه... بلند کشیدیم، منتهی او کلفت‌تر.

الان دیگه کاملاً رو کیرش نشسته بودم. شروع کردم به بالا و پائین رفتن. یه حالت عجیبی توی کس ام احساس می‌کردم؛ وصف ناشدنی. دوست داشتم به جز کیر آرش دوتا کیر دیگه هم تو کسم می‌بود.

بعد از کمی بالا و پائین رفتن، منو به پشت رو تخت خوابوند و درحالی که پاهام رو شونه‌هاش بود و اونا رو می‌بوسید، کیرشو تا ته چیوند تو کس ام و شروع کرد به تلمبه زدن. بجز صدای آه و اوه ما دوتا و صدای چلپ و چالاپ برخورد رونه‌هاش با لمبرهام، هیچ صدای دیگه‌ای نبود.

اوج لذت من تو اون لحظه، گویا یه سکوت اجباری رو به من تحمیل کرد، دیگه قفل کردم، برای مدتی حتی یه آه هم نتونستم بگم، احساس کردم رگهای بدنم می‌خوان بترکن. بعد از چند ثانیه جیغ بلندی کشیدم و فهمیدم که برای اولین بار تو عمرم، ارگاسم شده‌ام، لذتی که هیچوقت به من دست نداده بود. چون اون خر فقط از سکس اینو می‌فهمید که ۳-۴ دقیقه تلمبه بزنه و بعد از خالی کردن، تن لش اش رو می‌انداخت و می‌خوابید.

آب آرش هنوز نیومده بود. کیرشو در آورد و ازم اجازه خواست که بکنه تو کونم. من که اول مخالفت کردم، اما دل به دریا زدم و بیاد نوجوونی‌ام، بهش اجازه دادم، کاندومشو که عوض کرد، پاهامو تا ته بالا زد؛ طوری که زانو هام اومده بودن کنار سرم و تقریباً خودم، کس ام رو می‌دیدیم، کونم هم که کاملاً تو هوا بود. کیرشو گذاشت سر سوراخ کونم و فشار داد. خیلی سخت سرشو تو کرد. کونم داشت پاره می‌شد. ازم خواست طاقت بیاورم، هی میگفت الان خوب می‌شه. آروم آروم تمام کیرشو تو کونم احساس می‌کردم. از درد نفسم بند اومده بود. داشتم به گریه می‌افتادم. بعد از کمی تکون ملایم، یواش یواش از دردش کم شد تا جایی که با بالا-پائین رفتن آرش، به اندازه کس دادن، بهم حال می‌داد. حالا دیگه از درد شدید خبری نبود، گشاد گشاد شده بود. در حالی که دستاش رو سینه‌ام بود، کونمو می‌گائید، عرق رو پیشونیش جمع شده بود، سرعت تلمبه زدنشو زیاد کرد، فک پائینشو جلو داده بود. بعد سریع کیرشو بیرون کشید و کاندوم رو درآورد و آبشو رو کس ام خالی کرد. بعد روی من افتاد و محکم تو هم گره خوردم. اون شب با هم رفتیم حمام. اونو دیگه تعریف نمی‌کنم، جاتون خالی، ولی خیلی کس و کیر خوردیم

و بعدش تا صبح محکم تو بغل هم خوابیدیم. این رو هم بگم که فرداش قبل از رفتن آرش، ازش خواستم که دوباره منو بکنه و بعد بره. آرش، هم، جور کمبود سکس منو کشید و هم کس محتاجم رو پر از کیر کرد.

من هنوز با آرش دوست هستم و شاید وقتی شما اینو می خونین، من در حال مزه کردن میوه دوجهان آرش باشم. اون قدر حشری ام که حالا حالاها باید هر شب کیر کنم. راستی همین الان که اینو هم می نویسم، حشری هستم و طبق معمول لخت لخت. به خوانندگان سه کاف پیشنهاد می کنم وقتی با طرفتون هستین، برای دسر به جای فیلم سوپر از سایت سه کاف استفاده کنین، چون اشتهاتونو خیلی بیشتر می کنه و هم خیلی اعتماد به نفس توی سکس رو بیشتر می کنه. در آخر، از همین جا به دوست خودم، مریم که می دونم یه سه کافی پر و پا قرصه و اینو می خونه، سلام می دم و می خوام بدونه که من خیلی دوستش دارم.



در پاسخ به مطلب "صیغه و دوم خردادیها"

چندی پیش نوشته ای از "دوم خردادیها" خواندم (صیغه و دوم خردادیها - سه کاف ۱۴ تحت عنوان "نگاهی به ازدواج موقت یا صیغه" که نویسنده تلاش کرده بود بقول خودش بروشی "کاملا علمی" و ضمن اتکا به "عقل جامعه" ثابت کند که صیغه " امری شایسته می باشد." این هم چکیده دلایل ایشان:

- ۱- از آنجا که در هیچ جامعه ای آزادی محدود نیست لذا " آزادی را باید به توافق گذاشت." و گویا از نظر ایشان صیغه نوعی توافق اجتماعی است.
- ۲- رابطه جنسی یک نیاز است. "لیکن در این نیاز " آدم برای کامیابی "جنسی خود مایل به قبول محدودیت نیست." بنابراین " مبنا می شود رضایت طرفین در کار جنسی."
- ۳- هزینه ازدواج بالاست. بنا براین باید بدنبال روابط جنسی رفت که " بر اساس رضایت

طرفین و پای‌بندی به قواعد عرف (هنجارهایی که برای حفظ جامعه ضروری‌اند) باشد." ۴ - "ورد و ذکر" صیغه چون "مبتنی بر قواعد و عرف جامعه است لازم هستند."

۵ - صیغه "چون متضمن تعهدات قانونی در قبال شریک جنسی بوده و بار مالی هم تحمیل نمی‌کند"، لذا در جامعه مدرن راه حل مناسب کامیابی جنسی است. نویسندگان مقاله به نقش تاریخی صیغه و کارکرد اجتماعی - فرهنگی آن توجه نکرده است. نویسندگان فنلاندی میکا والتری در کتاب "سینوهه" نشان می‌دهد که از حدود ۳۵۰۰ سال پیش تاکنون کاهنان و معابد همواره از درآمد نگهداری تعدادی زن و دختر جوان و ترغیب افراد جوان به ازدواج موقت با آنان امرار معاش کرده‌اند. در ایران، هندوچین و در عربستان قبل از اسلام نیز شاهان، امرا و فئودال‌ها از ازدواج موقت برای مشروع جلوه دادن حرمسراهای خود مدد می‌جستند. در این گونه روابط پشیمی هم برای کلاه پاسداران دین و پاندازان و خواجهگان جوراجور حرم می‌رسیده است. جیمز موریه در کتاب "سرگذشت حاجی بابای اصفهانی" (ترجمه دانشمند ایرانی میرزا حبیب اصفهانی) از آخوندی بنام عماد الاسلام سخن می‌گوید که مسجدی را قرق کرده و تعدادی زن حاضر به صیغه در آن آماده به خدمت دارد. عمادالاسلام توسط قوادان و دلالان محبت مشتری جلب می‌کند و از اینراه پول هنگفتی به جیب می‌زند. گواهی تاریخی جیمز موریه تنها مشت نمونه‌ی خروار است. نه تنها در زمان قاجار، بلکه بصورتی پیوسته تا به امروز صیغه همواره به عنوان کلاه شرعی، به ترویج فحشا کمک کرده است.

تقریباً کلیه‌ی اماکن متبرکه (از صحن امام رضا گرفته تا معصومه‌ی قم، شاه چراغ شیراز و مساجد معروف) محل رفت و آمد روسپیان، پاندازان، و آخوندهای صیغه‌کننده (که بیشتر اوقات بخاطر تقسیم منافع به سرو کله یکدیگر می‌کوفته‌اند) بوده است. زنان صیغه‌ای نه تنها از هیچ حقوقی برخوردار نبودند، بلکه تحت فشار آخوندها و پاندازان پر قدرت، هفته‌ای و گاهی روزانه چند بار صیغه می‌شدند. صیغه از دوساعته شروع می‌شد تا صیغه‌ی مادام‌العمر (بخاطر ملاحظات مختلف از جمله محروم کردن زن از ارث). زنان صیغه‌ای معمولاً هم توسط شوهران و هم بوسیله زنان دائمی شوهران خویش مورد تحقیر و حتی ضرب و جرح قرار می‌گرفتند و از هیچ حق و حقوقی نیز برخوردار نبودند. آری صیغه نوعی فحشای دینی بود. زیر درست مثل فحشا در آن تنوع و تکرار وجود داشت (یک زن را برای ده‌ها مرد صیغه می‌کردند و مرد و زن درگیر در صیغه مرتباً از شاخی به شاخ دیگر می‌پریدند). در صیغه نیز مانند فحشا نیاز اقتصادی زن با نیاز شهوانی مرد معاوضه می‌شود. شباهت دیگر بین این دو یک طرفه بودن رابطه است به این معنی که زن معمولاً شوهر موقت خود را نه دیده و نه شناخته بود و نه کوچکترین علاقه‌ای به او داشت، بلکه صرفاً بخاطر فقر و بدبختی تن به این رابطه می‌داد. حال ببینیم چرا مردان بدنبال صیغه می‌رفتند؟ نخست آنکه از تعهدات انسانی ازدواج (و حتی تعهدات یک رابطه‌ی آزاد دو طرفه توأم با عشق) طفره بروند. دوم آنکه در اغلب جوامع مذهبی فحشای علنی ممنوع بود (چه به سبب تعصبات دینی و چه به این علت که فحشا دکان اربابان دین را تخته می‌کرد)، لذا مردان چاره‌ای جز تن دادن به صیغه نداشتند. سوم اینکه برخی از مؤمنین و متعصبین مذهبی بخاطر آنکه مرتکب گناه نشوند، با عنوان کردن اینکه اسلام همه‌ی کارها را آسان کرده است، بجای فحشا بدنبال صیغه می‌رفتند.

صیغه‌کنندگان را اغلب مسافران، زوار (بخصوص زوار کربلا و مشهد) و پیرمردانی که در پی آزمایش توانائی جنسی خود بودند، تشکیل می‌دادند.

من خود داستانهای فراوانی از مردان زن دار (و حتی مردان دو زنه) شنیده‌ام که تنهایی به زیارت کربلا می‌روند و در آنجا " آقا " برایشان زن صیغه می‌کند.

صیغه صرفاً " فی مبلغ المعلوم و المدت المعلوم بود" و بعد از آن چه بر سر زن بیچاره می‌آمد و اگر آستن می‌شد چه مصائبی به خود و کودکش می‌رسید، به صیغه کننده مربوط نبود. درست مثل فحشا، بدا از پایان مدت هیچیک از طرفین یکدیگر را نمی‌شناختند.

بر خلاف بحث " علمی" و " عقلی" نویسنده‌ی مقاله‌ی بالا، در صیغه عملاً نه رضایت طرفین در کار بود، نه محدودیتی وجود داشت و نه صیغه مشروط به شرایط حقوقی یا انسانی بود. خنده‌آورتر از این نیست که صیغه را بخاطر " پای بندی به قواعد عرف " بدانیم و عرف را " هنجارهایی که برای حفظ جامعه ضروری‌اند" تعریف کنیم. صیغه یک رسم قدیم فئودالی - مذهبی (شرعی نه عرفی) است که اسلام از جوامع دیگر و عربستان پیش از اسلام به عاریت گرفته است. صیغه هنجاری است برای حفظ روابط غیر انسانی و ضد زن. شرع انور و ورد و ذکر آن نیز برخاسته از خواستگاه‌های شرع است نه عرف. نویسنده‌ی مقاله فراموش کرده است که، گرچه در متون مختلف، اغلب شرع و عرف با هم می‌آیند، لیکن همیشه عرف در مقابل شرع قرار داشته است. جامعه‌ی عرفی جامعه‌ای است که در آن دین و سیاست از هم منفک و مجزا هستند.

صیغه نه ماحصل عقل و منطق، بلکه ماحصل جامعه‌ای است که بر آن جهالت و دروغ و ریا حکمروائی می‌کند. ورد و ذکر و صیغه نه نماد عرف جامعه بلکه ترفندی است شرعی برای اخاذی و سو استفاده. همین امروز در نهادهای مجری صیغه (مساجد و تکایای معتبر) حداقل بیست و پنجهزار تومان برای خواندن همین اوراد ساده به جیب می‌زنند. تازه این غیر از پولی است که دلالان محبت و پاندازان جوراجور اخاذی می‌کنند. در صیغه تعهدات قانونی وجود ندارد، بلکه صیغه خود وسیله‌ای است برای طفره رفتن از هر نوع تعهد قانونی. نویسنده مقاله " نگاهی به ازدواج موقت یا صیغه" درست می‌گوید که آزادی نامحدود وجود ندارد. بنظر اینجانب هم آزادی لجام گسیخته باید با یک سلسله قوانین عادلانه و مردمی محدود شود. لیکن چه کسانی باید این محدودیت را برقرار سازند؟ مسلماً نمایندگان بلافصل مردم که با روشی دکمکراتیک و انسانی انتخاب شده‌اند نه کسانی که به زور و بنام دین و اسلام برگرده مردم سوارند.

صیغه یکی از تمهیدات ظالمانه‌ی جامعه‌ی ضد زن و بزرگترین تحقیری است که جامعه‌ی مذهبی علیه زن روا داشته است. برای اینجانب جای هیچ‌گونه شکی باقی نیست که نویسنده‌ی مقاله‌ی " نگاهی به ازدواج موقت یا صیغه" مرد بوده است. زیرا ایشان زمانی که از اکثریت جامعه و عقل جمعی سخن می‌گوید، زنان را بطور کلی فراموش می‌کند. و گر نه ایشان اینقدر درک می‌کردند که حتی مذهبی‌ترین زنان نیز ازدواج دائم و همراه با تعهد را به صیغه ترجیح می‌دهند. نمیدانم اگر نویسنده‌ی این مقاله زن می‌بود آیا می‌شد با رضایت کامل و بدون هیچ‌گونه اکراهی صیغه شود؟ حتی بعنوان مرد نیز اطمینان دارم ایشان حاضر نخواهد شد که کسی خواهر یا دخترش را صیغه کند.

اشتباه است اگر فکر کنیم نظام حاکم بر ایران صیغه را صرفاً بخاطر تعصب دینی یا به عنوان یک سنت اسلامی تشویق می‌کند. جامعه‌ی اسلامی از یکطرف بعلت فقر، بیکاری و تبعیض

شدید جنسی راهی برای گروهی از زنان محروم بجز تن دادن به فحشا و تن فروشی باقی نگذاشته است. مردان نیز بنا به همین دلایل و دلایل دیگری مانند جدائی شدید زن و مرد، فشارهای روانی، عدم امکان ازدواج بخاطر فقر و بی پولی، عدم امکان ایجاد روابط عاطفی با جنس مخالف) به طرف رابطه جنسی مبتنی بر روسپیگری کشانده شده‌اند. در این شرایط صیغه به عنوان راه حل اقتصادی - اجتماعی رژیم ظاهر شده است. چه راه حلی از این بهتر که برای سردمداران رژیم دوغ و دوشابی هم دارد.

متأسفانه مردان و زنان ما تاریخاً از محرومیت شدید جنسی رنج برده‌اند و امروز رژیم جز صیغه راهی برای ارضای غرایز جنسی‌شان باقی نگذاشته است. با توجه به این واقعیت است که من زنان و مردانی را که تن به صیغه می‌دهند، درک می‌کنم و حتی برقراری روابط جنسی مبتنی بر روسپیگری را محکوم نمی‌سازم. یک انسان تشنه آنگاه که به آب گوارای چشمه دست نیابد، ممکن است از آب گلآلود یک گودال نیز رفع تشنگی کند. این نکته را نیز باید قبول کنیم که حتی در دمکراتیک‌ترین و انسانی‌ترین جوامع نیز بخش‌هایی از زنان و مردان بطرف فحشا و مواد مخدر و نظایر اینها کشانده می‌شوند. لیکن یک نظام اجتماعی خردورز باید با ایجاد کار، رفاه اجتماعی، تفریحات سالم و تربیت بدنی و روانی برای قاطبه‌ی مردم همه‌ی اینها را بحداقل برساند. انسانهای خرد ورز باید همواره چشم‌انداز جامعه‌ای را بر مردم ارائه دهند که در کلیه‌ی روابط آن خرد نقاد جای ایمان کورکورانه و پیشداوری‌های سنتی - مذهبی را گرفته است. جامعه‌ی خردورز در خصوصی‌ترین روابط انسان‌ها دخالتی نمی‌کند. در چنین جامعه‌ای روابط جنسی متکی است به عشق انسانی، لذت و تعهد دوجانبه، زیبایی‌شناسی و تداوم رابطه - حال این رابطه چه بصورت ازدواج مدنی (غیر دینی) باشد و چه عشق آزاد زن و مرد.

حیدر قطب

بیست و هفتم نوامبر ۲۰۰۲

بایگانی در سایت باهماد ایرانیان خردگرا: (<http://www.kaafar.com>)

طرح چند مسئله

دختری هستم ۱۸-۱۷ ساله، از اونجایی که خیلی به نظرات این سایت علاقمندم و با همشون موافقم، خواستم چندتا سؤال از این پدر و مادرهای (خیلی روشن!) و این پسرهای ایرانی بکنم و درد دلی کرده باشم.

هر آدم عاقلی میدونه که خدا هیچ چیزی رو بی دلیل به آدم نداده، مگه اینطور نیست؟ همونجور که آدم نیاز به آب، هوا، غذا و.... داره، احتیاج به داشتن رابطه با جنس مخالف داره! مگه نه؟ احتیاج داره نیاز جنسی خودشو برآورده کنه! هر نیازی بجای خودش باید برآورده بشه، مگه نه..... اون موقع که نیازش سرکوب شد!.....تبدیل به یه آدم عقده‌ای میشه که امثالشون تب جامعه ما زیاده.

من اول از همه از پدر و مادر خودم شروع میکنم:

ببینم، آخه شما چی فکر میکنین؟ چرا من نباید با پسری دوست باشم ولی اگر پسر عمه محترمه بنده یا حالا هر کس دیگه‌ای (پسر) در دور و اطراف که دوست دختر داشته باشه، عیب نداره؟ تازه پز هم میدن! اهه!مادر فلان پسر افتخار هم میکنه که پسرش گزل فرند داره! ولی هر دختری به محض اینکه اطرافیانش فهمیدن دوست پسر داره،

فاسد میشه؟ مهر بدنامی و هرجائی بودن و.... رو پیشونیش میخوره. مهر حتی خراب بودن و لشی بودن رو پیشونیش میخوره. میدونین این مادر پدرها چی میگن؟
پسر عین کاسه بلور میمونه! اگه چرک بهش خورد، میشوری و لکاش پاک میشه (یعنی آخر سر هر غلطی که بکنه هیچ عیبی نداره!)
اما دختر به محض اینکه کاری کرد دیگه از اون موقع به بعد میشه بدنام ، هرجایی و از این چرندیات خفقان آور . من نمی دونم؟؟؟؟!!!!؟؟؟؟؟؟ اگه قرار به خراب بودن! پس این باید شامل پسرا هم بشه!
روی حرفم با اون پدر مادرهایی است که دوست دختر پسرشون میاد خونه شون و جلو خواهر پسره میرن تو اتاق و در رو می بندن و..... جلو اون دختر بدبخت! ولی اگه دختر خودشون اینکار رو بکنه، حسابش رو کف دستش میذارن.
با اون پسرهایی دارم صحبت میکنم که خودشون هر غلطی میخوان با دختر مردم میکنن ولی خواهر خودشون باید تو خونه حبس باشه، تلفون هاشو چک کنن، هر جا میخواد بره، مواظبش باشن یا اگر هم اینها نباشه، اگه بفهمن دوست پسر داره، خدمتش برسن!
حرفم با اون پسرهایی است که به دختر هزار جور وعده و وعید میدن! هر بلائی دلشون میخواد سر یارو میارن و بعدش هم مثل یک تیکه آشغال پرتش میکنن کنار.
بعضی هاشون که - الان ببخشید که اینو میگم، خیلی معذرت - ولی به اصطلاح خودشون، دخترها رو شکل کس پادار می بینن! این اصطلاح خودشونه.
آخه من نمی دونم شما آقایون چرا دوست دارید خودتون رو به خیریت بزیند؟ آخه شما باور میکنید که اگه با یه دختر ۲۶-۲۵ ساله ازدواج میکنید، تابحال با کسی دوست نبوده؟ یا تو این دور و زمونه حتی دختر باشه؟
یعنی شما فقط به خاطر ارزش یه تیکه گوشت با دختر مردم ازدواج میکنید؟ آره؟ که اگه دختر پرده نداشته باشه؟؟؟؟؟؟ آخه نامردها چه فرقی بین یه دختر با یه پسر هست؟
همون قدر که تو حق داشتی حال کنی!.... اونهم حق داشته حال کنه! مگه غیر از اینه؟
چرا من باید از ترس بابام همه اش خودم، خودمو ارضا کنم؟؟؟!!!؟؟؟؟؟؟ چرا من باید از ترس اینکه کسی که فردا پس فردا قراره با من ازدواج کنه، این همه مدت فشار روحی تحمل کنم. والله، بخدا هر نیازی سرکوب بشه اثر خیلی بدی میذاره.
واقعاً نمی دونم چی بگم! خیلی ها که کلی الم شنگه هم بپا می کنن اگر که تو شب اول ببینن که عروس پرده نداره!
مثلا درست عین اینکه بگی یارو با ۲۵ سال سن هنوز با هیچ زنی رابطه نداشته! خنده داره، آخه کی باورش میشه؟
این یه نیاز طبیعی است، آقایون، پدر مادرهای عزیز، اگه شما قدیما با سن پائین ازدواج میکردید باز یه چیزی.
نمی شه از یه دختر ۲۷-۲۶ ساله توقع داشت که در طول اینهمه سال که از بلوغ جنسی اش گذشته و اینهمه فشار و تحریک روش هست، که طبیعتاً روی هر آدمی هست، توقع اینو داشت که که اینهمه سال خودشو " حفظ " کنه! بفهمید! شما را به خدا، درک کنین این موضوع رو.
من که نتونستم این موضوع رو به پدر و مادرم بفهمونم.
امیدوارم با خواندن نامه هایی از این قبیل یک کمی تو افکار پوسیده و بیخود ، تجدید نظر کنید. سعی نکنید خودتونو گول بزیند. اصولاً آدم از هر چیزی که مانعش کنن، بیشتر به

سمتش جذب میشه! اینو همه میدونن. کاری نکنید که بچه‌هاتون از از اونطرف پرت بشن پائین.



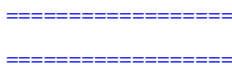
من میخوامم به دو نکته اشاره کنم، یکی در مورد آقایون و یکی در مورد خانمها .
۱- خانمها: در مورد بعضی از خانمهای ایرانی باید بگم با اینکه خودم هم یک زن ایرانی هستم، ولی متأسفانه بعضی از زنان ایرانی بعد از ازدواج فکر میکنند که دیگه همه چیز تمومه و اون آقا دیگه مال خودشونه و نمی‌تونه شیطنتهای قبل از ازدواج رو داشته باشه، در صورتی که به نظر من اونها باید بعد از ازدواج بیشتر مراقب همسر خودشون باشن. مثلاً در بعضی موارد دیده می‌شه که خانم بعد از ازدواج دیگه به سر و وضع خودش نمی‌رسه و مرتب نیست و وقتی که بهشون گفته میشه که چرا اینجوری شدن، میگن که اونیه که ما رو پسندیده، دیگه پسندیده و فکر نکنید که این خانم بعد از یک بچه به چه صورتی خواهد بود؟ پس نباید از یک مرد انتظار داشت که از سکس با یک چنین زنی لذت ببره، در نتیجه میشود آنچه نباید بشود.... به نظر من، یه زن خیلی راحت میتواند مرد خود را پایبند زندگی کند و چاقی یا لاغری، زشتی یا زیبایی هیچکدام، مانع اینکار نمی‌شه. همیشه مرتب باشید و تا میتوانید برای مرد زندگی خود سکسی جلوه کنید. باور کنید من زنی‌امی شناسم که کثافت تمام زندگیشو گرفته و از هنر خانه‌داری فقط آشپزی بلد است ولی وقتی شوهرش وارد خونه میشه، آنچنان با حرارت اونو می‌بوسه که در نظر مرد خونه مثل گل میشه. البته من نمی‌گم شلخته باشید بلکه می‌خوام بگم که شوهرداری هم خودش یک نوع هنر است.

۲- و اما درباره آقایون: در باره آقایون باید بگم که بعضی از آقایون بیرونی هم بعد از ازدواج مثل خانمها فکر میکنند که دیگه زن خودشون بهشون پایبند است و حرف حرف عشق است. بله این درست و زنان ایران خیلی هم به شوهر خود پایبند هستند ولی تا کی؟ تا زمانی که احتیاجش برآورده شود. البته من با مادیات کاری ندارم، بلکه از نظر معنوی می‌گویم. شما میتوانید صبحها قبل از اینکه سرکار برید، یک بوسه عاشقانه از همسرتون بگیرید. هیچ میدونید این بوسه که شاید ده ثانیه هم طول نکشه، چه اثر مثبتی داره؟ امتحان کنید. دگیر اینکه ناراحتی بیرون رو به خونه نیارید، خواهشاً وقتی وارد خونه می‌شید، دیگه فکر کنید که مشکلاتی که صبح داشتید دیگه مال بیرون بوده و فراموش کنید. مرتب باشید و همیشه در نظر خانم خودتون بهترین باشید.



سالم عرض شد، می‌خواستم ببینم چه اشکالی داره که ادم هم کس و کون بده و هم پول بگیره. اینایی که خیال می‌کنن آدمای خیلی خوبی هم هستن، خودشون هر کاری خواستن میکنند، یه عده هم میرن و حتی چند نفری با هم حال میکنند ولی پول نمی‌گیرن. می‌دونین فرقشون چیه؟ فرقش اینه که طرف از سیری شکم میاد خودشو ارضا میکنه ولی

ما برای کسب درآمد. شما ببینین به آدمی که از جوشن مایه میذاره، اینقدر ارزش نداره
که پول بگیره؟



توی شهر ما که تقریباً یه شهر کوچکی هست، واقعاً نظم به گند کشیده شده. من و دوستانم واقعاً نمی‌دونیم که چکار کنیم. شبها وقتی از خونه میریم بیرون، به ما میگن چرا اومدین بیرون، موتورهامون رو میبرن و خود ما رو جریمه می‌کنن. تازه تو خیابون به ما گیر میدن که چرا لباس هامون آستین کوتاهه، یا چرا روی لباس شما عکس است یا چرا شلوار شما تنگ است و شلوار لی اگه پات کنی، شلوار تو پاره میکنن. ولی ماجرای رو که پلیس انجام داده رو چون مال خودشونو، کاری نمی‌کنن. تابستون سال پیش ماشین پلیس یه دختری فراری رو که کنار رودخانه گرفتن، میبرن تو یه باغ و به دختر بیچاره با زور تجاوز می‌کنن. بعداً معلوم میشه که یکی از اونها ایدز داشته و دختره را هم به این بیماری مبتلا میکنه. این همونا هستن که ادعا می‌کنن از ما بهتر هستن. خلاصه ما جوونای

ارتباط سازنده.....منتظر اولین جرقه انقلاب دوباره هستیم.

(از استریت واکر)

کیه که نخواد سکس بهتری داشته باشه؟ کیه که دوست نداشته باشه طرفش رو به بهترین وجه ممکن ارضاً کنه؟ واقعاً کسی هست که نخواد بیشترین لذت رو ببره و بیشترین لذت رو بده؟ اما متأسفانه تو کشور ما، به دلیل نبودن آموزشهای صحیح و دقیق در اینباره، اکثر افراد از روشهای مناسب برقراری ارتباط جنسی اطلاع چندانی ندارند و همیشه نگران این هستند که نتوانند طرف خودشون رو به خوبی ارضاً کنند و یا از این ناراحت باشند که "شاید" می‌تونست بهتر از این باشه. کج فهمی‌های دو طرفه و گاهی عدم آشنایی با چگونگی حل مشکلات و مشاجرات احتمالی روزمره هم مزید بر علت است.

اکثر آدمها هم فکر میکنند که توی ایران اساتید خوبی برای سکس وجود نداره و یا اگر هم وجود داره، ما به آنها دسترسی نداریم. اما این تصور چندان صحیح نیست! موقع سکس همیشه یک استاد که می‌تونه بهترین، دقیقترین و مناسبترین راهنماییها رو به شما بکنه، در دسترس شماست؛ این استاد، دوست پسر، دوست دختر و یا همسر شماست، اما به شرطی که بلد باشید چگونه با او حرف بزنید و چگونه این ارتباط را برقرار کنید. هرچه باشه، بهر حال این اونه که باید لذت ببره و به شما لذت بده. پس اگر بتوانید رد و بدل اطلاعاتی مفید با هم داشته باشید، خواهید توانست بهترین سکس دنیا را تجربه کنید. میتوان گفت که تقریباً توی هیچ موضوع دیگه‌ای نیست که استادی اینقدر اختصاصی برای شما وجود داشته باشه، پس بهتر است که کمی وقت بگذاریم و مهارتهای ارتباطی با طرف خود را یاد بگیریم، و آنوقت که شاهد معجزه خواهیم بود.

سبزه مورد زیر که از راهنمای جنسی سازمان اطلاعات جنسی سان فرانسیسکو (آمریکا) برداشته شده‌اند، تلاش میکنه کاتالیزوری باشه برای یک معجزه جنسی که ماحصل آن، دنیایی بهتر و زیباتر برای تمامی زندگی شما خواهد بود.

۱- **محیط:** آیا ارتباط کلامی شما در محل مناسبی انجام می‌گیرد؟ یک تئاتر شلوغ برای صحبت درباره زندگی جنسی شما اصلاً مناسب نیست. اگر در وضعیتی هستید که یکی از شما خواب‌آلود است، یا حوصله حرف زدن ندارد، بهتر است حتی صحبت را شروع نکنید. از طرف دیگر مطمئن باشید که وقت کافی برای صحبت دارید. صحبت‌های مربوط به مسائل جنسی معمولاً بیشتر از آنچه فکر می‌کنید، طول می‌کشند.

۲- **ارتباط و اهداف آن:** آیا واقعا هر دو می‌خواهید در باره این موضوع صحبت کنید؟ آیا هر دو در مورد موضوع صحبت با هم توافق دارید؟ و آیا هر دو آماده صحبت در اینباره هستید؟ موضوعات جنسی در فرهنگ ما غالباً با اشارات و کنایات بیان می‌شوند و همین موضوع باعث ایجاد انواع سوء تفاهم‌ها میشود. سعی کنید اول دقیقاً مطمئن شوید که طرف مقابل شما همان چیزی را در نظر دارد که مد نظر شماست. "سکس خشن" از دید دو نفر ممکن است به دو گونه مختلف برداشت شود.

۳- **توافق با خود:** قبل از شروع یک صحبت جدی، بسیار مهم است که هر فرد تا حد زیادی از نظرات خود آگاه باشد. این موضوع در ابتدا عجیب بنظر می‌رسد ولی اگر در مورد سکس با کسی صحبت کرده باشید، حتماً میدانید که بحث به چه حرف‌های عجیبی که کشیده نمی‌شود و آدم حرف‌هایی می‌زند که اصلاً قبل از آن به فکرش هم نبوده. شاید اثر فروید باشد..... بهرحال بسیار مهم است که قبل از هر صحبتی، تکلیفاتان را با خود روشن کنید.

۴- **مقاصد ناآشکار:** در تمامی طول صحبت در باره سکس صریح صحبت کنید. تجربه نشان داده که در بسیاری مواقع (بخصوص پیش از ازدواج) صحبت در باره سکس، چیزی بیشتر از یک تبادل نظر ساده است. اگر به چیزی بیشتر از یک تبادل نظر ساده فکر میکنید، به سادگی آن را برای طرف مقابل خود بیان کنید. اجازه ندهید روند ارتباط کلامی شما، بجای رد و بدل کردن اطلاعات و کسب شناخت بهتر از همدیگر، به ابزاری برای وقت‌گذرانی مبدل شود.

۵- **زبان بدنی و ارتباط غیر کلامی:** بسیاری چیزها را جرأت نمی‌کنیم بر زبان آوریم، یا به دلائل فرهنگی از گفتن آن خجالت می‌کشیم و یا به سادگی نمی‌دانیم چگونه آن را بیان کنیم. در اینگونه مواقع میتوان از زبان بدن - ایما و اشاره - استفاده کرد؛ کشیدن یک آه بلند وقتی پسری سینه‌های شما را می‌بوسد، از هزار بار "عالیه" گفتن مفیدتر و شهوت‌برانگیزتر است. این مورد در باره پسرها و مردان هم صدق می‌کند. در فرهنگ ما عادت کرده‌ایم که "سرو صدا کردن" کاری دخترانه یا زنانه است و این کاملاً اشتباه است. زبان بدنی و اصوات غیر کلامی (مانند آه کشیدن و یا نفس نفس زدن) یک محرک عالی برای هر دو طرف است و بهترین نشانه از خوب و مناسب بودن اعمال. با اینکار دونفر به هم پیام میدهند که از کاری که درحال انجام گرفتن است، لذت می‌برند. اما توجه داشته باشید که با زبان بدنی خود دروغ نگوئید که عواقب خوبی ندارد، بهترین کار این است که آن را آزاد بگذارید.

۶- **شیوه بیان:** به جای اینکه به اعمال طرف مقابل تکیه کنید، مسائل را از جانب خود بررسی نمائید؛ به جای اینکه بگوئید "وقتی اینجوری می‌بوسی عین دراکولا می‌شی!" بگوئید وقتی اینجوری می‌بوسی، احساس عجیبی به من دست میدهد، دوست دارم که یک کم ملایم‌تر باشه. البته مواظب "من" گفتن‌های خود باشید. مثلاً، هیچوقت نگوئید "من احساس میکنم که تو اصولاً اینکاره نیستی!" شما با استفاده از شیوه بیان مناسب، به طرف کمک میکنید که به نقاط بیشتر حساس بدن شما و اینکه چه شکلی را دوست دارید، آشنا شود.

۷- **توضیح و گوش دادن فعال:** هنگامی که مشغول صحبت در باره یکسری از موضوعات خاص هستید، قبل از جواب دادن، یکبار صحبت طرف خود را تکرار کنید. به اینکار گوش کردن فعال می‌گویند. این موضوع دو تاثیر مهم دارد: اول اینکه باعث طرف متوجه دقت کردن شما به

حرفهایش میشود، و دوم اینکه سو تفاهم احتمالی در درک حرفهای طرف هم برطرف میشود. چون اگر خوب متوجه حرفهای او نشده‌اید، به شما میگوید که منظور این نبوده.

۸- پرسش: برای رسیدن به نتیجه مطلوب، پرسیدن منظور دقیق طرف بسیار مهم است. هیچگاه با اطلاعات و داده‌های خود، سعی در حدس زدن منظور طرف نکنید، بلکه از وی بخواهید که بسیار دقیق و با جزئیات نظر خودش را برایتان شرح دهد.

۹- مذاکره: وقتی شما و همسر یا دوستتان، مواضع خود را دقیقاً مشخص کردید، سعی کنید به یک جمع‌بندی برسید؛ بگوئید "موضوع فلان چیز است، یکی از ما این راه حل را می‌دهد و یکی آن راه حل. حالا بهتره که چکار کنیم؟"

۱۰- مصالحه: باور کنید که در هر موضوعی بالاخره در یک نقطه‌ای توافق کنند که هیچکدام از طرفین ضرر مطلق نکنند. معنای این جمله این است که هیچکدام به سود مطلق هم نخواهد رسید. سعی کنید به حالتی برسید که بیشترین سود برای هر دو طرف حاصل شود و هر دو طرف احساس کنند که در مذاکره پیروز شده‌اند. هیچوقت سعی نکنید برنده نهایی باشید.

۱۱- توافق: سعی کنید وقتی به نتیجه‌ای رسیده‌ید، آن را برای هر دو طرف کاملاً شفاف و واضح بیان کنید. مثلاً بگوئید "خوب، پس قرار شد من تا ساعت ۱۰ خونه باشم، یا اگر نتوانستم بیام، تا اون موقع زنگ بزنم" ولی نگوئید "پس قرار شد خیل دیر نیام". چون این به ناروشنی منجر میشود، چرا که هر کدام ممکن است یک برداشت از "دید آمدن" داشته باشد.

۱۲- خاتمه: همیشه بصورت دقیق به مشکل پیش آمده و حتی به بحثی که در جریان است، خاتمه دهید. وقتی توافق حاصل شد، نشان دهید که دیگر از چیزی ناراحت نیستید و ثابت کنید که صحبت شما، یک جنگ لفظی نبوده، بلکه تلاشی بوده برای بهتر شدن رابطه شما دو نفر. سعی کنید این بهتر شدن روابط را از همان شب اجرا کنید. (طرف خود را به یک چایی، یا یک شام در بیرون دعوت کنید و اگر سه‌کافی هستید.....)

۱۳- بررسی: بعد از گذشت یک مدت کوتاه، به بررسی این بنشینید که آیا به اهدافی که می‌خواستید، رسیده‌اید یا نه. هیچ چیز مثل احساس فریب خوردن، زندگی را خراب نمی‌کند. هیچوقت هیچ چیز را بیش از حد تحمل نکنید. اکثر مسائلی که موجب تیره شدن یک رابطه خوب می‌شوند، اگر از همان اول کار، مطرح و حل شوند، بهتر است چرا که به احتمال زیاد، باعث مشکلات بیشتری در آینده خواهند شد. نگذارید، دلتنگی و ناراحتی‌ها در دل شما جمع شوند چرا که روزی از یک جایی بیرون میزنند و آنوقت حل چندین مسئله با هم بسیار مشکلتر خواهد بود.

امیدوارم که همیشه رابطه خوبی داشته باشید و فراموش نکنید که سکس شما، نشاندهنده نوع رابطه شماست. دو انسانی که روابط زیبا، لذت بخش و خوبی در روابط خصوصی خود دارند، ناخودآگاه در روابط عمومی هم همیشه به فکر همدیگر بوده و از اعتماد به نفس بیشتری برخوردارند، بلعکس دو نفری که سکس خوبی نداشته باشند، هم ممکن است آن اعتماد به نفس باید و شاید را نداشته باشند و هم سرخوردگی جنسی خود را جای دیگری جبران خواهند کرد. و فراموش نکنید که خوب بودن رابطه جنسی هیچوقت نمی‌تواند یکطرفه باشد. به فکر خودتان هم باشید: فداکاری تمام عیار، فاسد کننده سکس خوب و دلپذیر است، در مقابل کمی کوتاه آمدن، تضمین کننده دوام آن.

هلاک کیر

من شدیداً به کیر مکیدن علاقه دارم، حتی اگه طرف منو نکنه من نمی‌تونم از کیر اون دست بردارم. باید حتماً ساک بزنم و خیلی هم خوشم میاد. یه دفعه



از نگاه یک جوان ایرانی در خارج

من یک جوان ایرانی هستم که در خارج زندگی میکنم. تا کلاس پنجم توی ایران بودیم و بعدش به خارج آمدیم حالا ۲۱ سال سن دارم و دانشجوی علوم اجتماعی هستم. پدر و مادرم، هر دو توی انقلاب سال ۱۳۵۷ بسیار فعال بوده‌اند و بعدها به دلیل مخالفت با حکومت، به خارج آمدند. به همین دلیل در خانواده ما مسائل و چیزهایی که توی جامعه ایران می‌گذرد، را دنبال میکنیم. تو همین رابطه من به مسائل کشورم علاقمند هستم.

من اینجا با دوست دخترم زندگی میکنم و رابطه گرم و صمیمی با خانواده‌ام دارم. به دلیل علاقه‌ام به مسائل ایران و رشته تحصیلی‌ام چند بار به ایران سر زده‌ام، از جمله دو ماه پیش. اتفاقاً دوستان همسن و سال خودم در بین اقوام ما در ایران هم دارم و در این اواخر روابط بهتری با هم داریم. سه‌کاف را هم یکی از همین دوستان به من معرفی کرد. میخواهم نظر خودم را در رابطه با یکسری مسائل جامعه و جوانان مطرح کنم. توی ایران که من بودم، یک احساس عجیبی در برخورد به مردم از هر سن و سالی به من دست میداد. یعنی یک نوع بی‌منطقی کاملی توی رفتار و کردار و برخوردهایشان می‌دیدم. امیدوارم دوستانی که این مطلب را میخوانند فکر نکنند که من دارم ایراد می‌گیرم، چون اصلاً قصد من این نیست بلکه یک چیز دیگر است. یعنی میخواهم بگویم اگر حکومت توی ایران سختگیری می‌کند، خود مردم و بخصوص جوانان اگر بخواهند، میتوانند تا حدود زیادی از فشار حکومت کم کنند.

برای اینکه منظورم را خوب بفهمانم، میخواهم از خودم، و زندگی اینجا کمی بگویم. من توی سال آخر دبیرستان اینجا، وقتی که ۱۹ ساله بودم، با یکی از دختران همکلاسی خودم آشنا شدم. یک هفته بعد، یک روز که با هم شام می‌خوردیم، تلفنش زنگ زد، برادرش بود.

گویا یک جشنی با دوستاش داشت و میخواست که او (دوست دختر من) هم برود. همانجا، از من پرسید، من هم گفتم باشه. دوستم از برادرش پرسید که آیا میتونه دوست پسرش (یعنی من) را هم بیاورد. و جواب مثبت بود.

هفته بعد ما با هم به مهمانی رفتیم. حدود ۸ نفر از جوانان ۲۴-۱۸ ساله. من برای اولین بار بود که برادر دوست دخترم را می دیدم. خیلی خوش اخلاق و مهربان بود. دوست دختر خودش را هم معرفی کرد. شام خوردیم و بعد هم با هم به دیسکو رفتیم. توی دیسکو او با دوست دخترش میرقصید و خواهرش هم با من میرقصید. یارو عین خیالش هم نبود. بعدش هم ما دو نفری بیرون زدیم و رفتیم خانه. این را که میگویم، یعنی یک پسر، داشتن دوست دختر را حق خودش میداند و همین حق را برای خواهر خودش هم قبول دارد.

نه من و نه هیچ فرد دیگری وقتی که دوست دختر یا پسر میگیرد، این اجازه را بخودش نمی دهد که از طرف خودش بیرون برسد، قبلاً با کی بوده و آیا مثلاً پرده بکارت دارد یا نه. تازه ممکن است با دوست پسر یا دختر قبلی هم هنوز رابطه دوستی داشته باشد و به من هم معرفی کند. این شکلی هم نیست که مثلاً دوست پسر سابق دوست دختر من بگوید "من قبلاً ترتیب دوست دختر تو را دادم"، چون هر کسی به آن رابطه ای که دارد، احترام می گذارد و اگر هم دو طرف به هم نخوردند که زندگی مشترکی داشته باشند یا ازدواج کنند، دوستانه از هم جدا میشوند و احترام آن رابطه قبلی را محفوظ نگه می دارند.

در حالی که توی ایران که من بودم، پسرها از اینکه دوست دختر دارن، یک نوع فخر فروشی میکنند و بشکلی با دوست دختر خود برخورد میکنند و پشت سرش حرف میزنند که آدم تعجب میکند. یعنی یک طوری که گویا این طرف به دختره کلک زده، گویا داره از دختره سو استفاده میکنه و از این حرفها.

مثلاً به هم میگن که من مخ فلانی را زدم. یعنی رابطه خود را یک رابطه انسانی و آگاهانه و دوطرفه حساب نمی کنند. یا اگر خواهر خودشان دوست پسر داشته باشد، برادره با دوستاش جمع میشوند و دمار از روزگار دوست پسر خواهر خودشان در می آورند و از اینکه خواهرشان دوست پسر داشته باشه را یک آبروریزی بحساب می آورند؟؟؟؟ چرا من نمی دانم. من اینجا دو سه سال است که با این دوست دخترم زندگی مشترک می کنم. ازدواج هم نکرده ایم، اما با هر دو خانواده خودم و خانواده دوستم روابط گرمی داریم، هیچ مسئله ای هم نیست.

خواهر من هم با یک خارجی زندگی مشترک میکند، هیچ عیب و ایرادی هم ندارد. خوب اگر حکومت در ایران فشار می آورد، مردم و بخصوص جوانان که میتوانند توی خانه خودشان کمی بازتر با این مسائل برخورد کنند و تا حدود زیادی از فشارها کم کنند.

یک مثالی برایتان میزنم که هر وقت بیادش می افتم، به جز به وحشیگری به هیچ چیز دیگری فکر نمی کنم.

یک روز با چند نفر از دوستان یکی از دوستم در تهران که همه دانشجو بودند، رفتیم بیرون. نمی دانم چطور شد که یک دختری که یکی از این پسرهای همراه ما را میشناخت، هم آمد و قرار شد که او را به جایی برسانیم. یکهو متوجه شدم که راننده ماشین، تو کوچه پس کوچه های نسبتاً خلوت پیچید و هر کدام از پسرها به طرف دختره حمله کردند و شروع کردند به زور با این دختر بیچاره لاس و دست زدن. نگاهشان که میکردم، توی چشم و صورتشان هم میشد یک نوع "غرور و افتخار" دید که ظاهراً میخواستن به من طعنه بزنن که ببین ما چه چیزها که اینجا نداریم. آنقدر از وحشیگری اشان عصبانی و منزجر بودم که شروع کردم به لرزیدن. بالاخره، به خودم مسلط شده، از ماشین پیاده شدم و با کلی بد و بیراه، دختر بیچاره را از دستشان در آوردم.

یک خاطره دیگر از اینگونه روابط را هم برایتان تعریف می‌کنم که به یکی از پسرهایی مربوط میشود که من در آنجا با ایشان آشنا شدم. گویا این پسر به یکی از دوستان سابق خودش دعوا کرده و کلی از دست او عصبانی بود. یک روزی که پنج نفری با هم بودیم، یکپهلو از یکی از دوستانش توی جمع خواست که یک کار رفیقانه برایش بکند و از ما هم خواست که اگر ما هم کمکش کنیم، خیلی ممنون میشود. میدانید درخواست ایشان چی بود؟ از دوستش میخواست که هرطور شده، بقول خودش "مخ" خواهر آن کسی که باهاش دعوا کرده بود را "بزند" و ترتیب "دختره" را بده و اگر هم شد، همه ما با هم بصورت جمعی با دختره سکس داشته باشیم و اگر هم شد، یک دوربین مخفی با خودمان ببریم که از دختره عکس بگیریم و به او بدهیم تا مثلاً آبروی پسری که باهاش دعوا کرده را ببرد (برادر دختره). من که داشتم شاخ درمی‌آوردم. یاد این گفته پدرم افتادم که دروغ یا راست، در زمان شاه، گویا خارجی‌ها که به ایران می‌آمدند، علاوه بر حقوق، یک چیزی هم بعنوان حق توحش می‌گرفتند. خوب وقتی جوانان و تحصیلکردگان ما و کسانی که به اینترنت دسترسی دارند، اینطوری باشند دیگر وای بحال دیگران.

یا مثلاً، یک نفر را میشناسند که به جنس موافق خودش گرایش دارد، یعنی گی هست. چقدر بر خوردهای زشت میکنند و با چه کلمات و اصطلاحات زشتی از طرف یاد میکنند، تازه میگویند که "من که ترتیبشو دادم"؟؟؟؟ من که سر در نمی‌آورم؟؟؟ آخر خود طرف نمی‌گوید که اگر حکومت به تو فشار می‌آورد، خود تو دیگر چرا به دیگران فشار می‌آوری؟ گیرم که برادر یا خواهر خودت گی بود؟ گی‌ها هم حق زندگی دارند، نه حق کسی را خورده‌اند و نه به کسی ضرر زده‌اند، مگه نه این است که هر کسی حق دارد آنطور که میخواهد زندگی کند، بشرطی که آزادی فرد دیگری را محدود نکند؟ به من چه که طرف توی رختخواب با جنس موافق خودش میخواهد یا با جنس مخالف. این یک مسئله شخصی طرف میباشد و جوان امروزی باید حداقل این را بداند. یک مسئله دیگر هم این است که بچه‌ها همه کارهای خودشان را دزدکی و بدور از چشم خانواده خود انجام میدهند. ظاهراً به این دلیل که خانواده‌ها نمی‌توانند این چیزها را قبول کنند. خوب جوان امروزی، باید بتواند از حقوق فردی خودش دفاع کند. طبقه جوان نباید تسلیم افکار پدر و مادرها شود. باید رک و پوست کنده بگوید، من به شما احترام می‌گذارم، دوستان دارم اما برای اینکه چگونه زندگی خودم را سرو سامان دهم، به شما حق دخالت در زندگی شخصی خودم را نمی‌دهم. و پدر و مادرها هم باید به نوبه خودشان در کم کردن فشارهای حکومت در مورد مسائل جنسی به وظیفه خودشان عمل کنند، یعنی عشق به فرزند را به زندان به فرزند تبدیل نکنند. نه اینکه خودشان ناآگاهانه مامور حکومت در کنترل کردن جوانان باشند. به نظر من اگر جوانان و بخصوص خواهر برادرها توی خانواده از هم حمایت کنند و در برابر افکار نه چندان امروزی پدر مادرها به شکل درستی مقاومت کنند، تا حدود زیادی از فشارها بر جوانان کاسته میشود، اما برای اینکار یک تحول مثبت و اساسی توی ذهن و دیدگاه خود جوانان، لازم است.

اینها را که مینویسم، ابداً منظورم انتقاد نیست، بلکه می‌خواستم یک گوشه مشکلات را بگویم چون به عنوان یک ایرانی دلم میخواهد که کشور متمدنی داشته باشم و روزی به کشورم برگردم. این را هم بگویم که منظور من تمام مردم و جوانان نیست، حتماً جوانان و افراد با فرهنگ نارگیل و نعنای متمدن توی ایران زیاد هست اما من دارم نتیجه برخوردهای خودم را بیان می‌کنم.

عطر شکلات با طعم

از ساعت ۹ صبح با هم بودیم.

از با هم بودن همه جور لذتی برده بودیم.



پاسخ به مسائل جنسی

ابتدا تذکری که یکی دوستان به ما داده:

- ۱- برای چرب یا لزج کردن کاپوت، استفاده از وازلین بخاطر ترکیبات نفتی (که در آن بکار گرفته میشود)، درست نیست. مواد موجود در وازلین به جدار کاپوت صدمه می‌زند و امکان عبور ویروس یا اسپرم از کاپوت بوجود می‌آید (خطر ایدز یا حاملگی). حتما باید از ژل (Gel) که محتوای سیلیکون هست، استفاده شود و نه وازلین.
- ۲- دوست دانشجویی که در رابطه با ایدز هم تحقیق میکند، مطلبی را در رابطه با سؤال و جوابهای شماره قبل در مورد ایدز و سازمان انتقال خون فرستاده بودند که قول دادیم در همین جا چاپ کنیم، اما در اثر یک خطای غیر عمد، نامه آنها، از کامپیوتر پاک شد. خوشحال میشویم چنانچه شما دوست عزیز، از خطای ما بگذرید و مطلب خود را یکبار دیگر برایمان ارسال کنید (با پوزش فراوان)

=====

سؤال ۱ - من وقتی آبم می‌آید، مثل توی فیلمها، آبم جهش ندارد، چرا؟
جواب: اول اینکه این فیلمها بیشتر تجارتي هستند، ممکن است داروهایی از جمله قرص ویاگرا به طرف داده باشند تا حسابی حشری‌اش کنند یا اینکه، از فن "اسلوموشن" فیلم استفاده میکنند و ...، اما اینکه یک عده آبشان حسابی جهش دارد، درست میباشد.
اگر شما خیلی سکس داشته باشید و یا زیاد جلق بزنید، به بدن خود فرصت کافی برای تولید آب منی نداده‌اید و در نتیجه آب شما هم کم جهش خواهد بود. جهش آب بیشتر در سنن جوانی و حتی تا سن ۴۵-۴۰ هستش (البته در بعضی‌ها تا سن بالاتر هم هست)، اما همه اینها یک مسئله فردی است و در چارچوب تفاوت‌های فردی می‌گنجد.

سؤال ۲ - چگونه میشود از شل شدن سینه زنان جلوگیری کرد؟

جواب: شل شدن سینه زنان یک مسئله کاملا عادی و طبیعی است. این سینه‌های برجسته و سفت که توی فیلمها یا اینترنت میبینید، دارندگان سینه‌های آنچنانی، در بیشتر اوقات جراحی پلاستیک کرده‌اند و گرنه سینه‌های تمام زنان عادی بعد از مدتی شل میشوند، همانطور که سینه‌های مردان هم این حالت را میگیرند. البته ورزش کردن و استفاده از کرست‌های مخصوص تا حدودی ممکن است امر شل شدن را به تعویق اندازند.

سؤال ۳- شما گفتید که ویروس عامل ایدز در خون است، پس چرا از راه نزدیکی جنسی منتقل میشود؟ یعنی این ویروس توی کیر چه میکند؟

جواب: ویروس عامل ایدز در خون و تمام مایعات بدن فرد آلوده، یافت میشود از جمله در اسپرم طرف.

سؤال ۴- شوهرم میخواهد که جلو چشمان خودش، من با یک مرد دیگر سکس داشته باشم، چون میگوید که از دیدن این صحنه که مردی مرا می‌گاید، لذت زیادی میبرد. آیا اینکار درست است؟ یا اینکه شوهرم گی می‌باشد؟

جواب: ما قبلا درباره سکس ضربدری نوشته بودیم، اما این نوع دیگری از گرایش جنسی است. در همین رابطه، یکی دو داستان هم توی شماره‌های قبلی سه‌کاف منتشر شده است. افرادی مثل شوهر شما، معمولا گی نیستند اما این افراد از اینکه ببینند زنشان لذت میبرد، خود به لذت میرسند، یعنی به شکل غیر مستقیم. در مقابل مردانی هم هستند که دوست دارند وقتی با زنی سکس دارند، یک یا چند نفر نظاره‌گر باشند. پس مهم، پیدا کردن هم می‌باشد. درست یا غلط بودن این کار به خود شما مربوط میشود. مهم اینکه دو نفر بر اساس انتخاب آگاهانه و بر اساس نیاز خود به رفع نیاز جنسی خود همت کنند و زور، اجبار یا تسلیم به خاطر طرف در کار نباشد. تا آنجا که میدانیم، در کشورهای آزاد، اینگونه افراد، مثل گروههای دیگر جنسی، گروهها و محله‌ها و مجلات خاص خود را دارند. اما در ایران فعلا خبری نیست. اتفاقا اینگونه افراد تا حدود زیادی از مسائل دست و پا گیر و غلت ناموس بازی راحت شده‌اند.

سؤال ۵- من میخواهم ازدواج کنم. چطور میتوانم بفهمم که نامزدم پرده دارد یا نه؟

جواب: خوب، گیریم که نامزد شما پرده نداشته باشد، این چه ربطی به زندگی مشترک شما دو نفر در آینده دارد؟ چرا پسرانی مثل شما، میخواهید که دختران تا روز ازدواج باید نیاز جنسی خودشان را سرکوب کنند؟ سعی کنید اینگونه افکار کهنه را کنار بگذارید.

سؤال ۶- نامزد من پستوناش شل هستند، چطور میتوانم بفهمم که قبلا کسی آنها را نمالیده؟
جواب: جواب سؤال بالا را بخوانید.

سؤال ۷- من به جنس موافق خودم گرایش دارم و خیلی دوست دارم فاعل باشم، اما نمی‌توانم کسی را پیدا کنم.

جواب: فاعل یا مفعول بودن، نه غلط است و نه کار اشتباهی، هر کسی یک احساس و سلیقه دارد در باره مسائل جنسی هم ذائقه‌ها فرق میکنند. شما میتوانید به پایگاههای همجنسگرایان ایران سر بزنید، گویا در این سایتها آگهی‌های آشنایی هم چاپ میکنند.

سؤال ۸- بعضی از زنان از اینکه آب منی به داخل کون یا دهانشان بریزد، جلوگیری میکنند،

آیا اینکار دلیل یا ضرر خاصی دارد؟

جواب: اگر این زنان، به خاطر جلوگیری از مبتلا شدن به بیماریهای مقاربتی، اینکار را میکنند، کار درستی انجام میدهند. یک عده هم کلا از اینکه آب منی توی دهان یا کونشان بریزد، خوششان نمی‌آید، خوب این هم یک مسئله شخصی است و باید احترام گذاشت، اما یک مسئله هم میماند و آن این است که گاهی این یک مسئله ذهنی میشود. یعنی زنانی هستند که بنا به تعلیمات اجتماعی یا خانوادگی، اینکار را میکنند. خوردن آب منی یا ریختن آن در کون، بشرط اطمینان صد در صد از سلامتی کامل هر دو طرف، ضرری ندارد.

سؤال ۹- در مورد خوردن آب منی، یا فایده آن برای جوش صورت (اگر روی جوشها بریزد)، خیلی شنیده‌ام. آیا درست است.

جواب: ما این را نمیدانیم. اگر کسی از خوانندگان در اینباره اطلاعی دارد، خوشحال میشویم که به ما هم بگوید.

سؤال ۱۰- من شنیده‌ام که پسرها از کس با مو خوششان می‌آید، آیا این درست است.

جواب: هر پسری یک سلیقه برای خودش دارد. بعضی‌ها کس بی‌مو و بعضی‌ها کس مودار را میپسندند.

سؤال ۱۱- من برای اینکه از فشار جنسی خلاص شوم، کسم را با چیزی می‌مالم. آیا با اینکار کسم فرسوده میشود؟

جواب: نه کاملاً. کس و کیر هیچوقت فرسوده نمی‌شوند. البته با گذشت زمان تمام اعضا بدن از جمله کس حالت اولیه خود را از دست میدهد.

سؤال ۱۲- من پسری هستم که هم به سکس با دختران علاقه دارم و هم به سکس با پسران. می‌خواستم بدانم به من چی میگن؟

جواب: افرادی که به هر دو جنس تمایل داشته باشند، را در زبان خارجی بای سکشوال میگویند. در فارسی متأسفانه معادلی برای آن نساخته‌اند. کلمه دوجنسی یا دوجنسگرا شاید مناسب باشد.

سؤال ۱۳- من تازه حامله شده‌ام. آیا در دوره بارداری میتوان سکس داشت.

جواب: بله، تا دوره آخر بارداری هم میتوان سکس داشت و لذت برد، اما باید از روشهای خاص نزدیکی استفاده کرد تا به نوزاد شما آسیبی نرسد. در زیر همین صفحه چند عکس در اینمورد چاپ شده است.

سؤال ۱۴- تفاوت کاندوم با کاپوت چیست؟

جواب: هیچی. ما در ایران بیشتر کلمه کاپوت را مصرف می‌کنیم اما با آمدن اینترنت، کلمه کاندوم هم رسم شده.

سؤال ۱۵- چه جوری میشه که دختری را حشری کرد؟

جواب: اگر شما مطالب سه کاف از جمله سؤال و جوابها، مطالب مربوط به زنان و همینطور داستانهای سکسی را بخوانید، کلی تجربه کسب خواهید کرد. داستانهای چاپ شده تنها برای حشری کردن نیست، برای آموزش رفتار جنسی هم هستند

سؤال ۱۶ - سه سال پیش زنی کیرم را مکید. هیچ علائمی از ایدز هم ندارم، آیا با این وجود، باید نگران ایدز باشم؟
جواب: دلیلی برای نگرانی شما وجود ندارد. با اینهمه اگر میخواهید صد در صد مطمئن شوید باید آزمایش خون بدهید.

سؤال ۱۷ - چگونه دختری میتواند سینه‌های خود را بزرگ کند؟
جواب: بوسیله جراحی پلاستیک.

سؤال ۱۸ - من خیلی میترسم که پدر و مادرم متوجه شوند که من جلق میزنم؛ چکار کنم؟
جواب: اگر شما توی خلوت خودتان، یا شبها توی رختخواب خود جلق میزنید، امکان اینکه آنها بفهمند، ناچیز است. اما اگر هم یک وقت فهمیدند و به تو چیزی گفتند اینکار کن: مستقیم توی چشم آنان نگاه کن و بگو: خواهش میکنم راستش را بمن بگوئید، آیا خود شما تا قبل از ازدواج هیچوقت جلق نزدید؟ اگر هم گفتند نه، بگو: متأسفم که شما اینهمه دیر به بلوغ رسیدید، من اما میخواهم از همین حالا با بدن و احساس خودم آشنا شوم و حس و لمس‌شان کنم.

سؤال ۱۹ - ما میخواهیم انجمن همجنس‌گرایان ایران را راه بیندازیم، چکار کنیم؟
جواب: لطفاً مطلب "خودیایی و همیاری" در همین شماره سه‌کاف را بخوانید. در ضمن، تا آنجا که ما اطلاع داریم، همجنسگرایان توی تهران و شهرستانها، دسته‌های کوچک ۱۵-۵ نفره حمایتی که با هم هستند و دور هم جمع میشوند، وجود دارد، اما ما آدرس هیچکدام را نداریم.

سؤال ۲۰ - چگونه ممکن است که زن و مرد سالمی که با هم رابطه دارند، از هم ایدز بگیرند.
جواب: ما به این سؤال در شماره ۲۲ هم جواب داده‌ایم. اگر دو نفر صد درصد از سلامتی همدیگر خبر دارند و با هیچکس دیگر سکس ندارند، بدون کاپوت و با خیال راحت میتوانند سکس داشته باشند. (البته مسئله هپاتیت فعلاً بماند که در آینده به آن خواهیم پرداخت).

سؤال ۲۱ - آلت تناسلی زن، محل تجمع میکرب است. آیا لیسیدن آن مشکلی برای مرد ندارد؟
جواب: اگر زن، آلت خود را مرتب تمیز نگه‌دارد، میکربی هم نخواهد داشت و لیسیدن آن هیچ اشکالی ندارد. تازه محیط واژن خیلی هم ضد میکرب است. البته اگر یک وقتی زنی مثلاً دارای بیماری قارچی باشد، خوب معمولاً متوجه میشود و (امیدواریم) به دکتر مراجعه خواهد کرد.

سؤال ۲۲ - با دختری پیش کنکوری آشنا شده‌ام که طبق گفته خودش از دو سال پیش به دنبال من بوده. دختر خوبی است و زیبا و برتری بزرگش همان عشق است، اما از نظر خانوادگی اصلاً دختر مورد نظر من نیست. چه کنم؟ آیا ترک او، در این شرایط به مسئله کنکور او ضربه نمی‌زند (از نظر روحی)، چون من واقعاً میخواهم که در کنکور موفق باشد. به من بگوئید که چه کنم. همین حالا بهش بگم یا بعد از کنکور.
جواب: از نوشته شما اینطور استنباط میشود که شما این دختر زیبا رو و اهل عشق و احساس را می‌پسندید، اما دلیل بی‌میلی شما به گسترش ارتباط، همان خانواده این دختر می‌باشد. خوب، گیریم که مثلاً شما از یک خانواده پولدار باشید و این دختر زیبا از یک خانواده بسیار فقیر و پائین شهری، یا مثلاً پدرش معتاد باشد یا مادرش خودفروشی میکند و هزار

احتمال دیگر. یا حتی ممکن است شما از خانواده فقیری باشید و او خانواده پولداری داشته باشد، یا اینکه خانواده شما دو نفر دین و اعتقادات متفاوتی داشته باشن و..... اما همه اینها چه ربطی به تمایل و گرایش شما دو نفر به همدیگر دارد؟ اگر شما همدیگر را دوست دارید، خصوصیات همدیگر را می‌پسندید و فکر میکنید که میتوانید با هم خوشبخت باشید، نگذارید شرایط یا موقعیت خانواده، در شکل‌گیری زندگی خودتان تاثیر داشته باشد. شما یک بار زندگی میکنید نه بیشتر. شکل‌دهی این زندگی باید براساس احساس و نیاز خود شما، صورت بگیرد نه دیگران. این حق فردی شماست. بهر حال صداقت در روابط بسیار مهم میباشد.

سؤال ۲۳- من همیشه تو ذهنم، از اینکه یکنفر منو لیس بزنه، لذت میبردم، مخصوصا لیسیدن کسم را. مدتی است (یکسال) که با پسری که خیلی هم دوستش دارم، عقد کرده‌ایم، ولی این آقا از اینکار بدش می‌آید. راستشو بخواین، برا همین، من از نگاه کردن هم محروم‌ش کردم، یعنی حق نداره تو نور منو ببینه. به من بگوئید چطوری اونو راضی کنم؟ یک چیز دیگه هم او پنج دقیقه بیشتر دوام نمی‌آره و خیلی زود آبش می‌آید و من تو خماری میمانم. دارم کلافه میشم. **جواب:** در رابطه با مشکل انزال سریع که خیلی از مردان با آن مواجه هستند، توی شماره قبل سه‌کاف نوشتیم، حتما بخوانید. تا آنجا که ما اطلاع داریم، کل مطالب چاپ شده در سه‌کاف به بهبود سکس بسیاری از خانواده‌ها و عروس و دامادها (ی آینده هم) کمک کرده. اگر بتوانید مطالعه سه‌کاف را به این دوست خود، پیشنهاد دهید. (تبلیغ برای سه‌کاف؟). اما مسئله مهم این است که شما به ضدیت با هم نپردازید. آیا خود تو سعی کرده‌ای با دهان و زبان خودت، یک حال درست حسابی به کیر و تخم‌های او بدهی؟ اگر اینکار را نکرده‌ای، حتما اینکار را بکن و بعدا ازش بخواه که حالا نوبت اونه که به تو حال بده. مسئله دیگر، ممکن است که دوست شما، کماکان متاثر از تعلیمات اجتماعی و خانوادگی باشد، سعی کنید بیشتر در این رابطه با هم حرف بزنید. مطالعه دو مطلب (هنر کس لیسیدن و هنر کیر مکیدن) در شماره‌های اولیه سه‌کاف و مقاله ارتباط سازنده در همین شماره هم یادتان نرود.

سؤال ۲۴- من و دوست پسر من، یک بار اتفاقی سکس داشتیم و از کاپوت استفاده نکردیم. بعدش هم مرتب با هم سکس کردیم تا مطلب ایدز که خواندم، خیلی ترسیدم و مجبورش کردم که بره و آزمایش بده. اما من میترسم برم آزمایش بدم. میخواستم بدونم، با وجود اینکه جواب آزمایش دوست پسر من، منفی بوده یعنی ایدز ندارد، آیا ممکنه که من ایدز داشته باشم؟ **جواب:** موقعی که دوست پسر شما آزمایش داده و جوابی مبنی بر سلامتی خودش گرفته، به این معناست که ایشان تا سه ماه قبل از روز آزمایش سالم بوده‌اند. اگر دوست شما از سه ماه قبل از آزمایش تا امروز با یک فرد آلوده به ویروس اچ. آی. وی سکس بدون کاندوم داشته، ممکن است ایشان هم حامل ویروس باشند. اما اگر توی این مدت با کسی سکس نداشته و شما هم با فرد دیگری (که ممکن است حامل ویروس باشد) سکس نداشته‌اید، جای نگرانی نیست. با اینهمه، آزمایش دادن مطمئن‌ترین شیوه آگاه شدن از سلامتی است.

سؤال ۲۵- آیا نخواندن صیغه محرمیت باعث انتقال امراض مقاربتی می‌شود؟

آیا این به سن مرد بستگی دارد؟

جواب: انتقال امراض و بیماریهای مقاربتی، ربطی به اجرا یا عدم اجرا مراسم مذهبی ندارد و همچنین به سن فرد هم کاری ندارد. هر کسی در هر سنی، با هر مذهب و عقیده‌ای،

اگر با یک فرد دارای بیماری یا بیماریهای مقاربتی بدون رعایت مسائل بهداشتی و از جمله کاپوت، سکس داشته باشد، ریسک خطرناکی کرده و امکان آلوده شدنش وجود دارد.

=====

متاسفیم که نتوانستیم به دیگر سئوالات دوستان جواب دهیم، در شماره آینده هم سعی خواهیم کرد به یکسری سئوالات جواب دهیم.
اگر دوستانی پیدا شوند که بتوانند در یافتن جواب سئوالات خوانندگان، زیر بال سه کاف را بگیرند، خوشحال میشویم که تمایل به همکاری خود را اعلام کنند.

حالات مناسب سکس در دوره بارداری (سئوال شماره ۱۱)



سلام دوستان،

با توجه به اینکه تعدادی از سرورها در کشور سه کاف را فیلتر می‌کنند، و یا اینکه کسانی بنا به دلایل شغلی، امنیتی و..... به پایگاه سه کاف بر روی اینترنت دسترسی ندارند، تصمیم گرفته‌ایم، لیست جداگانه‌ای از ای میلیهای این دسته از علاقمندان تهیه و از این به بعد، گزیده‌ای از هر شماره جدید را به صورت پی دی اف به آنها ارسال کنیم. خواهش میکنیم، توجه داشته باشید که این خدمات فقط و فقط برای کسانی است که به پایگاه سه کاف روی شبکه دسترسی ندارند.

این دسته از دوستان میتوانند درخواست خود را ارسال کنند تا در لیست جدید (دریافت کننده سه کاف با پی دی اف)، قرار دهیم. البته مطالب ارسالی بدون عکس خواهند بود. لیست ای میل دریافت کنندگان خبر انتشار سه کاف همچنان محفوظ خواهد بود و کماکان خبر انتشار هر شماره جدید را به دیگر دوستان، اعلام خواهیم کرد. مطالب زیر گزیده‌هایی از سه کاف شماره ۲۴ می‌باشد.

۱- تجاوزات در خانواده‌های ما

روابط جنسی سالم، به آن دسته از روابطی گفته می‌شود که دو نفری که با هم سکس دارند، همدیگر را بر اساس عقل، نیاز، خواهش، تمنای درون، آگاهانه و بر اساس حق انتخاب یافته، و با هم سکس داشته باشند. در چنین رابطه‌ی آگاهانه‌ای، جایی برای کلک زدن، "مخ زدن"، فریب، نیرنگ، دروغ و امثال اینها، وجود ندارد. حق چنین انسانهایی است که بر اساس میل و رغبت و ذائقه جنسی - سکسی خود، آنطور که میخواهند، عمل کنند. این دو نفر میتوانند یک زن و مرد، یک جفت زن، یک جفت مرد، و حتی مجموعه‌ای از اینها با هم باشد (سکس گروهی).

هیچکسی حق ندارد، به چنین انسانهایی به صرف ناهمخوانی عمل آنها با هنجارهای حاکم در اجتماع، ایراد بگیرد. اگر چیزی باید عوض شود همانا هنجارهای حاکم است نه اینکه از انسانها بخواهیم مثل همیشه به سرکوب درونی‌ترین نیاز خود، همچنان ادامه دهند. به این میگویند آزادی جنسی.

اما این با زورگویی، تجاوز و بخصوص تجاوز به کودکان، فرق دارد.

ما در اینباره بطور دقیق تحقیق نکرده‌ایم، اما از تماسهای فراوانی که با خوانندگان داریم، میتوان ادعا کرد که آمار تجاوز به کودکان در خانواده‌های ما، بسیار بسیار بالاتر از آن است که خیلی‌ها ممکن است حتی فکرش را نکنند.

چنین به نظر می‌رسد که تجاوز پدر، عمو، برادر و دیگر بستگان نزدیک به کودکان خردسال، بخصوص به دختر بچه‌ها، در خانواده‌های ایرانی، بسیار رواج دارد.

البته این به این معنا نیست که در جوامع دیگر چنین چیزی اتفاق نمی‌افتد، بلکه در جوامع آزاد، مرزها تا حدود زیادی مشخص می‌باشند. و در کنار آزادیهای جنسی، سازمانهایی نیز برای حمایت از قربانیان تجاوزات جنسی، آموزش اینگونه مسائل در تمام سطوح جامعه، محاکمه متجاوزان و..... وجود دارد.

یکی دیگر از نمونه‌های تجاوزات در خانواده‌های ما، تجاوز مردها به زنان خودشان میباشد، یعنی هنگامی که زن به هر عللی تمایلی به سکس ندارد و مرد به زور، او را وادار به سکس می‌کند، چنین عملی خود یک تجاوز آشکار است. نمونه دیگر که به احتمال بسیار قوی از رویه سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی در عرصه سیاست جنسی ناشی می‌شود، همانا روابط جنسی خواهر و برادرها و حتی والدین با پسران و دختران بالغ خود، در خانواده‌هاست. از طرف دیگر، اطلاعات عمومی مردم ما درباره مسائل جنسی (استثناها بکنار)، فوق‌العاده و بشکلی باور نکردنی، کم و ناچیز است.

مسئله جنسیت در ایران به حادثترین، بغرنج‌ترین، پیچیده‌ترین و سردرگم‌ترین مسئله در جامعه ما تبدیل شده است. به همین دلیل ورود تمام کارشناسان مسائل اجتماعی، سیاست‌کاران، برنامه‌ریزان و همه آنانی که به فکر اصلاح جامعه هستند، به این مسئله، دامن زدن به بحثها و مشخص کردن سره از ناسره، از هر زمانی عاجل‌تر است. وقت آن رسیده که مبحث جنسیت را از توی پستوها بدر آوریم و روی میز مسئولان قرار دهیم.

۲-خاطره‌ای در کافی نت تجریش

تقریباً یک سال پیش بود، اما انگار همین دیروز بود. نمی‌دونم باید از اون پسر متنفر باشم یا راضی، باید او را بخاطر معرفی چنین لذتی دوست داشته باشم و یا بخاطر تنها گذاشتنم، فحشش بدهم؟ البته او خیلی هم مقصر نبود، چون باید می‌رفت سربازی و نمی‌توانم توقع زیادی ازش داشته باشم. حالا که همه چیز تموم شده و او هم دیگر آنجا نیست، لازم می‌بینم که دروغ ندَم و پرده‌پوشی هم نکنم.

یک روز عید بود و من باید به مادرم در آلمان تماس می‌گرفتم، ولی کارت تلفن من تمام شده بود. مجبور بودم به یک کافی نت بروم و از آنجا تماس بگیرم..... من میدونستم کمتر کافی نتی در روزهای عید و تعطیل باز هستن، اما بعد از گرفتن تلفن دوتا کافی نت از دوستم، خیالم راحت شد. جفتشون باز بودن اما تجریش به من نزدیکتر بود.

پس رفتم تجریش؛ خیلی خلوت و ساعت نزدیک شش بود. پسر جوانی در کافی نت بود که خیلی خوش برخورد بود. اسمش را نامی می‌گذارم. نمی‌خواهم از خودم تعریف کنم اما بیشتر پسرها مجذوب لبهای من می‌شوند. خلاصه رفتم پشت یکی از پارتیشن‌ها و او آمد و شماره منو ازم گرفت. کنارم نشست و مشقول شماره گرفتن شد. بوی ادکلنش را حس می‌کردم؛ بوی تیزی داشت که توی مغزم ایجاد اختلال می‌کرد و خیلی تأثیر می‌گذاشت. ازش پرسیدم که اسم ادکلنش چیه؟ و گفت **Image** که من تا حالا نشنیده بودم. بعدش یک آدامس تعارفم کرد. من که نمی‌خواستم از کنارم بره، در باره کار با اینترنت به سؤال گرفتمش. همانطور که حرف می‌زد، به لبهایم نگاه می‌کرد. بعد شماره مادرم را گرفت و من مشغول صحبت شدم. او هم برگشت سر کامپیوتر خودش. همانطوری که مشغول صحبت بودم، توی کامپیوتر را

میگشتم تا کمی عکس ببینم. بالاخره عکسهایی پیدا کردم اما اونها همه سوپر بودند، بدم نیومد نگاهشون کنم. بعد از پنج دقیقه احساس کردم که دیگه حواسم به مامان نیست، غرق اون عکسها شده بودم و بی اختیار شروع به لمس کردن خودم کردم. مواظب بودم که پسره از لای پارتیشن منو نبینه. هر کدوم از اون عکسها یک جوریم میکردند، تا اینکه دستمالی پستونام از رو لباسها بهم مزه نمی داد؛ یکی از دکمه هایم را باز کردم و دستم را بردم توی کمرستم و شروع به فشار دادن سینه هام کردم. بخاطر دوری راه، مادرم تغییر صدایم را تشخیص نمی داد، اما تقریباً مطمئن بودم که نامی اینو تشخیص داد بود. دستم را از کمرستم بیرون کشیدم و ایسادم. از نامی خواستم که اگه ممکنه یک دستمال کلینکس بهم بده - یعنی از ناراحتی و غصه صدام عوض شده- بعد نشستیم و پاهایم را روی هم انداختم و آهسته دستم را در دامنم کردم. دیگه داشتم نفس نفس می زدم و شرم کاملاً خیس شده بود. تحمل نداشتم؛ از مادرم خداحافظی کردم. گوشی را گذاشتم و تکیه دادم و شروع کردم با انگشتم، لبهای دور کس ام را مالش دادن. چشمهایم را محکم بستم و به کارم ادامه دادم، اما بفاصله خیلی کمی ارگاسم شدم؛ لبهایم رو محکم با دندونم فشار میدادم که آه نکشم و بعد چشمم رو باز کردم. داشتم می ترکیدم، نامی با دستمال بالای سرم ایستاده بود. خشکم زد. هول کردم و دستم را از دامنم بیرون کشیدم، ولی دستم کاملاً خیس شده بود. سرمو انداختم پائین و خواستم بلند شوم. ولی نامی جلو من ایستاده بود. دستمال تعارفم کرد و گفت: این هم دستمال که خواسته بودی، اگه می دونستم برای اینکار می خواستی، زودتر می آوردم. داشت می خندید و من برآمدگی روی شلوارشو دیدم. حسابی راست کرده بود. تا دید که من به برآمدگی شلوارش خیره شده ام، دولا شد و دستمال را روی دست خیس من گذاشت و با دست دیگه بالای رونم رو مالید. قلبم به تاپ تاپ افتاد. بعد دو دستشو روی گردنم گذاشت و لباسو رو لبام قفل کرد. کاری نمی توانستم نکنم، جز اینکه به زبونش اجازه ورود بدم. با دست تمیزم، او را بطرف خودم کشیدم. او بالاخره بوسه طولانی رو قطع کرد هر چند که من میخواستم که این بوسه هوس انگیز و پر شرر همچنان ادامه داشته باشد، بخصوص که لبام تا آروز با چنین لبهای مردونه ای در تماس نبوده اند، حسابی داغ شده بودند. کس ام هم مرطوب بود و بدنم می لرزید. تحمل نداشتم و دوباره دستم را در دامنم کردم و کسم را به مالش گرفتم. او رفت طرف در و بیرون را نگاه کرد. برگشت بطرفم و به انگلیسی جمله زیبایی به من گفت که هنوز تو ذهنم مانده؛ با احساس عمیقی گفت:

" I am going to show you why I am the Game "

و تلفن رو برداشت و شماره گیری کرد. ازم پرسید که چقدر وقت دارم. من هم فقط شونه خالی کردم. همانطوری که تلفنی حرف میزد، کامپیوترها را خاموش کرد. نامی بعد با شریکش حرف زد و گفت که تجریش خیلی خلوت است و مشتری در کار نیست و مغازه رو در پنج دقیقه خواهد بست. ساعت پنج دقیقه به هفت بود. ازم خواست که تا هفت صبر کنیم. من هنوز اون عقب نشسته بودم و او چراغها رو خاموش کرد و آمد پیشم و دوباره

بوسه‌ها را از سر گرفتیم.

از رفتارش معلوم بود که فیلم سوپر زیاد دیده، چون دستاش هم بیکار نبودند. من نمی‌خواستم گائیده بشم، چون هنوز دختر بودم اما از طرف دیگه نمی‌تونستم بی‌خیال این حال حشری‌ام باشم. کمر بندشو گرفتم. ولی او دستمو گرفت و گفت بریم! نمی‌دانستم که می‌خواهد کجا برویم، اما اصلاً برایم مهم نبود. کافی نت را مرتب کرد، خودمان را هم کمی مرتب کردیم و زدیم بیرون. یک تاکسی گرفتیم و به راه افتادیم. توی تاکسی، تو گوشش گفتم که من دخترم، ولی خودش زد به اون راه و گفت: من که نگفتم تو پسری!

دستشو گذاشت رو پام و مالید. من عشق می‌کردم که از لذت دادن به من لذت می‌بره. نمی‌دونم شاید داشت خرم می‌کردم!

وقتی به مقصد رسیدیم، پرسیدم اینجا کجاست، گفت خونه داداشش. خیلی ترسیدم و خواستم برگردم، ولی او دلداریم داد. رفتیم تو. رفت و یک مشروب آورد، اما رد کردم، بعد منو به داخل اتاق خواب برد و مانتمو درآورد، بعد گوشه‌های تی شرتمو گرفت و از سرم بیرون کشید. اول خجالت کشیدم که با دامن و کرست جلوی یک غریبه‌ام، اما او نشست پائین، کنار تخت و شرتم رو هم درآورد. خنده‌ای کرد و گفت که لبهام جگرشو سوزونده. من هم گفتم: حالا کجاشو دیدی! می‌خواستم هرچه بیشتر حشری‌اش کنم. تحمل نکرد و خوابید روم. من کرستمو در آوردم و او دامنم رو بالا زد. یارهنش رو در آوردم و بغلش کردم. دفعه اولم بود که بدن و سینه‌هام به تن یه مرد می‌خورد، بی‌اختیار آهی از هوس کشیدم. او هم پستونام رو فشار داد و محکم و مصمم شروع کرد به مکیدن نک پستونام. سرم را عقب پرت کردم و خودم را مالیدم. او ول کن نبود. تا اینکه نوک داغ و قرمز شده سینه‌هام رو ول کرد و به جون اون یکی افتاد. رانهایم را میمالید، دستش رو گذاشت رو کس داغ و برشته‌ام. بی‌اختیار جیغ آهسته‌ای کشیدم. هوس و خوشی از تمام تنم بیرون میزد و عصب‌های حسی‌ام حسابی شاخک‌هایشان تیز شده بود. انگشتشو آروم کرد تو کسم. خیلی با تجربه بود. با دو انگشت لبهای بهشتی‌ام را از هم باز کرد و انگشت سومی را فرستاد اون تو. نزدیک بود از شدت حشری بودن، گریه کنم. بخصوص که با اون یکی دستش پستونامو می‌چلونند.

شستم خبردار بود که از این خونه باکره بیرون نمی‌رم. پس تصمیم گرفتم که تا نهایت ممکن لذت ببرم. داشتم از شدت هوس به ارگاسم نزدیک میشدم، ولی این دفعه با دفعات پیش خیلی فرق داشت، چون این دفعه خودم کاری نمی‌کردم. کمی سرعت مالیدنش رو کم کرد، اما ازش خواستم که تندتر انگشتم کنه، اما او بی‌خیال بود. شلوارشو کشید پائین، شرت هم پاش نبود. یک کاپوت از تو کمد درآورد. قلبم داشت بدجوری می‌زد. کیر نسبتاً بلند و کلفتی داشت که فکر کردم شاید نتونم تحملش کنم. اشاره کرد که برگردم. روی دست و پا گرار گرفتم، چند ثانیه صبر کردم کی یکمرتبه کیرشو رو دروازه‌ام حس کردم. نفس عمیقی کشیدم و چشمانم رو بستم که خودم

را آماده کرده باشم. سر کیرش رو کرد تو کسم و بعد دستاشو رو رونها و دور کمرم گذاشت و آهست و با مهارت، منو به عقب، بطرف خودش کشید طوری که کیرش به راحتی، سر خورد تو. احساس میکردم که کلفتی کیرش داره کناره‌های کسم را کش میده. لبم را گاز گرفتم. اون لذتی که فکر میکردم باید به من دست بده، نداشتم. تا اینکه یواش و آروم آروم شروع کرد به عقب جلو رفتن. اوائلش بد نبود ولی بعدش احساس کمی درد داشتم. سرعتش را زیادتر کرد و من بدون اختیار شروع به ناله کردم. سرش را آورد جلو و در گوشم گفت که داره باهام حال میکنه و باز اون جمله انگلیسی رو تکرار کرد و بلافاصله محکم و با فشار زیادی کیرش را تا ته توی کسم زد. جیغ زدم و بالش را بغل کردم. مطمئن شدم که پرده‌ام پاره شده. نامی داشت با تیتیم بالایی منو می‌گائید. به اوج رسیده بودم و لذتی که کیرش به من داده بود را نعمت خدائی میدانستم. احساسم در باره کیرش عالی بود؛ ته کس‌ام بشدت داغ شده بود و می‌سوخت ولی اهمیت نمی‌دادم از بس که از کیر خوردن داشتم حساسی لذت می‌بردم. دیگه بصدا درآمده بودم و ازش میخواستم که باز هم محکمتر بکنه. از پشت سینه‌هامو توی دستاش گرفت و همین برام کافی بود که دیگه جیغ بکشم. و فهمیدم که تمام تنم به رعشه افتاد و به ارگاسم رسیدم. سرم را در بالش فرو کردم و هوار کشیدم. نامی هم بعد از چند ثانیه کیرشو در آورد. کاپوت رو کشید بیرون و آبش رو رو کمرم خالی کرد. خیلی داغ بود. از لای پاهام نگاه کردم، دیدم آب کسم همراه با کمی خون از گوشه رانهایم جاری بود. خودمو ول کردم رو تخت و چشمامو بستم. خیلی خسته بودم، می‌خواستم بخوابم. توی اون خستگی، نامی با یک دستمال لای پاها و دروازه‌ام را پاک کرد و بعد آروم ساعت رر بهم گفت. من باید می‌رفتم خونه. به زور بلند شدم. او هم کمکم کرد که لباسم را بپوشم. آژانس گرفت و با هم تا تجریش رفتیم، جایی که از هم برای بعد جدا شدیم.

۳- با فتیشیسم (بت‌واره پرستی) آشنا شویم

جنسیت با درونی‌ترین بخش ضمیر انسان عجین می‌باشد، بندرت میتوان فردی را پیدا کرد که از تمام جهات، حالات، روحیات، اخلاق، خصوصیات روحی- روانی، لذت بری، تاثیرپذیری از محیط اطراف و.... با فرد دیگری بطور صد در صد یکسان باشد. به همین دلیل، هر تلاشی برای کلیشه‌ای کردن گرایش جنسی انسانها و محدود کردن مردم در یک چارچوب مشخص هم، خواه ناخواه، محکوم به شکست است، هر چند که فشار و محدودیتها، تاثیرات روحی- روانی بسیار بدی، از خود بجای میگذارد. صدها سال است که متخصصان و کارشناسان امور جنسی، در پی ترسیم این بخش بسیار پیچیده ضمیر انسانها، یعنی سکس، گرایش جنسی و سوژه‌های لذت دهی افراد اجتماع

بوده‌اند، اما با همه دستاوردهای مهمی که داشته‌اند، کماکان اندر خم یک کوچه‌اند. در نتیجه، ممکن است نوع خاصی از گرایش جنسی را نسبتاً یک امر غیر متعارف و ناهمگون با هنجارهای شناخته شده بدانند و حتی آن را یک امر روانی تلقی کنند، اما نه تنها گرایش این انسانها را با معیارهای اخلاقی و غیر اخلاقی نمی‌سنجند بلکه از حقوق اینگونه انسانها در "ناهمگون بودن"، "نامتعارف بودن" و "دگر بودن" هم دفاع میکنند، البته به شرطی که به چارچوب عمومی روابط جنسی، از جمله، عدم تجاوز، احترام به حد و مرز دیگری و انتخاب آگاهانه، پایبند باشند.

یکی از این موارد فetišیسم یا همان بت‌واره پرستی می‌باشد. فetiš یا بت‌واره پرست (صنم خواه؟) به کسی گفته می‌شود که از چیزی بیش از حد معمول لذت می‌برد، لذتی که خواستگاه جنسی و سکسی داشته باشد. یک بت‌واره پرست، معمولاً به یک شیئی یا قسمتی از بدن طرف جنسی خود بیش از هر چیزی تمایل شدید دارد. این مسئله هیچ ربطی به بخش دیگر گرایش جنسی فرد ندارد، یعنی یک فetiš می‌تواند همجنسگرا، غیر همجنسگرا و یا دوجنسگرا باشد، همچنین طرف می‌تواند یک مرد باشد یا یک زن.

فetiš‌ها به چند دسته تقسیم میشوند؛ مثلاً کسانی که شدیداً به پا علاقمند هستند. این افراد کسانی هستند که در یک رابطه جنسی، بجای پرداختن به هماغوشی و نوازش کل قسمتهای بدن طرف خود، قبل و بیش از هر چیز، به پاها و انگشتان پاهای طرف بها میدهند و تمام هم و غم خود را معطوف به آن می‌کنند. البته، لیسیدن پاهای طرف، بخشی از امر نوازش و مغازله و تحریک جنسی در اکثر روابط جنسی است اما برای یک بت‌واره پرست موضوع بسیار فراتر از اینهاست؛ لیسیدن پای طرف جنسی، یا زیر پای طرف خوابیدن آنچنان شهوت سکسی‌ای در اینگونه افراد ایجاد میکند، که از خود عمل دخول قسمت آلت‌های تناسلی هم برایشان بیشتراست و با همین کار به ارضا هم می‌رسند. انسانهای دارای چنین گرایشی، در واقع بجای لذت از طرف جنسی خود، با ساختن "بت قابل پرستش" از یکی از اعضای او و یا یک شیئی متعلق به او لذت می‌برند. بسیاری از شعرای قدیم ما، در اشعار خود، آنچنان توصیفات از معشوق/معشوقه خود و یا بتی لاهوتی از قسمتی از اندام او ساخته‌اند که در واقع همان "لیبیدوی" لذت طلب آنهاست.

تعدادی از فetiš‌های مرد که به جنس مخالف (زن) گرایش جنسی دارند، فetišیسم را بیشتر از این میدانند و بر این اعتقادند که اصلاً مسئله چیز دیگری است. یعنی در واقع آن را نیاز مرد به تحت تسلط و سیطره کامل زن در آمدن می‌دانند (زن سالاری؟) اما خیلی‌ها این را رد می‌کنند چرا که این مسائل به موضوع و عرصه گرایش دیگری وارد میشود که در زبان خارجی آن را رابطه **Master / Slave** می‌نامند و ما امیدواریم در آینده به این مسئله هم بپردازیم. ممکن است کسانی اینگونه افراد را دچار عدم تعادل روانی بدانند، اما یک چیز را نباید فراموش

کرد و آن اینکه، اگر این افراد بالغ هستند و طرف سکسی با علاقه یکسان برای خود پیدا کنند، نه حق کسی را ضایع کرده‌اند و نه به آزادی کسی آسیبی می‌رسانند، پس باید به حق فردی آنها احترام گذاشت که آنطور که خود می‌خواهند، لذت ببرند.

هر کسی می‌تواند به نسبت‌های متفاوت یک فetiš باشد؛ خود شما به سلیقه‌های خود دقت کنید و ببینید کدام بخش از بدن طرف، یا چه چیزی بیش از هر چیز دیگری، هیجان جنسی شما را عمیقاً دامن می‌زند.

نوع دیگر فetiš‌ها آنانی هستند که به شرت (استفاده شده) طرف چنین حساسیتی دارند، یا ممکن است به لباس چرم پوشیدن، یا موتورسیکلت، یا حساسیت جنسی داشته باشند. در این اواخر، در ایران، فetišِ پا پرستی، در بین جوانان، بخصوص در بین پسران، رواج زیادی پیدا کرده است. این دوستان، حتی اخیراً یک پایگاه بر روی شبکه برای خود و دیگر علاقمندان درست کرده‌اند.

متشکل شدن هر گروه و دسته‌ای از انسان‌ها حول نیاز جنسی خاص خود و حمایت از دیگر گروه‌های موازی قدم بسیار مهمی در شکستن سیطره فرهنگ سرکوبگر جنسی حاکم و شکل‌گیری فرهنگ برابری جنسی در کشور ماست.

این هم آدرس پایگاه ایرانیان فetišیست: (که گویا از نوع زن سالاران میباشد)

<http://groups.yahoo.com/group/iranianfemdoms>

۴- کس کردن در استانبول

برای انجام کاری به استانبول رفته بودم. باتوجه به کارم، چند شبی را باید در آن شهر می‌گذراندم. از یکی از دوستان آدرس هتلی را گرفته بودم که همه چیز در آن ردیف بود.

به استانبول که رسیدم، به هتل رفته، اتاقی گرفتم، وسایلم را در آن گذاشتم و برای رتق و فتق امور شخصی، به شهر رفتم. ساعت حدود هفت شب، به هتل برگشتم، در اتاقم دوشی گرفتم، لباس مرتبی پوشیدم و به تریای هتل رفتم. عده‌ای تکی و یا گروهی بصورت پراکنده در آنجا بودند. مشروبی گرفتم و در کنار میزی نشستم. لحظات خوبی داشتم، نه تشویش، نه اضطراب و نه عجله.

مشروبم را مزه مزه می‌کردم، با کنجاوی به اطرافم نظر می‌انداختم و خستگی کار بیرون را از تن بیرون می‌کردم.

دختر زیبایی در ته سالن نظرم را جلب کرد، دیدم دارد به من نگاه میکند، چندان دقت نکردم اما بعد از مدتی متوجه شدم که نه، گویا با علاقه هم نگاه میکند.

نگاه‌هایمان به هم خورد، بعد از چند نگاه کوتاه، بیشتر به هم خیره شدیم و بدن‌بال آن ابتدا لبخندهای کوتاه و مخفیانه و سپس چشمک‌های زیبا با هم رد و بدل کردیم.

صندلی خالی بغل دستی‌ام را بهش اشاره کردم، متوجه شد. لیوان مشروبش را برداشت

و با قدمهای آهسته، بطرفم آمد.

خود را روی صندلی انداخت و چیزی گفت که نفهمیدم، نه ترکی بود و نه فارسی. با انگلیسی دست و پا شکسته خودم، ازش پرسیدم که آیا انگلیسی بلد است؟ جواب داد که بله، ولی خیلی کم. بهتر از هیچی، کمی از اینور و آنور حرف زدیم، از دست و اشاره و حالات سر و صورت هم به برای بیان منظور خود استفاده میکردیم.

دختری بود بسیار زیبا و دلریبا، اسمش لودا بود و اهل یکی از جمهوریهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی. خیلی هم با استیل بود، که نوعش را من قبلاً ندیده بودم. از مجموع نگاه و پیامهایی که با چشم رد و بدل میکردیم و نگاههای آنچنانی که به اندام همدیگر می انداختیم، جرات کردم، ازش بپرسم که آیا اهل سکس هست یا نه؟ گفت بله. دیگه از این بهتر نمی شد. گفتم، من میرم بالا، تو هم پشت سرم بیا. قبول کرد. رفتم به اتاقم و در اتاق را نیمه باز گذاشتم، چند لحظه بعد لودا هم وارد شد و در اتاق را پشت سر خودش بست.

آمد و رو تخت کنارم نشست. باز هم کمی حرف زدیم، خواهش از سر و کول هر دوی ما می بارید، اینه که اصلاً نفهمیدم چطور شد که لب به لب شدیم. هی لب میگرفتیم و حال میکردیم و هی لباسهای خودمان را یکی یکی در می آوردیم. لخت که شدیم، روی تخت دراز کشید، دستم رو بردم رو سینه هاش، عجو سفت بودن، آدم کیف میکنه که دستش به همچی پستونایی برسه. از پستونها شروع به لیسیدن کردم و راهم را به سمت پائین ادامه دادم، باورم نمی شد که بدن به این زیبایی جولانگاه زبانم باشد. هیچ عجله نمی کردم، میخواستم از این زیبایی و خوشی تا آنجا که میتوانستم لذت ببرم و لذت دهم.

به دروازه بهشتی اش رسیدم، چه کس با حالی، کس نگو، بگو بهشت روح و جان. چه شهدی از چشمه اش بیرون می زد، با مزه ای بهتر از عسل. آدم به کیر خودش هم حسودی اش میشود که وارد چنین جای فرحبخشی شود. کس این حوری آنچنان زیبا بود که هر چه بگویم، کم گفته ام. سعی کردم تمام هنر کس لیزی را در نوک زبانم جمع کرده و نثارش کنم. نمی دانم تا چه مدت لیسیدم، تا اینکه یکهو گفت، بسه دیگه !بلند شد، مرا به کمر روی تخت خواباند و خودش آمد بالا. گویا میخواست تلافی کند. از فرق سر و گوشه ایم شروع کرد به لیسیدن و راهش را به پائین ادامه داد، مکث کوتاهی روی کیرم کرد، اما توقف نکرد و راهش را ادامه داد تا نه نوک پاهایم رسید. انگشتانم پایم را لیسید، بعد بلند شد و ایستاد، پای راستم را بلند کرد و روی دروازه اش گذاشت، بعد انگشت شست پایم را با مهارت خاصی توی خودش، توی خال آن کس زیبا فرو کرد، سرش را به پشت داد و با دست خودش را با کمک انگشت شستم، انگشت میکرد.

این را دیگه ندیده و نشنیده بود. تمام هیكل رعنايش با آن حرکتهایش، دیوانه‌ام می‌کرد، گویا خواب میدیدم، باورم نمی‌شد. زمین و زمان را فراموشم شده بود. چه مهارتی داشت، چه هنرمندی بود این فرشته زمینی. دلم میخواست تمام جان و تن و وجودم در همان انگشت پایم خلاصه میشد که در آن بهشت درگاهش فرو میرفت.، میخواستم در چنین بهشت پر شهدی برای همیشه گم شوم.

بعدش آمد و با شکم رو تخت خوابید، بالش را کشید و زیر شکمش جا داد و باسنش را کمی رو به بالا، به عقب هل داد. فهمیدم که چه می‌خواهد؛ کاپوتی به کیرم زد، از پشت بهش نزدیک شدم، با دو دست، دور آن حلقه کمر باریکش را گرفتم و کمی بالاتر کشیدم. کس زیبایش خیس و خندان، بیرون زد. کیرم را یواش روی دروازه‌اش گذاشتم و با احتیاط و فشار یکنواخت فرستادمش آن تو.....

درس‌م را خوب میدانستم، برای اینکه آیم نیاید، با دست راستم، ته کیرم که بیرون مانده بود، را گرفتم، حرکاتم را متوقف کردم و فشار محکمی به کیرم دادم که از آمدن آیم جلوگیری کند و بعد دوباره شروع کردم. چه کس‌ای، چه لذتی. کیرم داشت خفه می‌شد. باز هم مهارتش را بکار انداخت؛ جوری که ماهیچه‌های کسش را به هم فشار میداد که کیرم را هر چه تنگتر در آغوش خودش جای دهد، چیزهایی هم به زبان خودش می‌گفت که نمی‌فهمیدم، اما لحن صدایش حاکی از لذتش بود. دیگه نتوانستم، خودم را کنترل کنم و حس کردم که آیم با فشار دارد بیرون می‌زند؛ کیرم را سریع بیرون کشیدم، کاپوت را به گوشه‌ای پرت کردم که دیدم برگشت و رو کمر خوابید. کیرم را لای پستانهای خودش پوشاند، طوری که آیم روی سر و صورت و سینه‌اش پخش شد. آب منی‌ام را به تمام تن خودش مالید و بعدش با بوسه نازی از لبانم، سراغ حمام را گرفت.

۵- کیر- این تیکه گوشت عزیز

من دختری ۲۷ ساله هستم. توی زندگی سکس داشته‌ام و آنقدرها هم گرسنه نیستم، اما یک تصور و فانتزی دارم که منو دیوونه میکنه و اون هم اینه که من علاقه شدیدی به سکس با دو مرد بطور همزمان دارم. این احساس منه و می‌خوام اینو بصورت یه فانتزی براتون تعریف کنم:

والله، جوووووون، هیچ حسی عزیزتر از لمس سر نرم و لطیف یه کیر داغ و گنده نیست، کیری که حسابی شق کرده و تو دلت می‌خواد اونو به همه جای بدنت بمالونی و اون مایع گرم و لزجش رو روی پوستت حس کنی. وای که چقدر باحاله اگه از این آلت عزیز، دوتاش دم دستم باشن. یکیش رو میبرم تو دهنم، تا جایی که بخوره تو لوزه‌هام و حال عق بهم دس بده و با اون یکی هم هی ور میرم، اصلاً هی تو دستم

باشه و فشارش بدم.
صاحب اون آلت بهتر از جان (که تو دهنمه) آه و ناله‌اش دربیاد و منو دیوونه کنه، حالا تازه اول کاره، کیر دومی رو با دست خودم، میفرستم تو کسم! وای چه حس عزیزیه؛ دوتا کیر داغ و قبراق تو تنم جا گرفتن و اشباع ام میکنن.
صاحب اونیه که تو دهنم هست، هی باید آه و ناله کنه تا بیشتر تحریک بشم، و اونیه که تو کسم است باید اونقدر با فشار کیر داغشو تو عمق کسم بزنه که هن هن ام بلند شه و حس کنم که لای پاهام داره جر میخوره.
الان که اینا رو برای چاپ تو سه کاف و برا شما خواننده‌ها مینویسم، تنها آرزوم اینه که یه همچی سکسی می‌داشتم، مکیدن و تلمبه خوردن، جووووون، کس آدم رو حال میاره.
خداوند چه خلقتی داره که با ساختن یه همچی تیکه گوشتی عزیزیه، اینهمه لذت رو به یه زن عطا کرده.

۶- مذهب / ناموس و کج فکری ما

از ن. ک.

نساؤکم حرث لکم فاتوا حرثکم انی شئتم و قد موالا نفسکم واتقوا الله و اعلموا انکم ملاقوه و بشر المؤمنین. (زنان شما کشتزار شمایند، پس در آئید به کشتزار خود هر جا که خواستید) - قرآن کریم-سوره البقره- آیه ۲۲۲.
این دیگر عادت اکثر ما شده که بنشینیم و ژست‌های روشنفکرانه بگیریم و خودمان را دردمند مردم جلوه دهیم و بگوئیم که " آه جامعه ما را درک نمی‌کند" و وقتی کسی به دین و مذهب و خدا انتقاد می‌کند، سریع رگ‌های گردنمان بیرون می‌زند و می‌گوئیم که " چه ربطی داره؟"
یکی از اصلی‌ترین محورهایی که سکس را در یک جامعه تبدیل به یک تابو و منطقه ممنوعه می‌کند، نوع نگرش جامعه به نیاز جنسی و بطور خاص نوع نگرش جامعه به جنس زن است. دیدگاه جامعه به زن در میزان آزادی زن در جامعه نمود پیدا می‌کند. به این دیدگاه‌ها عموماً به شکل هنجار دیده میشود، اما نباید فراموش کنیم که هنجارهای موجود در جامعه اکثرأ توسط حاکمان (که تاریخاً در ایران مذهبی بوده‌اند) تحمیل شده است. اسلام بعنوان یک دین نشانه کامل و بارز مردسالاری، نابرابری و زن ستیزی به بدترین شکل ممکن است. در اسلام، میل جنسی زن، میلی زشت و پلید شمرده میشود و زن باید آن را تا آنجا که میتواند سرکوب کند.
برای اینکه بحث روشنتر شود، ابتدا باید توضیح کوچکی بدهم؛ مثلاً اگر به کسی بگوئید " بی ناموس یا بی غیرت" طرف مقابل قرمز میشود و شروع میکند به فحش دادن ومشکل

اینجاست که این آدم بیچاره هنوز معنای این مفاهیم را نمی‌داند. ناموس به این معناست که زن "ملک شخصی مرد" و "کشتزار مرد" است. طبق نص صریح قرآن زن بمنزله‌ی "سطل آشغالی" است که مرد هر جا و هر زمان اراده کرد، میتواند آشغال خود را در سطل آشغال بریزد.

می‌بینید که در مذهب، نیمی از جامعه (زنان) به منزله‌ی سوژه‌های جنسی و وسیله‌ی ارضای مرد می‌باشند و هیچگونه نگاه انسانی به زنان نمی‌شود. فرد با غیرت اغلب انسان خشنی است که بزرگترین افتخارش این است که "ترتیب خیلی از دخترها را داده" و هیچکس حق ندارد به خواهر آن آقای با غیرت نگاه کند..... و بطور کلی این فرهنگ در جامعه ما جا نیفتاده که "زن" به جای اینکه خواهر، مادر و ناموس کسی باشد، خود یک انسان مستقل، آزاد و برابر با مرد است.

چه بخواهیم بپذیریم و چه نخواهیم، این دردی است که جامعه ما در بر دارد و این یکی از دست‌آوردهای مذهب در جامعه است و از آنجائیکه اساس مذهب بر نابرابری است، به همین جهت هیچگاه در آن رابطه جنسی دوطرفه، آگاهانه و از همه مهمتر از روی اختیار آن تعریف نشده، بلکه با تمام قوا با آن مبارزه شده است.

رابطه جنسی حق انکار ناپذیر هر انسان است و نیازی است که باید ارضا شود، اما مذهب این نیاز را تعبیر میکند و آن را "حیوانی" میداند ولی نیاز به آب و غذا و اکسیژن و عشق به فرزند و تلاش برای زنده ماندن و..... بین انسان و حیوان مشترک هستند ولی نمی‌توان گفت که چون اینها حیوانی هستند، پس بد هستند.

دوستان سه‌کافی من، تعصب عاری از تعقل است. پس بیایید غیرت و تعصب را کنار بگذاریم و کمی صادقانه‌تر، عقلی‌تر و منطقی‌تر به قضایا نگاه کنیم. اولین گام در جهت ترویج فرهنگ صحیح جنسی، مذهب و اسطوره‌زدایی از سکس است.

البته مذهب میتواند بخش خصوصی زندگی هر فرد باشد و هر کسی میتواند هر مذهبی را که دوست دارد، داشته باشد یا اصلاً مذهبی نداشته باشد، ولی همانطور که جدایی مذهب از سیاست را به عنوان یک اصل می‌پذیریم، همگی این بند را هم به این اصل اضافه کنیم که دست مذهب را از زندگی جنسی خود کوتاه کنیم. ما همگی لیاقت و توان این را داریم که یک رابطه جنسی برابر، انسانی و همراه با فهم متقابل داشته باشیم.

۷- نقش پلیس در جامعه ما

من در مدرسه دخترانه تیزهوشان شیراز درس می‌خوانم. هفته پیش قرار بود آقای دکتر خدا دوست دکتر چشم معروف، در مدرسه پسرهای تیزهوش که مدرسه‌اشان رو بروی مدرسه ما است، سخنرانی داشته باشند. (اینکار از کارهای مدید خوب دبیرستانشان بود که هر چند روز یکی از استادان معروف را برای سخنرانی دعوت

می کند) خلاصه پدر یکی از بچه‌ها هم بعنوان یکی از دکترهای چشم سپاه جمهوری اسلامی قرار بود از سابقه ایشان برای ما بگویند. پسر این دکتر که یکسال از من بزرگتر است با دو نفر از دوستانش به بیرون مدرسه می‌روند و در یک کوچه یک دفعه پلیس جمهوری اسلامی جلو آنها را می‌گیرد و از پسه می‌پرسند که این دخترها برای چی میرن تو مدرسه شما؟ چرا یقه شما باز است؟ و از این سئوالات. او هم چون پدرش دکتر سپاه بود و نفسش از جای گرمی بلند می‌شده، جواب می‌ده که به شما چی ؟؟؟؟؟!!!!!!

اون پلیس بی‌شعور هم از موتورش زود پیاده میشه و چون فکر کرده بود که تو مدرسه پسرها پارتی است، او را می‌گیرد زیر مشت و لگد.... اونم می‌گه الان میرم به بابام می‌گم که بیاد خوار تو بگامه.

پلیس هم پسر رو تعقیب میکنه و تا مدرسه دنبالش می‌دوه و اونو میگیره. دو دوست دیگش زود میرن تو مدرسه و به پدر خبر میدن. اون هم زود سوار ماشینش میشه و جلوی در مدرسه، ماشین پلیس رو میبینه. جلوشون می‌پیچد و اونا رو متوقف میکنه و بچه خودشو از تو ماشین پلیس درمیاره. حالا یکی از پلیس‌ها بچه رو تو ماشین میکشه و یکی دیگه خود باباه رو با فشار میخواد تو ماشین پلیس بچپونه. یه مافوق سرباز هم اون وسط هرچی می‌گه بابا ول کنین، اون پلیس احمق می‌گه نه، این به من فحش داده. بابای پسر هم به مافوقه می‌گه میگفت تو رو بگو که پلیس ات ازت حرف شنوی نداره!... و این کار تا آمدن مدیر و معاونان مدرسه ادامه داشت تا بالاخره قضیه تمام شد. بعدش هم بابای پسر یه شکایت تنظیم کرد و به ما داد که امضا کنیم.

میخوام بگم که در جامعه امروز ما، پلیس دیگه وسیله‌ای برای ایجاد امنیت نیست، بلکه فقط وسیله‌ای برای ایجاد رعب و وحشت بین مردم شده، که به اونها ثابت کنه که هنوز پلیسی هست تا جلوی شورش جوونا رو بگیره.

پلیس‌ها اول مجازات را اعمال میکنن و بعد در مورد کاری که کرده‌اند، فکر میکنند. ما تیزهوشان هم اسم‌مان بد در رفته. فکر می‌کنند ما چندتا بچه‌ی خرخون هستیم که فقط سرمان داخل کتاب و جزوه است. دیگه گذشت امثال دکتر خدادوست و... ما هم تغییر کرده‌ایم.... بچه‌های تیزهوش حالا بچه‌هایی با طرز فکر متفاوت.... آیا به نظر شما خواننده محترم، ما شایسته چنین رفتاری هستیم؟

از دوستانی که در فکر ارسال سئوالات خود در رابطه با مسائل جنسی هستند، خواهش

می‌کنیم، قبل از آن، تمام سئوال و جوابهای چاپ شده در شماره‌های مختلف سه کاف را بخوانند. اگر جواب خود را پیدا نکردند، آنوقت سئوال خود را ارسال کنند.

۸- سئوال و جواب مسائل جنسی

ابتدا تذکر از طرف یک خواننده:

- من دانشجوی پزشکی هستم و در زمینه ایدز هم کار کرده‌ام، چندتا نکته راجع به مطالبی که شما در سه کاف درباره ایدز نوشته‌اید و کاملاً غلط بود، را اصلاح کنم.
- ۱- شما نوشته بودید که ایدز را سازمان انتقال خون (ایران) بعد از سه ماه صد در صد تشخیص میدهد، این کاملاً اشتباه است. اچ.آی.وی را میشود به چند روش تشخیص داد، روشی که سازمان انتقال خون بکار میبره **ELISA** نام داره. تو این روش بطور معمول بین دو هفته تا شش ماه پس از ورود این ویروس به بدن، ممکنه که نتواند ویروس را نشان دهد، و حتی در مواردی تا ۱۸ ماه هم جواب غلط بده، یعنی ویروس را در خون فرد آلوده نشان ندهد. پس لطفاً به مردم نگوئید اگر تا سه ماه جواب منفی بود، دیگ سالم هستید و اچ.آی.وی ندارید. اگه نمی‌گوئید ۱۸ ماه، حداقل شش ماه که یک مدت معمولی است را عنوان کنید.
- ۲- در ایران کسانی که به ویروس اچ.آی.وی آلوده هستند، را میشود با دارو تا آخر عمر زنده نگه داشت، یعنی با دارو می‌توانند یک زندگی و طول عمر نرمال داشته باشند، پس به افراد آلوده بگوئید که حتماً برای درمان مراجعه کنند، تا بتوانند زنده بمانند. البته در مدت زندگی، ایهن افراد همچنان ناقل ویروس خواهند بود.
- ۳- متأسفانه، شما در شماره ۲۲ نوشته بودید که کسی که به آلوده بودن خودش شک دارد، برود و خون بدهد تا آزمایش بشود و..... این طرز فکر فوق‌العاده اشتباه است که حتی برخی از مسئولان کشوری هم دارند، چون با اینکار ممکن است که دستگاه کنترل نتواند ویروس را تشخیص دهد و خون فرد آلوده، را سازمان بگه دارد و به یک فرد بیمار بدهد که آن بیمار بیچاره، الکی الکی به ویروس اچ.آی.وی. آلوده خواهد شد.
- پس مهم است که کسانی که حتی به آلوده بودن خودشان شک دارند، نروند خون بدهند چون جان خیلی‌ها را به خطر می‌اندازند. حالا شاید کسانی بپرسند که خوب پس چاره چیست؟ راه حل ساده هست. میتوان به سازمان انتقال خون مراجعه کرد و بصورت مجانی ی ساوره بگیریید و آزمایش ویروس اچ.آی.وی بدهید و نیازی به خون دادن نیست، یعنی میتوانید فقط آزمایش بدهید. اگر مرکز انتقال کون در جایی این امکان را نداشت، یک آزمایش ایدز، دوهزار تومان هزینه دارد. هر کسی باید مسئولیت اجتماعی

احساس کند و برود آزمایش بدهد. این خیلی بهتر از این است که صدها نفر دیگر را آلوده کنیم. اگر هم کسی مشکل مالی برای آزمایش خون داشت، با شما (سه کاف) تماس بگیرد و شما آدرس ایشان را به من بدهید تا مشکل آنها را حل کنم.

سؤال ۱- می‌خواستم بدانم که اگر کیر آدم، سرش جوشهای قرمز بزند و در حالت جلق زدن این جوشها شروع به سوزش کنند، این به معنای سوزاک داشتن طرف است؟
جواب: علائم سوزاک شامل ترشحات چرکی زرد متمایل به قهوه‌ای است. سر آلت می‌تواند مقداری قرمز و متورم باشد. لبه‌های سوراخ ادراد نیز متورم و برجسته است. وجود جوش در سر آلت علامت سوزاک نیست، ضمن آنکه سوزاک از راه تماس جنسی منتقل می‌شود. در عین حال برای بررسی و معاینه این جوشها، از نظر سایر بیماریها به پزشک متخصص ارولژی مراجعه نمائید.

سؤال ۲- چگونه میتوان باکره بودن دختری را تشخیص داد؟ (البته بدون مراجعه به پزشک).

جواب: تشخیص باکره بودن بعضی وقتها (در بعضی افراد) با مشاهده پرده بکارت در عمق ۲/۵ سانتیمتری از سطح لبهای بزرگ مهبل قابل انجام است. اما پرده بکارت دارای اشکال متنوعی است که ممکن است تشخیص سالم بودن آنها برای افراد غیر متخصص مشکل کند، بنابراین در صورت شک به پزشک مراجعه نمائید.

سؤال ۳- سر سینه راست من از حالت عادی خارج شده و با سینه چپ خیلی فرق دارد. لطفا در اینباره توضیح دهید.
جواب: تغییرات ظاهری در پستان که یکطرفه باشد، نیازمند بررسی پزشک است. بنابراین هرچه زودتر به یک پزشک متخصص جراحی و یا زنان مراجعه کنید.

سؤال ۴- آب منی من مثل توی فیلمها سفید رنگ نیست، بلکه بیشتر زرد رنگ است. آیا من بیمار هستم؟
جواب: رنگ آب منی میتواند بین سفید تا زرد کرمی متفاوت باشد. زرد بودن رنگ آن کاملاً نرمال است.

سؤال ۵- من قبلاً روزی دوبار جلق می‌زدم. در یکسال اخیر خیلی کمتر می‌زنم، مثلاً

هفته‌ای یکبار، اما با هربار جلق زدن دستم شروع به لرزش می‌کند و احساس کمردرد دارم، چرا؟

جواب: جلق زدن عارضه خاصی تولید نمی‌کند ولی این در صورتی است که از میزان قابل تحمل بدن فراتر نرود. این میزان در افراد مختلف متفاوت است. زیاده روی در هر عمل فیزیولوژیک و طبیعی بدن، از جمله فعالیت‌های جنسی، باعث ایجاد عوارض می‌شود. به شما پیشنهاد می‌شود که از غذاهای مقوی و گرم بیشتر استفاده کنید و در صورتی که هنوز مشکلاتان ادامه داشته باشد، به پزشک مراجعه کنید.

سؤال ۶ - آیا اینکه می‌گویند با جلق زدن کسی خواجه می‌شود، درست است؟
خواجه بودن یعنی چه؟
جواب: خیر، با جلق کسی خواجه نمی‌شود. خواجهگی یعنی ناتوانی در باروری.

سؤال ۷ - من یک پسر ۱۶ ساله هستم و کیرم تقریباً کوچک است. می‌خواستم بپرسم که آیا هنوز امکان بزرگ شدن کیرم هست یا نه؟ تا چه زمان و سنی کیر آدم رشد می‌کند؟
جواب: آلت تناسلی همراه با شروع بلوغ شروع به رشد می‌کند و بنا بر این رشدی که در سنین بلوغ در افراد ایجاد می‌شود، بستگی به آن دارد که در چه مرحله‌ای از بلوغ باشند. شروع بلوغ هم در افراد مختلف متفاوت است و جایی برای نگرانی نیست، همچنین اندازه آلت (کیر) در سن بلوغ در افراد مختلف متفاوت است و در صورتی میتوان نگران بود که کوچکی آلت بحدی باشد که باعث اختلال در نزدیکی یا باروری شود. در اینصورت با مراجعه به پزشک و تشخیص پزشک می‌توان با درمانهای هورمونی خاص باعث رشد بیشتر شد.

سؤال ۸ - من دختری هستم که از بچگی با پسرها قاطی بوده‌ام و هیچ مشکلی هم با آنها ندارم ولی نه مثل آنها حشری میشوم و نه از سکس با پسران لذت می‌برم، چرا؟
جواب: به نظر می‌آید که مشکل شما بیشتر جنبه روانشناختی داشته باشد. در عین حال اختلالات کروموزومی یا هورمونی نیز میتوانند باعث اختلال در این امر شود. با مراجعه به یک روانشناس این اختلال قابل درمان است. به تفاوت جنسیت و شکل بروز حالات آن در زنان و مردان هم باید توجه داشت.

سؤال ۹ - آیا جلق زدن باعث ضعف چشم و یا سیاهی دور چشم می‌شود؟
عارضه‌ای ندارد.

جواب: خیر. جلق زدن در صورتی که بیش از حد متعادل نباشد (بسته به نیروی بدن).

سؤال ۱۰- موقع نزدیکی و سکس، چه حرفهای تحریک کننده‌ای میتوان به یک پسر زد که بیشتر تحریک شود؟

جواب: پرده گوش (شنوائی) یکی از مراکز حساس انسان بخصوص در مواقع سکس است بخصوص که شنیدن یک سری کلمات و حرفهای تحریک کننده، مستقیماً روی مغز تاثیر دارد، اما این نسبت در افراد مختلف متفاوت است.

یکعده از افراد از شنیدن حرفهای سکسی و هیجان آور در مواقع نزدیکی جنسی بسیار حساس هستند و بیشتر تحریک جنسی میشوند، یک عده هم کمتر. اینکه چه حرفهای سکسی و حشری کننده به همدیگر بگوئیم، این هم متفاوت است. یکی دوست دارد، حرفهای عاشقانه (عزیزم، دوستت دارم و... تو چقدر زیبا هستی و... بشنود، یکی دوست دارد از قسمتهای مختلف بدنش (زیبایی صورت، اندازه و شکل آلت تناسلی اش و...) تعریف شود، یکی دوست دارد، حرفهای " رکیک" بشنود (می‌کنمت، کیر تو می‌خورم، منو بکن، و...) همانطور که قبلاً هم گفته‌ایم، بهترین کار صحبت با همدیگر و یا استفاده از روش تجربه و خطا می‌باشد که بمرور متوجه میشوید طرفتان از چه چیزی خوشش می‌آید.

سؤال ۱۱- میگویند هر قطره آب منی، برابر با ۱۶ قطره خون است، چرا شما میگوئید که جلق زدن ضرر ندارد؟

جواب: جلق زدن عملی است که نیروی جسمی و روانی نسبتاً زیادی از انسان می‌گیرد، بنابراین برای جبران نیروی جسمانی از دست رفته باید انرژی کافی به بدن بازگردد. این کار با مصرف غذاهای هرم و مقوی میسر است. اگر انرژی و نیروی از دست رفته در اثر فعالیت جنسی و خروج منی، از طریق غذاهای مقوی به بدن بازگردانده نشود، عوارض اجتناب ناپذیر خواهد داشت. لازم به تذکر است که هر عملی در حد متناسب و متعادل برای بدن قابل تحمل است و زیاده روی در هر کاری باعث ضرر خواهد بود.

سؤال ۱۲- وقتی آب منی از کیرم خارج میشود، یک چیزهایی در آن است مثل دانه و یا رشته‌هایی به رنگ زرد کم رنگ. آیا این طبیعی است؟

جواب: منی، چند دقیقه بعد از خروج از بدن منعقد میشود که ممکن است حالت رشته در آن دیده شود. اما وجود چیزهای دانه مانند غیر طبیعی است. بهتر است با یک پزشک متخصص ارولژی مشورت کنید.

سؤال ۱۳ - آیا جراحی ترمیم پرده بکارت عوارض جنبی دارد؟ به چه دکتری برای ترمیم پرده باید مراجعه کرد؟

جواب: بطور کلی بافت پرده بکارت بدلیل نداشتن عروق خونی غنی، قدرت ترمیم ندارد و با خروج نخ بخیه از بافت پرده یا پوسیدن این نخ، شکاف پرده مجدداً باز می‌شود. البته گاهی از مخاط واژن برای ترمیم استفاده می‌شود. از نظر قانونی ترمیم در صورتی قابل انجام است که پرده در تصادفات و سوانح آسیب دیده باشد و یا پرده بکارت دارای ناهنجاری برای اقدامات درمانی. در غیر اینصورت ترمیم پرده جرم محسوب میشود. در صورتیکه قصد انجام قانونی این کار را دارید به پزشک متخصص زنان مراجعه نمایید. البته با توجه به اهمیت پرده بکارت در فرهنگ جامعه و با توجه به تعداد زیاد متقاضیان، هستند پزشکانی که خارج از چارچوبی که قانون تعیین کرده، هم عمل میکنند.

سؤال ۱۴ - چند سال پیش با دوست پسرم سکس لاپایی داشتیم، اما یکبار که از پشت لاپایی میکرد، یکهو کیرش رفت توی کس‌ام. البته نه زیاد. بعد که به خانه رفتم، یک آبی به رنگ قرمز کم رنگ (روشن) از کسم بیرون می‌آمد. در ضمن موقع ادرار هم کمی درد داشتم و هم سوزش. آیا هنوز من باکرده هستم؟

جواب: با توجه به توضیحاتان، باکره بودن شما تنها با معاینه قابل تائید است و برای اینکار به پزشک زنان مراجعه نمایید.

سؤال ۱۵ - من مدتی است که هر وقت حشری می‌شوم، تو کوچها راه می‌افتم و سر یک کوچه خلوت کمین می‌کنم تا یک زن یا دختری از راه برسه و سریع کیرم که همیشه راست است را درمی‌آورم و جلو طرف جلق می‌زنم. بعدش هم خیلی پشیمان می‌شوم. آخه من نه پول دارم، نه ماشین و نه جا، تا مرز خودکشی هم رفته‌ام. آخه ما جوونای ایرانی چه خاکی بسر کنیم.

جواب: راه افتادن تو کوچها و جلو دیگران جلق زدن کار صحیحی نیست. به این دلیل که شما به زن یا دختری که در حال عبور است، حق انتخاب نمی‌دهید، شاید طرف دوست ندارد جلق زدن کسی را ببیند؟ علت پشیمانی شما بعد از عمل هم این است که در ضمیر خودتان، خبر دارید که این کار درست نیست.

اینکه جوونهای ایرانی چه خاکی بسر کنند، خودشان باید بفکر بیفتند و برای تغییر این شرایط تلاش کنند. مشکل دوتااست یکی فرهنگ ما در باره مسائل جنسی در کل و دیگری

حکومتی که شدیداً با مسائل جنسی سر آشتی ندارد، پس، گر تو نمی‌پسندی، تغییر ده (هم فرهنگ و هم حکومت را). با خودکشی، شما هیچ مشکلی را حل نمی‌کنید و در واقع گذاشته‌اید که مشکلات شما را از پای درآورند، درحالی که ما باید با مشکلات در بیفتیم و بر آنها غلبه کنیم.

سؤال ۱۶ - بیضه‌های من در تماس با لباسهای خیلی حساسند و درد می‌گیرند، چکار کنم؟

جواب: حساسیت بیضه‌ها ممکن است در اثر بیماریهایی که باعث التهاب بیضه می‌شوند و یا در اثر واریکوسول (واریسی شدن عروق بیضه) باشد. در ضمن گاهی وقتها پوشیدن لباسهای خیلی تنگ هم باعث میشود که به بیضه‌ها فشار وارد شود. برای اطمینان از سلامت خود به پزشک مراجعه نمائید.

سؤال ۱۷ - می‌خواستم بپرسم کسی که سوزاک یا هر بیماری مقاربتی دیگر داشته باشد، باید به چه دکتری مراجعه کند؟

جواب: برای درمان بیماریهای مقاربتی از جمله سوزال به پزشک متخصص ارولوژی (ادراری - تناسلی) مراجعه کنید.

سؤال ۱۸ - آیا آب زلالی که قبل از منی از کیر خارج میشود، باعث آبستن شدن زن میشود؟

جواب: خیر. این ترشحات حاوی اسپرم نیستند و باعث باروری نمی‌شوند. وظیفه این ترشحات لغزنده کردن مجر و ایجاد P مناسب برای اسپرم است، اما این ترشحات می‌توانند باعث انتقال بیماریهای مقاربتی شوند.

سؤال ۱۹ - زمان پریود من هر دو ماه یکبار است. آیا این طبیعی است؟

جواب: بطور طبیعی هر دوره پریود ۲۱ تا ۳۵ روز می‌تواند طول بکشد، البته در ماههای آغازین بلوغ نظم وجود ندارد و مدتی طول می‌کشد تا پریودها منظم شوند. شما در صورتیکه در ابتدای بلوغ نیستید، برای بررسی بیشتر به پزشک متخصص زنان مراجعه کنید.

سؤال ۲۰ - چند سال قبل ضربه شدیدی به تخم خورد که تا یکماهگی شدیداً درد داشت، بعد از آن تخم آسیب دیده من خیلی بزرگ شده، آتا راه حلی هست؟ آیا مشکل بزرگی تخم

در آینده برایم مشکل ساز خواهد بود؟

جواب: در اثر ضربه ممکن است داخل بیضه التهاب ایجاد شده و بیضه متورم و دردناک شود. در اینصورت باید برای بررسی به پزشک متخصص ارولوژی مراجعه کنید.

سؤال ۲۱ - دوست دخترم میکبید که پرده اش حلقوی است و گویا اینگونه پرده ها فقط هنگام اولین زایمان زن پاره میشوند. لطفاً در اینباره توضیح دهید.
جواب: پرده بکارت بطور طبیعی می تواند به اشکال مختلف از جمله حلقوی، غربالی، پل دار، صلیبی و..... باشد. نوع حلقوی شایعترین نوع است و با انجام مقاربت، معمولاً چند پاره گی ایجاد می شود. اگر سوراخ پرده چیندار و نسبتاً گشاد و شل یا جنس آن ارتجاعی باشد، ممکن است هنگام نزدیکی جنسی، پارگی و خونریزی نداشته باشد، در غیر اینصورت با اولین مقاربت در لبه پرده پاره گی یا خراشیدگی یا برگستگی ایجاد می شود.

سؤال ۲۲ - چه غذاهایی برای بیشتر کردن قوه جنسی و همینطور بهتر کردن کیفیت اسپرم خوب هستند؟
جواب: غذاهای با طبع گرم و پر انرژی و غنی از ویتامین و پروتئین توصیه میشوند.

سؤال ۲۳ - آیا دارویی برای رفع سرد مزاجی زنان وجود دارد؟
جواب: سردمزاجی می تواند عل جسمی یا روانی مانند افسردگی و..... داشته باشد. برای تجویز دارو به پزشک متخصص زنان مراجعه کنید.

سؤال ۲۴ - چه جوری میشه پسری یا دختری رو حشری کرد؟
جواب: برای اینکار نمی توان یک نسخه ثابت و مشخص پیچید. انسانها متفاوت هستند. اگر شما تمام مقالات و سؤال و جوابهای چاپ شده در سه کاف را بخوانید، به یک شناخت نسبی خواهید رسید. همچنین داستانهای چاپ شده، علاوه بر جنبه حشری کردن، کلی تجربه دیگران را هم با شما قسمت می کنند و از این نظر آموزشی هستند.

سؤال ۲۵ - دوست پسرم دوست داره که ما از راه کون سکس داشته باشیم، یکبار به او اجازه دادم اما آنقدر درد کشیدم که تا سه چهار روز نمی توانستم روی کمرم بخوابم. حالا هر وقت چنین تقاضایی از من میکند، رد میکنم، اما دوست ندارم او را برنجانم.

شما میگوئید که چه کنم.

جواب: سکس از راه کون، خود به کلی مقدمات نیاز دارد که ما در شماره‌های قبل توضیح داده‌ایم، تحریک، آماده کردن طرف، استفاده از مایعات لزج کننده، استفاده از کاپوت و..... اما مهمترین مسئله این است که شما نباید بخاطر ارضا دوست پسر خود، اینهمه درد و رنج را تحمل کنید. ایشان باید این را درک کنند. توافق دوطرفه و رعایت حد و مرز طرف در یک سکس، بسیار مهم است.

سؤال ۲۶ - من از یک پسری خیلی خوشم میاد، اما او بی تفاوت است. ممکنه بگید که پسرها از چه تیپ دخترانی خوششان می‌آید؟
جواب: دوست عزیز، هر کسی از یک تیپ خاصی خوشش می‌آید، مگر خود شما از هر پسری که می‌بینید، خوشتان می‌آید؟ سما راحت و آزاد، میتوانید به طرف خود اظهار علاقه کنید اگر از شما خوشش می‌آید که چه بهتر، مشکل حل شده، اما اگر بی‌علاقه بود، و دارای ظرفیت، حتما از اظهار علاقه شما تشکر میکند و به شما بخاطر این آزادگی، احترام خواهد گذاشت نه تحقیر و یا فکرهای آنچنانی.

سؤال ۲۷ - اگه ممکنه در باره قرصهای ویاگرا بنویسید.

جواب: اطلاع آنچنان زیادی نداریم، فقط این را میدانیم که این قرصها برای افرادی تجویز میشوند که نیاز جنسی حس میکنند اما بنا به دلایل مختلف مشکل راست سدن کیر خود را دارند، بیشتر اوقات به افراد در سنین بالا از طرف پزشک تجویز می‌شود. اما باعث مرگ افراد زیادی هم شده است بخصوص افرادی که ناراحتی قلبی دارند و یا داروهای امراض قلبی استفاده می‌کنند.

سؤال ۲۸ - میخوام با پسر عموم ازدواج کنم، ولی شنیده‌ام که ازدواج بستگان نزدیک باعث معلول شدن کودک میشود؟

جواب: بله چنین امکانی هست. بهترین کار این است که قبل از ازدواج برای آزمایش و مشخص کردن مقاربتهای ژنتیکی، به پزشک مراجعه کنید

سؤال ۲۹ - آیا کون دادن باعث یبوست میشود.

جواب: نه. کم تحرکی و نوشیدن آب کم، از جمله باعث یبوست میشود. در کون دادن مهمترین مسئله این است که شما از کاپوت استفاده کنید تا از بیماریهای مقاربتی در امان

باشید.

سؤال ۳۰- من یک دختر ۱۹ ساله هستم. آیا سکس داشتن همنگام عادت ماهانه ضرر دارد؟ چه ضرری؟

جواب: نه. ضرری ندارد. فقط برای رعایت بهداشتی، خوب است مثلاً حوله‌ای زیر خود بگذارید که لازم به شستن ملافه‌های تازه خود نباشید. گاهی اوقات هنگام سکس در روزهای قاعدگی، مرد ممکن است یک سوزش کمی در آلت خود احساس میکند، بهترین کار این است که از کاپوت استفاده کنید. از آن گذشته، سکس تنها در دخول آلت تناسلی مرد به واژن خلاصه نمی‌شود. میتوان به طرق مختلف همدیگر را ارضا کرد.

سؤال ۳۱- من و زلم از سکس لذت می‌بریم، اما همیشه بعد از سکس، به زلم حالت تهوع دست می‌دهد؟ چرا؟

جواب: ایجاد تهوع بدنبال فعالیت‌های جنسی، دارای دلایل مبهمی است، ممکن است این تهوع ناشی از تحریک نقاط خاصی از گوش ایشان باشد، و یا مشکلی در سیستم عصبی خانم شما باشد، بهرحال با یک پزشک متخصص زنان مشورت کنید و خوشحال میشویم که نتیجه را به هم اطلاع دهید.

=====

این هم دو آمارگیری در رابطه با سئوالی که در شماره قبل چاپ شده بود:
یک سه کافی باحال اینطور مینویسد:

در شماره قبلی سئوالی در اینبار بود که آیا پسرها کس با مو دوست دارند یا بی مو.
من از ۲۰ نفر در اینبار سئوال کردم و و این هم نتیجه آمارگیری من:
۱۸ نفر گفتند که از کس بی مو خوششان می‌آید.
یک نفر بی تفاوت بود و گفت که برایش فرقی نمی‌کند.
خود من هم کس بی مو را دوست دارم.

=====

یکی دیگر از خوانندگان هم در باره این مسئله از ۱۴ نفر از دوستان و همکلاسیهای خود پرسیده بود که اگر خود شما دوست دختر میخواهید، آیا داشتن دوست پسر را هم حق خواهر خود میدانید؟
شش نفر جواب مثبت دادند که هیچ اشکالی ندارد.
سه نفر مخالف بودند.

سه نفر گفتند که در اینبار اصلآ فکر نکرده‌اند و نمی‌توانند جواب دهند.
یک نفر گفت که دوست دارد، دوست پسر خواهر خود را بشناسد، اگر آدم درستی بود، مانعی ندارد.

خود من هم با این مسئله مشکلی ندارم، یعنی حق خواهرم میدانم که خودش دوست پسر خودش را انتخاب کند. مگه من خودم، می‌ذارم که کسی دوست دختر برام تعیین کند؟

=====

این هم تبادل تجربه بین خوانندگان:

در یکی از سئوالات شماره‌های قبل دوستی درباره جهش انزال و آب منی پرسیده بود که چرا آب ایشان مانند فیلمهای پورنو، جهش ندارد.

به این دوست جوان یک توضیح دهم که این روش یک تکنیک دارد و آن این است که در موقع انزال تمام کیر خود در دست گرفته و فشار دهند و تا دو انقباض همانطور محکم آنرا نگه دارند تا اصلآ آب از ایشان خارج نشود و در زمان انقباض سوم ناگهان دست خود را شل کنند تا آب با فوران و فشار بیرون بزند. با تمرین، میتوان کاری کرد که آب خود را حتی تا ۶۰ - ۵۰ سانتیمتر هم پرتاب کرد. البته این یک کار نمایشی است و هر چه زمان انزال نزدیکتر باشد، آب بیشتر و جهش بهتری خواهد داشت.

=====

از دوستانی که به سئوالات آنها جواب نداده‌ایم، پوزش می‌خواهیم. سعی می‌کنیم در شماره آینده نیز به یک سری سئوالات جواب دهیم.

۹-سربازی

زمانی که من سرباز بودم در یک پادگان دور افتاده تقریباً توی کویر خدمت میکردم. در آنجا مرخصی خیلی کم میدادن و همه سربازها حسابی تو کف کس و کون بودن و من هم توی اون ۲ سال نهایت لذت و استفاده رو از این موضوع میبردم، چون من بدجوری از سکس با همجنس خودم لذت میبرم. دعه اول که حال کردم با یک مرد از اهالی زابل بود. حدود دو متر قد و صد کیلو وزن داشت و چهره سیاهی داشت. من که حدس زده بودم که کیرش هم حتما خیلی باید کلفت و باحال باشه، اولین بار برای اینکه امتحانش کنم و ببینم که آیا او هم تمایلی داره یا نه، از یک فرصت استفاده کردم؛ به این شکل که یک روز ما سربازان کیپ تا کیپ تو آسایشگاه برای گوش دادن به حرفهای سرگروهبان، جمع شده بودیم. خودمو به جلو این زابلی رساندم و قیافه‌ای گرفتم که یعنی دارم به حرفهای سرگروهبان

گوش میدهم، اما حواسم به پشتم بود و هی کونم را از پشت به کیرش میچسبوندم. ولی اون زید توجهی نکرد. برای اینکه توجه اونو بیشتر جلب کنم، مشغول حرکت دادن کونم شدم. همینجور که داشتم اینکار را میکردم، یهو حس کردم که کیرش داره بزرگ میشه. من هم به کارم ادامه دادم. تا اینکه پسره برای اینکه منو امتحان کنه، دستشو زیر کونم انداخت. گویا میخواست واکنش منو ببینه. من هم برگشتم و لبخندی تحویلش دادم. او هم لبخندی زد و دندانهای سفیدش از زیر لبهای کلفت و سیاهش نمودار شدند. بعد از سخنرانی پیشم آمد. دیدم بدجوری حشری شده و دست و پاش داره میلرزه. بهش گفتم زیاد احساساتی نشو، امشب یه خالی بهت بدم که کیف کنی. گفت آخه چطوری، من که امشب مسئول نظافت اتاق جناب سروان هستم. گفتم خوب چه بهتر. همونجا میآم، با هم حال کنیم. گفتش باشه. شب که شد، از آسایشگاه بیرون آمدم و به طرف اتاق جناب سروان حرکت کردم. وقتی به آنجا رسیدم، در قفل بود. در زد. در را باز کرد. کاملا از حرکات و رفتارش معلوم بود که بدجوری حشری شده است.

بلافاصله در را بست و آن را قفل کرد. دیدم که یک طرف اتاق پتو پهن کرده بود و تمام پرده‌ها را کاملا کشیده بود. هنوز حرفی نزده بودم که دیدم منو از پشت تو آغوش خودش گرفت و دست بزرگش را با آن انگشتهای ضخیم تو شلوارم کرده و شروع کرد با کونم بازی کردن. برگشتم و بهش گفتم، عزیزم اگه اجازه بدی، میتونی کیرت رو اونجا بذاری. کمی آروم شد و دستش رو بیرون کشید. شروع کردیم با هم لب گرفتن، ولی متوجه شدم که که بدجوری آتیشش تند است و به این چیزها راضی نمی‌شه. شروع به لخت شدن کردیم. تنی سیاه با انبوهی از پیشم و مو در مقابلم نمودار شد. وقتی شرتش رو درآورد، کیرش مثل یک مار سیاه و کلفت زد بیرون. آمد جلو و دستش رو تو موهام کرد و سرم رو بطرف کیرش هدایت کرد. من هم زانو زدم و اون کیر سیاه و کلفت و دراز رو گذاشتم تو دهنم. چند بار مک زدن، کافی بود تا اون کیر بزرگ، حسابی کلفتتر و درازتر بشه. تا حلقم هم که فرو میکردم، باز بیشتر کیرش بیرون می‌ماند. بعدش روی پتو دمر خوابیدم و او در حالی که سر کیرشو رو دور و بر سوراخ کونم میمالید، رویم دراز کشید.

بهش گفتم، فقط آبت رو آن تو نریز، (احتیاط از بیماری)، گفت باشه، سنگینی اون هیکل گنده رو روی خودم حس میکردم. بایه فشار، کیرشو تا خایه برد تو کونم کرد و همینطور که داشت عقب-جلو (یا بالا-پائین) میکرد با دستش هم با کیرم بازی میکرد. از درد بی حال و بی رمق شده بودم. تو همون حال، از پرسید: چطوره؟ حال میکنی؟ گفتم آره،

ولی کیرت خیلی کلفته! گفت کجاشو دیدی و شروع کرد به هر چه محکمتر منو گائیدن و تا میتونست کیرشو هر چه عمیقتر میکرد تو. حس کردم که کیرش باز هم بیشتر متورم شده، فهمیدم که وقت آمدنش است، معطل نکرد و کیرشو بیرون کشید و از نوک سرم تا پائین کمرم و قنبلهای کونم را از اسپرم خودش پوشاند.

۱۰- تاثیر سکس خوب و بد در زندگی زناشوئی

(کلاسهای آموزشی در منطقه هفت شهرداری تهران)

سلام بر همگی

این متن در مورد تاثیرات سکس خوب یا بد، در زندگی زناشویی می باشد (از نقطه نظر روانشناسی). این متن را با توجه به اینکه متاسفانه در اکثر خانواده های ایرانی، رابطه جنسی زوجین یک چیز پیش یا افتاده حساب میشود و کمتر کسی به تاثیرات آن در سایر روابط اعتقاد دارد، می نویسم.

در روابط زوجها هر چیزی میتواند نزدیکی و یا دوری بیشتر آنها بشود.

خیلی از مردها حتی در جریان اینکه زن هم مانند مرد باید از نظر جنسی ارضا بشود، نیستند و برای خیلی از آنها مهم نیست که آیا زنشان از این رابطه لذت می برد یا نه!!! حال شما خودتان را بجای آن زن قرار دهید، چه احساسی خواهید داشت؟ - احساس اینکه از شما سو استفاده شده، احساس اینکه توی خانه، شما را فقط برای پخت و پز و همخوابی شبانه میخواهند! شاید برای خیلی از شما عزیزان که این متن را میخوانید، این حرفها مسخره باشه و آن را جدی نگیرید! ولی این یک واقعیت است و منشا شروع اختلافات و سپس طلاق در بعضی از خانواده ها میشود.

سکس نیاز هر انسان و لذت بردن و لذت رساندن به طرف مقابل، نیاز و وظیفه هر دو نفر هست. توجه داشته باشید که در یک سکس خوب، با تغییر وضعیتهای مختلف، حرف زدن، نوازش و لمس نقاط حساس بدن، میتوانید که لذت رابطه خود را دو چندان کنید.

لازم به ذکر است که در یک رابطه دو طرفه، فقط شما و شریک شما مهم نیست بلکه عوامل دیگری مثل محل سکس، آرامش خاطر دو طرف، میزان نور و..... هم مهم اند. بسیاری از افراد سکسی همراه با اضطراب از این دارند که مبادا بچه ها وارد اتاق خواب شوند و این مانع از تمرکز ذهن و حواس آنها به سکس که مشغول آن هستند، میشود.

همانطور که بارها و بارها در سه کاف نوشته شده، در یک رابطه جنسی معمولاً زن دیرتر ارضا میشود و به وقت و زمان بیشتری نیاز دارد، به اعتباری دیرتر به ارگاسم می‌رسد. پس از تمامی آقایان می‌خواهم که فقط خودشان را مد نظر نگیرند و تا به اوج لذت جنسی رساندن شریک جنسی و یا همسر خودشان، کنار نکشند. هیچ چیز بدتر از ناکامی جنسی در یک سکس نیست. ریشه پیدا کردن فرد دیگری برای ارضا جنسی ریشه در همین ناکامی در سکس زن و شوهری دارد. و خود مقدمه‌ای میشود برای متلاشی شدن زندگی خانوادگی.

در ضمن این را به آقایان بگویم که سکس فقط در یک عمل دخول و تلمبه زنی خلاصه نمی‌شود. هر سکسی باید یک مقدمه و یک مؤخره داشته باشد، که معمولاً مقدمه یک سکس خوب با کلمات عاشقانه و هوس انگیز (بسته به سلیقه طرف) است و در پایان (با توجه به بی‌حالی هر دو طرف) با رفتار و حالت‌های، نوازش و... متاسفانه در ایران، کلاس یا مجله یا سی دی یا فیلم و... که سکس خوب را آموزش دهد، وجود ندارد و هر کسی هرچه که بلد است، آموخته‌های خودش میباشد که بیشتر ناقص، و گاهی هم غلط میباشد. حتی خیلی از مردها فقط از یک حالت و روش در سکس استفاده میکنند.

در ایران اولین مجموعه فرهنگی که شروع بکار بر روی مسائل خانوادگی (از جمله سکس) کرده، مؤسسه‌ی توسعه توان‌های فردی هست که زیر نظر شهرداری منطقه هفت تهران برای اولین بار، کلاس‌هایی در مورد روابط قبل از ازدواج و کلاس‌هایی در مورد روابط بعد از ازدواج تشکیل داده، که در قسمتهایی از آن در باره روانشناسی سکس صحبت میشود.

تنها چیزی که من تو ایران برای آموزش سکس دیده‌ام که مرجع کامل و خوبی هم هست، سی دی آموزشی **Anne oopers Itimate Sex Guide** هست که دسترسی به آن هم به این راحتی نیست. این سی دی (بصورت **Mutimedia**)، مراحل سکس، و هزار چیز دیگر را به بهترین نحو به شما آموزش می‌دهد و این قابلیت را دارد که بعد از آموزش دیدن، امتحان داده (البته بصورت تئوری) و اطلاعات خود را بسنجید. امیدوارم که از سکس خودتان لذت ببرید.

سلام دوستان وفادار سه کاف

این هم شماره ۲۵ سه کاف که تقدیم میشود.

خواهشمند است در رساندن مطالب سه کاف به هر تعداد که میتوانید، کوشا باشید.

=====

۱- موقعیت تازه

جمهوری اسلامی، از همان روزهای اول سرکار آمدن، میخواست ایران را ۱۴۰۰ سال به عقب برگرداند و ایران را به یک ولایت اسلامی تبدیل کند، درست عین طالبان در افغانستان، اما رشد افکار مدرن و تجدد خواه در یکصد سال گذشته، و آشنائی ایرانیان با مدرنیسم و جوامع پیشرفته، مانع از اینکار شد، با اینهمه آخوندها هیچوقت از این آرزوی خود دست برنداشته‌اند. اگر جمهوری اسلامی میتوانست و شرایط داخلی و خارجی اجازه میداد، ایران را کاملاً از جهان خارج جدا میکرد و آنوقت اهداف شوم خود را عملی مینمود، اما خوشبختانه این کار عملی نمی‌باشد.

با انتشار سه کاف، از یکطرف معلوم شد که سکس و مسائل حول و حوش آن یک معضل بزرگ جامعه ما و طرح درست آن یکی از عمده‌ترین خواسته‌های مردم ماست، و از طرف دیگر ثابت شد که این ضعیف‌ترین حلقه رژیم جمهوری اسلامی است و چه راحت میتوان رژیم را در این عرصه به چالش کشید. بی جهت نیست که

از همان ابتدای کار، تلاش ماموران رژیم برای اخلال در کار سه کاف شروع شد؛ از ارسال نامه‌های تهدید آمیز تا ارسال روزانه ویروس به ما گرفته تا تلاش برای تطمیع و یا بشکلی شناسائی ما. حیل‌های آنها بسیار متنوع و مختلف و گاه پیچیده بود، اما هیچکدام مثمر واقع نشدند، پس کمیته امنیت شبکه جمهوری اسلامی دست بکار شد تا سه کاف را "هک" کند و افرادی هم مامور اینکار شدند (اطلاع موثق داریم). اما کور خوانده بودند. ما پیشاپیش به این، فکر کرده بودیم. به همین دلیل از همان ابتدا تصمیم گرفتیم که برای سه کاف، به کمک دوست عزیز، یک سرور در یک کشور خارجی، در شرکتی که امنیت شبکه آن حتمی بود، تهیه کنیم. با اینکار حتی اگر هم جمهوری اسلامی پایگاه سه کاف را دستکاری میکرد، فو‌قش برای یکی چند ساعت میتوانست اینکار را بکند،

چون بلافاصله می‌توان با یک تماس با شرکت مربوطه و دادن کلمه رمز که قبلاً به آنها داده‌ایم، بلافاصله پایگاه سه کاف را بحالت اول درآوریم. (قبلاً این احتمال را به آنها داده بودیم) به همین دلیل از این نظر خیال ما راحت است. از این که بگذریم، ما از شناسایی شدن هم چندان واهمه نداریم، ما ایرانیان باید برای آزادی خود، ریسک کنیم، تلاش کنیم، حتی اگر خطرناک باشد، این رمز پیروزی ملت‌هاست. با دست روی دست گذاشتن و منتظر "گودو" نشستن کاری از پیش نمی‌رود.

وقتی "آقایون" استقبال از سه کاف و هرز رفتن آموزش‌های دو دهه‌ای خود در این مدت بسیار کوتاه را که دیدند و فهمیدند کاری برای تعطیل سه کاف پیش رو ندارند، به فیلتر کردن سه کاف دست زدند، اما حیل‌هایشان نگرفت، پس حالا میخواهند مردم را برای

سرپیچی از قوانین جمهوری اسلامی، مجازات کنند، جریمه میکنند، تلفن و اشتراک اینترنت را قطع میکنند، افراد را به دفتر خود میخوانند و آنها را تهدید میکنند و..... درباره ویدئوها، آنتن ها، سنگسار و.... هم اینکارها را کردند، اما اصرار بر ادامه کار و سرپیچی از قوانین الکی جمهوری اسلامی نشان داد که نمی‌توانند ملتی را برای همیشه دربند نگه دارند،

همه این کارها را ما ایرانیان خوب میشناسیم. پس تنها راه مقابله با این ترفند جدید جمهوری اسلامی همانا اصرار بر ادامه کار و شکستن دیوار تازه است. برای اینکار:

- مطالب و مقالات سه کاف بصورت پی دی اف، به یکسری از دوستان ارسال میشود.

- از دوستان و خوانندگان سه کاف میخواهیم که در صورت امکان مطالب سه کاف را کپی کرده و بین دوستان، همکلاسیها و.... پخش کنند.

- دارندگان سایتهای ایرانی، میتوانند هر مطلبی که بخواهند را از سه کاف گرفته و در پایگاه خود چاپ کنند (با ذکر منبع باشد، بهتر است- اما ما اصراری در اینکار نداریم.)

- از دوستان و بستگان خود در خارج بخواهید که مطالب سه کاف را با ای-میل برای شما ارسال کنند.

- دوستان سه کاف در رادیو تلویزیون، وزارت فرهنگ، شرکتهای اینترنت و.... تا حدالامکان و با هر وسیله‌ای که میتوانند، در کار فیلتر گذاشتن مسئولین اخلاقی ایجاد کنند.

- اگر هموطنانی در خارج که امکان مالی دارند، به تاسیس یک شرکت اینترنتی (سرور) خصوصی همت کنند و بتوانند، فضایی را برای علاقمندان داخلی به طرح مسائل جنسی، (بطور مجانی- یا با استفاده از تبلیغات) اختصاص دهند، کارشان فوق‌العاده خواهد بود.

- هر کسی که میتواند، دست بکار شود و یک پایگاه اینترنتی اطلاعات جنسی تاسیس کند.

- دیگر پایگاههای ایرانی بر روی اینترنت، احزاب، نیروها، شخصیتها و.... به طرح وسیع مسائل جنسی بپردازند.

- ما در فکر این هستیم که در آینده آدرس سه کاف را عوض کنیم و با حفظ اسم مجله، اما آدرس آن را بجای سه کاف (قابل شناسایی برای فیلترها) یک چیز عمومی انتخاب کنیم، مثلا (www.iran.com) یا یک چیز مشابه که فیلتر کردن آن آسان نباشد، و همزمان به طرح، فونت و شکل و شمایل سه کاف هم سروسامان دهیم. (اینکار زمان می‌برد.)

- از خوانندگان خود میخواهیم که با ارسال مطالب، اخبار، گزارش، مقالات و.... از دارندگان پایگاههای ایرانی مربوط به مسائل جنسی، حمایت کنند.

- کسانی که امکان و توانایی دارند، سایت سه کاف را با آدرس جدیدی روی شبکه قرار دهند (طوری که اسم سه کاف در آدرس نباشد، اما تمام مطالب سه کاف را آنجا بگذارند) و به ما خبر دهند تا به خوانندگان اطلاع دهیم.

این بهترین موقعیت برای گشودن یک جبهه جدید در مقابل تعلیمات غلط " آقایون "، به چالش کشاندن آنها و ایجاد یک جبهه جدید در برابر جمهوری اسلامی، تصفیه فرهنگ ایرانی از مزخرفات دست و پاگیر و تبدیل جنسیت به یک گفتار ملی و همگانی است. ما منتظر این موقعیت بودیم. سکوت و یا بی‌تفاوتی تک تک ما ایرانیان در اینباره،

فاجعه‌آمیز خواهد بود. در زیر این مطلب آمار ماهانه بازدید از سه کاف چاپ شده که نشان میدهد در ماه گذشته بیش از هشت میلیون بار از پایگاه سه کاف دیدن شده است.

۲ - آهای آقا پسر

از ه.

خیلی دوست داشتم حرف دلم بگم تو هم گوش کنی، فرقی نمی‌کنه
حالا بخون

من تو رو دوست دارم، من همه بدنتو دوست دارم، عاشقشم من، میلیمتر

به میلیمتر بدن لخت تو رو من می‌پرستم، چون دخترم

فکر نکن که فقط تو با دیدن بدن لخت من لذت می‌بری. حرچی تو لذت ببری

من دو برابر لذت می‌برم

دوست دارم وقتی با هم هستیم، لخت باشیم، همونجوری که اومدیم و می‌ریزم.

دوست دارم منو بغل کنی و هر کاری دلت خوست انجام بدی. من دوست دارم

خوش بو باشی، دوست دارم حرفای قشنگ بزنی، هرچی بگی خسته نمی‌شم،

من دوست دارم به من دست بزنی، منو لمس کنی، هر جا که دوست داری،

چون دوست دارم تو حال کنی، من از لذت بردن تو حال می‌کنم.

من کیرتو خیلی دوست دارم، اگه اسمشو بشنوم، کسم تاب تاب میکنه، اگه دست

بزدم، خمارش میشم، اگه تو کسم بره غش می‌کنم.

یه دنیا عشق.

من لباتو دوست دارم. زبری ته ریش نازنینت موقع بوسیدن و لیسیدنم، منو آب

میکنه، یعنی آبمو درمیاره. هیچ میدونی که کیر عشق میاره؟

ذهنیت من نسبت به کیرت خیلی بالاتر از اونیه که تو فکر میکنی، من حتی اگه اهل

سکس هم نباشم، حتی اگه اسمشو هم نیارم، حتی اگه مذهبی‌ترین هم باشم، مطمئن

باش با دیدن کیرت از این دنیا سفر میکنم، چون تو وجودمه.

اگه می‌بینی بعضی وقتا ازت دور میشم و جوابتو نمی‌دم، اما دلم با تو و کیرت دوست.

کیر عشق میاره. اگه نمی‌دونستی، حالا بدون که کیر عشق میاره.

من تشنه‌ام، تشنه کیر، حتی اگه اینو نگم، اما با دیدن کیر آتیش میگیرم.

اگه تو کیرتو به من بدی، حتی فقط یک نیم ساعت، هر چی بخوای بهت میدم، ولی اگه

جلو نیای، حتی حشری هم باشم، باز خودمو سرکوفت میزنم.

آخه تا کی باید از کنارت رد شم و تو کف کیرت خمار بمونم.

میدونم برا تو کس هم عشق میاره اما اثر کیر خیلی بیشتره.

شبا بدون تو کسمو جر میدم ولی فایده نداره، آخه کس من ساخته شده که کیر

تو رو بیلعه.

قبول کن که جربزه نداری اگه دل دل کنی.

اگه از مامور می‌ترسی، نگو نمی‌خوام، بگو یه تو سری خور به دنیا اومدم، بگو هنوز

خوشی ندیدم که بر اش بجنگم.
نگو نمی‌ذارن، بگو کمکشون میکنم که نذارن.
نگو نمی‌ترسم اما نمی‌خوام، بگو می‌خوام اما می‌ترسم.

=====

شعری از الف.

فرو می‌کرد در فرج ضعیفم
مثال چوب هر دم خرزهاش را
دلش می‌خواست می‌خوردم به آخر
تما کیر و حتی خایه‌اش را
چو از سوراخ کس او گشت خسته
برون آورد کیرش و به کون زد
به کونم چون فرو می‌کرد کیرش
دو چشمانم ز درد از جا برون زد
ز جیغ و داد و آه و التماسم
مطول گشت هر دم خرزهاش را
هر آن چه که فریادم فزون گشت
فرو می‌کرد او تا خایه‌اش تو
تمام جسم و جانم گشت خسته
به زیر نعل غول‌آسای آن مرد
کس و کون و لبه‌ایم شده زخم
زپاس شب به نور روز او کرد
دو پستانم بسان غوی مستی
که کیرش را میانش جا کرده
بمالد هر دم و بوسد سرش را
مرا از گردنم تا پای کرده
چو چشمم دید نور صبح دم را
نفسهایم دگر در آخرین بود
ولی او بی‌خیال از درد بنده
برایش کردن من بهترین بود
چو لخت گوشتی بر زیر آن مرد
کسم مانند یک دریاچه خون بود
چو گویم من ز درد کس و پستون
چه گویم من ز سوز مخرج کون.

۳ - سیستم آموزش در ایران

از م. م.

سیستم آموزشی در ایران از همان ابتدای دبستان، دیوار جنسیتی عظیمی را به کودکان تحمیل می‌کند. کودک هفت ساله‌ای که تا دیروز در مهد کودک‌ها و پارک‌ها با همسالانش خارج از نگاه جنسیتی بازی و تفریح میکرد، به ناگاه به جامعه‌ای پرتاب می‌شود که میان او و هر چه تا دیروز داشته، دیوار می‌کشد. کودک هفت ساله دبستانی که هوز بلوغ را تجربه نکرده تا بتواند، هنوز این تفکیک را درک نکرده، سردرگم باقی سالهای تحصیل را به یادگیری حریمها و روابط ممنوعه می‌گذراند.

سیستم آموزشی در تمام سالهای بعد فراموش میکند که زیر مجموعه‌های تحت سلطه‌اش ماهیت انسانی دارند؛ شعور، تفکر و احساس و بلوغ. جشن تکلیف ساده‌ای در نه سالگی دختران و یادآوری وظایف جدید در پانزده سالگی پسران، جوابگوی نیازهای جنسی دانش‌آموزانی نیست که در فضاهای آموزشی به بلوغ می‌رسند، و شاید اولین احساسات بلوغ را در مدرسه تجربه کنند.

سیستم آموزش تمام اینها را به فراموشی می‌سپارد و تنها بر خطابه‌های آموزشی‌اش تاکید می‌کند. احساسات جنسی، نیازهای جنسی، ارتباط جنسی و هرچه در این راستاست جز مفاهیم ممنوعه تلقی می‌شود. اما همین مفاهیم ممنوعه درست در جایی که سیستم اراده به تحمیل اندیشه‌هایش می‌کند، از حصار محدودیت خارج می‌شوند.

سال سوم دبیرستان، کتاب بینش اسلامی درسی با نام حفظ حریم در روابط زن و مرد دارد. در این درس، این مفاهیم و کلمات ممنوعه به راحتی مورد استفاده قرار می‌گیرند، حتی کلمات و مفاهیمی بیشتر از اینها، مثل: تحریک کردن، چشم چرانی، شهوت، جلب توجه و بسیار کلمات دیگر. دانش‌آموزان بیگانه با این مفاهیم (فرض بر پیروزی سیستم آموزش و اینکه دانش‌آموزان خودشان به یادگیری نیازهایشان نپرداخته‌اند) یکباره با دنیای جدیدی از کلمات مواجه میشوند. جالب اینجاست که این کلمات و آموزشها یکسره زنان را محکوم میکند و هرچه فساد در جامعه است از بدی عملکرد آنان می‌شمارد. درسی که هرچند سعی دارد نشان دهد در راستای تعالیم دینی است، اما کاملاً مغایر با اندیشه‌های الهی و تنها از دریچه نگاه مردسالارانه نگاشته شده است.

این درس زنان را به سایه بودن و گاه حتی سایه هم نبودن تشویق می‌کند. رابطه جنسی را که رابطه‌ای است دوجانبه، کاملاً تحت انحصار مردان نشان می‌دهند و زنان را تنها شیاطینی برای جلب توجه و تحریک مردان.

در جایی از این درس آمده: "از نظر اسلام روبرو شدن زنان و مردان تنها باید به موارد لازم و ضروری محدود شود و به بهانه حضور زن در اجتماع حالت اختلاط به خود نگیرد."

مگر حضور زن در جامعه بهانه است؟

فعالیت اجتماعی و استفاده از ظرفیتهای انسانی را چگونه بهانه می‌انگاریم؟

ایا به راستی نظر اسلام این چنین است؟

در زمان پیامبر زنانی مثل ام‌السلمه در غزوات شرکت نمی‌کردند؟ خدیجه همسر

پیامبر جز فعالین تجاری زمان خودش نبود؟

ایا شرکت ام‌السلمه در غزوات و خدیجه در تجارت لازم و ضروری بود؟ یا این زنان

بخاطر داشتن استعدادهای خاص فعالیتهای بیشتری هم داشته‌اند و یا در ساده‌ترین

حالت تنها علاقه به فعالیتهای اجتماعی داشته‌اند؟

در جایی دیگر درباره صحبت کردن زنان نوشته شده که زنان باید در صحبت

کردن خود دقت کنند تا موجب تحریک مردان نشوند. و در مرحله بعد راه رفتن

زنان که باید آرام و به گونه‌ای که موجب تحریک مردان نشود، باشد و پوشش زنان.

نگرش زن ستیز کتاب حتی رنگ لباس زنان را هم از یاد نمی‌برد و در حقیقت

زنان تشویق می‌شوند که تنها سایه‌ای باشند که حضورشان به چشم نیاید.

در جمله‌ای از درس آمده که: "مجموعه حرکات، طرز راه رفتن، لباس پوشیدن،

انتخاب رنگ لباس، لحن سخن گفتن و غیره باید به گونه‌ای باشد که موجب جلب

توجه مردان بیگانه و برانگیختن توجه آنها نشود."

این جملات نه تنها زن را زیر فشارهای جامعه مردسالار خرد می‌کند، که توهین

آشکاری به مردان نیز هست. مردان به موجوداتی تشبیه می‌شوند که حتی رنگ

لباس و یا راه رفتن زنان، آنها را تحریک می‌کند.

سیستم آموزشی فراموش میکند یا شاید نادیده می‌انگارد که دختران و پسران

هفده ساله‌ای که تحت آموزش چنین درسهایی قرار میگیرند، به حقیرترین

نوع اندیشه در باره جنس مخالف خود می‌رسند. اندیشه‌ای کاملاً مبتنی بر رابطه

جنسی. دختران تنها به مقبول مردان شدن می‌اندیشند و اینکه هر حرکتشان،

بیدارکننده امیال جنسی در مردان است و پسران به اینکه زنان فقط برای ارضای

جنسی مردان به دنیا آمده‌اند. چرا که هر حرکت ساده آنها میتواند موجب تحریک

جنسی مردان شود.

در بخش بعدی این درس به زنان آموزش داده می‌شود که چگونه در نظر مردان

عزیز و گرانبها شوند، جملاتی مثل: جمله‌ای از ویل دورانت: "زنان بطور تجربی

دریافته‌اند که دوست و دلبازی مایه طعن و تحقیر است. آنچه بجوئیم و نیابیم

عزیز و گرانبها می‌شود." به جمله دیگری از این کتاب دقت کنید: "احترام حقیقی

به یک زن از جانب یک مرد تنها زمانی امکان پذیر است که آن مرد به دیده آلوده در

او ننگرد."

سخن از اینکه احترام زنان به مردان چگونه بدست می‌آید و یا مردان چگونه در

نظر زنان عزیز و گرانبها می‌شوند نیست. زنان همچون اشیایی تحت تملک مردان

ممنون باش.

۵ - راه عبور از فیلتر

برای دوستانی که فعلاً مشکل خواندن سه کاف را دارند:

۱- استفاده از سایت آینه سه کاف: <http://members.shaw.ca/weblog/3k/>

در ضمن در آدرس زیر نحوه برپایی سایتهای آینه‌ای هم توضیح داده شده است:

<http://members.shaw.ca/weblog/3k/mirror.htm>

۲- استفاده از برنامه‌های ضد پروکسی .

این برنامه‌ها موسوم به " http tunnel " هستند، وبما کمک میکنند که از فیلتر عبور کنیم.

همچنین این برنامه‌ها بصورت رایگان بوده و میتوان بهترین آنها را روی کامپیوتر خود سوار کرد، فقط باید در جستجوگرها مثل www.google.com بدنبال آنها بگردید.

۳- استفاده از سایتهایی که میتوانند سایتهای فیلتر شده را باز کنند، مانند:

www.anonymizer.com و یا www.guardster.com

و یا www.noproxy.com

۴- میتوان وارد سایت گوگل شد و در سطر جستجوی آن آدرس کامل سه کاف را نوشت (<http://www.cekaf.com>) (توجه کنید که <http://> قبل از آدرس

یادتان نرود.

۵- سرورهای فیلتر دار را تحریم کنید و از سرورهایهایی که فیلتر نمی کنند، استفاده نمائید.

۶- اگر باز هم مشکل داشتید، ما میتوانیم نسخه سه کاف را بصورت پی دی اف برایتان ارسال کنیم.

۶- با بیماری هپاتیت (یرقان) آشنا شویم

سه نوع ویروس هپاتیت وجود دارد، هپاتیت آ، ب. و ث.

نوع آ و ب هپاتیت معمولی تر است اما نوع آخری (ث) که

خطرناکتر از دو نوع اول می باشد، در اواخر دهه ۸۰ میلادی یعنی حدود ۱۴ سال پیش توسط دانشمندان شناخته شد.

هپاتیت کلا یک بیماری کبدی است که باعث آماس و تورم کبد شده و میتواند به مرگ هم منجر شود.

هپاتیت آ، معمولاً از طریق آب و غذا به افراد سرایت میکند، اما ویروس

هپاتیت ب. بیشتر از راههای مقاربت جنسی بدون کاپوت و یا استفاده از سرنگ‌های آلوده (و مشترک) در بین معتادان، سرایت می کند.

هیپاتیت دارای یک کمون چند هفته‌ای تا چند ماهه می‌باشد. وقتی فردی به هیپاتیت آلوده می‌شود، ممکن است حالت سرماخوردگی داشته و این عارضه از بین برود، اما فرد همچنان آلوده است و میتواند باعث آلودگی دیگران هم بشود. البته کسانی هم هستند که هیچگونه علائم اولیه از آلودگی به این ویروس را نشان نمی‌دهند.

درمان خاصی برای هیپاتیت وجود ندارد، جز استراحت کامل، غذاهای خوب و داروهای ضد آماس و التهاب. با اینهمه در حدود ده درصد از مبتلایان، بیماری آنها به یرقان مزمن تبدیل می‌شود.

ویروس هیپاتیت ث. که از دو نوع دیگر خطرناکتر است، از جمله از طریق خون، خالکوبی با وسایل آلوده شده، و سکس بدون کاندوم سرایت می‌کند. دلیل خطرناک‌تر بودن هیپاتیت ث. به این دلیل است که این ویروس همچون ویروس ایدز از قدرت مانور بیشتری در بدن برخوردار است. همینجا جواب خیلی از سئوالات احتمالی دوستان را بدهیم که:

لازمه اینکه فردی به ویروس هیپاتیت آلوده بشود، این است که شخص با یک فرد آلوده به این ویروس، از آن نوع تماسی داشته باشد که باعث انتقال ویروس میشود. مثلاً سکس بدون کاپوت، گرفتن خون، استفاده از مسواک و یا تیغ ریش تراشی طرف. ویروس هیپاتیت هم مثل ویروس ایدز هم مختص گروه و یا قشر خاصی نیست، هر کسی ممکن است در معرض بیماری یرقان قرار بگیرد.

احساس خستگی، اسهال، شکم درد، زرد شدن سفیدی چشم و یا پوست بدن، عدم اشتها، تب و احساس سرماخوردگی دراز مدت از جمله علائم این بیماری است.

همانطور که در بالا گفته شد، ممکن است در یک فرد آلوده، هیچکدام از این علائم بروز نکنند و یا خیلی خفیف، یا اینکه فقط یکی از این عوارض مشاهده شود. برای تشخیص بیماری، حتما باید به پزشک مراجعه کرد. با یک آزمایش ساده خون میتوان بیماری را تشخیص داد. البته هستند پزشکانی که بافت برداری یا همان (Biopsy) را برای انجام آزمایشات میکروسکوپی تجویز میکنند که کار نسبتاً ساده‌ای است (با سوزن ظریفی یک بافت کوچکی را از کبد جدا میکنند و آن را تحت آزمایش قرار می‌دهند).

بیش از هشتاد درصد افراد آلوده به هیپاتیت ث. دارای یرقان مزمن میشوند. این کار ممکن است تا ۲۰ - ۱۵ سال هم طول بکشد.

البته در بعضی از کشورها با یک سری معالجات پیشرفته توانسته‌اند که بیماران را معالجه کنند اما فقط تعداد بسیار محدودی و نه همه بیماران را.

با توجه به اهمیت کبد در بدن و سلامتی انسان، آنوقت تنها راه باقی مانده همانا پیوند کبد است.

بهترین، کم خطرترین و ساده‌ترین راه این است که همیشه سکس کم خطر را رعایت کنیم، یعنی از کاپوت استفاده کنیم، با اینکار هم خود را سالم نگه داشته‌ایم، هم شریک جنسی خود، و هم به مسئولیت اجتماعی خود در حفظ و مراقبت از بهداشت عمومی جامعه، عمل کرده‌ایم. آزادی و احساس مسئولیت لازم و ملزوم یکدیگرند.

چاپ نظرات خوانندگان در سه کاف به معنای رد و یا تأیید نظرات آنان نمی‌باشد بلکه با هدف ایجاد یک فضای گرم و صمیمی برای تبادل نظر خوانندگان است.

۷- دو نظر

نظر اول - مذهب و محدودیت (دو میم جدا نشدنی)

(از س. د.)

من سعی می‌کنم به مسائل جوری که هستند، بنگرم.

در اینجا می‌خواستم در باره موضوعی که احتمالاً از تیتراژ متوجه شده‌اید، در باره مذهب و نقش آن در زندگی (در واقع سیاه بختی) مردم ایران بگویم.

مطلب را با یک مثال از قرآن شروع میکنم تا آن دسته از خوانندگان مذهبی سه کاف متوجه شوند که کتاب روشنی بخش!!! آنها در واقع چیست.

۱- [اگر شما را بیم آن است که در کاریتیمان عدالت نورزید، از زنان هرچه شما را پسند

افتد، دو دو، یا سه سه، و چهار چهار به نکاح درآورید. (قرآن - سوره زنان)

اسلام به مردان حق می‌دهد که هر کسی را که دوست داشتند به عقد خود درآورند

ولی زنان چنین حقی را ندارند و این اولین حق زنان در اسلام است!!!!!!

۲- یکی دیگر از احترامات و شخصیت دادن به زن در اسلام را میتوان در تفسیری که

آخوند روشنفکر! علامه مجلسی از حال و روز پیامبر در جنگ ارائه می‌دهد، اینطور است

که [محمد با زنان خود در باره جنگ همفکری میکرد و هرچه آنان میگفتند برعکس

آن کار را انجام میداد] (از حلیله المتقین)

۳- [هر مسلمانی که ببیند که دو مرد با هم رابطه جنسی دارند این حق برای او ایجاد

میشود که هر دو آنها را به قتل برساند و جامعه را از وجود آنها پاک کند تا دیگران در امان

باشند]

۴- اسلام به زن مانند کالائی نگاه میکند که هیچ ارزش دیگری برای اجتماع به غیر از

ارضای هوسهای مرد ندارد و مردان صاحب این کالا هستند.

این را بیشتر برای آن کسانی نوشتم که قیافه روشنفکری گرفته و میگویند که ما مسلمان

واقعی هستیم و به کارهای جمهوری اسلامی کاری نداریم.
اما برای این دوستان عزیز باید اعلام دارم که مذهب از هر نوعش مخالف آزادی است،
آزادی همه جوره....آزادی فکری....آزادی بیان و عقیده....آزادی جنسی....و همه چیز.
اسلام یک رابطه مبتنی بر شناخت دوطرف را اصلاً محترم نشناخته و فقط میگوید "اگر
از کسی با یک نظر شرعی!!!! خوشتر آمد با هدایای فراوان به خواستگاری او بفرست"
(احتمالاً هدایا برای گول زدن طرف میباشد.)
خلاصه در جامعه ما فرهنگ غلطی حاکم است که خود مردم از بوجود آوردن آن
هستند و در ماندگار شدن این عقاید عصر حجری مؤثرند.
ما باید بلند شده و یک انقلاب فرهنگی به همراه انقلاب سیاسی در جامعه بوجود آوریم تا
از وضع کنونی رهایی یابیم، چرا که چه اسلام و چه جمهوری اسلامی در محدود کردن
آزادی ما مؤثر است. ما باید دست مذهب را از زندگی خود بیرون ببریم.

=====

نظر دوم - هیچ جای اسلام مردسالاری وجود ندارد

(از یک خواننده مسلمان)

باسمه تعالی

من شخصاً با صد در صد مطالب چاپ شده در نشریه شما موافق نیستم ولی یک اصل
برای خودم دارم که نظریات همه قابل احترام است. به همین دلیل خیلی از مطالب و
نظریات منابع مختلف و از جمله نشریه شما را میخوانم. در حین مطالعه، مطلبی تحت
عنوان "مذهب / ناموس و کج فکری ما" به نکاتی برخورددم که بر آن شدم تا این مطالب را
برای شما بنویسم.

من با این موضوع مخالف نیستم که عقاید بسیار نادرستی را تحت عنوان دین در موارد
مختلف بکار می‌بریم، اما مخالفین هستیم که اشخاصی که اطلاعات کاملی راجع به
دین ندارند، در این رابطه اظهار نظر کنند.

مسئله مهمی که اینجا لازم به تذکر میدانم، این است که مطالبی که به عنوان دین
اسلام به خورد مردم ما داده میشود با اسلام واقعی زمین تا آسمان تفاوت دارد. به
آسانی نمی‌توان با نگاه کردن به تنها بخشی از یک کتاب کامل (یک آیه از قرآن) راجع
به معنای آن اظهار نظر نمود.

هیچ جای اسلام مردسالاری وجود ندارد و تمام موارد توصیه شده تنها جهت محافظت
از زن به دلیل ضعف قدرت بدنی نسبت به مرد است و نه در جایی که خود زن تمایلی
به استفاده از این محافظت نداشته باشد. در اسلام زنان به اندازه مردان، نه بیشتر و نه
کمتر، حق دارند و این معنای کامل برابری است. ما در منابع تاریخی صدر اسلام

ماجرای موثقی داریم که این موارد را اثبات میکند، اما متأسفانه به دلیل منفعت، مصلحت و یا چیز دیگری که من اطلاع کاملی از آن ندارم، علمای دین در کشور ما بجای اسلام، چیز دستخوش تغییر شده‌ای را به ما تحویل می‌دهند که واقعاً فقط به درد عبادت کردن می‌خورد و نه استفاده در زندگی.

این اسلام یک دین کامل است که در تمام موارد زندگی، نا را به بهترین نحو رهنمون است و به تأکید همین دین، عقل انسان یک منبع کاملاً قابل قبول است و بسیار استفاده از عقل و فکر و ورزیده کردن آن توصیه شده است که همه اینها منافاتی با مفهوم کلی مطالبی که شما سعی به ترویج آن در این نشریه دارید، ندارد، بلکه تا حدودی بسیار هم موافق است، اما تا جایی که رقل سلیم حکم کند. بسیاری از تعالیم و محدودیتهای ذکر شده، تنها جهت جلوگیری از افراط و تفریط است که از مطالب شما چنین برمی‌آید که شما هم با آن مخالفید. در یک کلام عقل سلیم، حکم اسلام و حکم سلام، عقل سلیم است، پس دلیلی برای عدم استفاده از تعالیم دین اسلام (البته اسلام واقعی) در مسائل زندگی وجود ندارد. با تشکر فراوان - یک خواننده مسلمان.

==== چند نکته از سه کاف

در طول تمام تاریخ بشری، از هر مذهب و ایدئولوژی، انواع و اقسام برداشتها شده و میشود، گویا اصلاً در ذات اینگونه سیستمهای فکری است که چنین چیزی را باعث میشوند. برای نمونه چه در یهودیت، مسیحیت و چه در اسلام، می‌بینید که انواع و اقسام شعبه‌ها و دسته‌ها هست. علمای هر دسته و شعبه‌ای هم هر کدام برای خودش واقعاً یک فیلسوف است. مکاتب فکری دیگر هم همینطور هستند، مثلاً ببینید چقدر حزب و گروه و دسته هستند (در تمام کشورها) که خود را پیرو کمونیسم یا سوسیالیسم میدانند اما هر کدامشان یک چیز می‌گویند و برداشت خودش را درست و دیگر کمونیستها را بقول معروف رویونیست میدانند.

توی همین ایران خودمان، در همین بیست و چند سال اخیر نگاه کنید، ببینید که خود علمای مذهب حاکم هم با هم اختلاف نظر دارند. یا همین اختلاف قرائت از اسلام بین جبهه دوم خرداد و دیگران. این مسائل همیشه بوده و خواهد بود و نمی‌توان همچنان منتظر نشست تا همه مردم درست به همان برداشتی برسند که من نوعی دارم. از آن گذشته نمی‌توان این را هم درخواست کرد که همه مردم باید علامه و یا فیلسوف شوند. مردم کار خودشان را دارند.

به همین دلیل بحثهای موافقان و مخالفان (نمونه بالا) همیشه بوده و همینطور ادامه خواهد داشت. پس چاره چیست؟ خیلی ساده: پذیرش چند اصل کلی و عمل

کردن به آنها:

۱- بپذیریم که هر کسی حق دارد مذهب، فکر و برداشت خودش را از مسائل داشته باشد، هر چند که این برداشت ممکن است موافق برداشت ما نباشد. همچنین هر کسی میتواند به هر مذهبی که میخواهد، بپیوندد و یا مذهب خود را کنار بگذارد. این یک اصل پذیرفته شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر است.

۲- با توجه به اینکه از نظر تاریخی، از ادیان، مذاهب و ایدئولوژیهای مختلف برداشتهای گوناگونی میشود و با توجه به اصل اعلامیه حقوق بشر که در بالا ذکر شد، پس بیائیم مذهب و ایدئولوژی را از حکومت و سیاست جدا کنیم. چون اگر حکومت مذهب و یا ایدئولوژی را قبول کنیم، تضمینی وجود ندارد که حاکمان، برداشت خود از مذهب را بر دیگران تحمیل می کنند، از این گذشته، تکلیف مردمی که دین و

مذهب دیگری دارند، چه میشود؟ (کسی نگوید در اینصورت باید حق آنها محترم شمرده شود- چون اصلاً عملی نیست. - یک دختر مسیحی به حجاب اعتقاد ندارد ولی در کشور ما مجبور است رعایت کند و.....)

۳- همانطور که ما از تجربه کشورهای پیشرفته تر از خودمان، در زمینه اینترنت، صنایع و غیره استفاده میکنیم، از تجربه آنها در ساختن دموکراسی هم استفاده ببریم. تجربه همه این کشورها نشان میدهد که دموکراسی و رعایت حقوق بشر، یک حکومت سکولار و عقلانی کردن حکومت (بجای مذهبی کردن آن) بهترین تضمین برای پرورش استعدادها و رشد یک کشور است. و همینطور اگر حکومت اشتباهی هم بکند، این اشتباه به حساب دین (و احیاناً بدبینی از آن) نوشته نخواهد شد،

میدانیم که ممکن است بعضی ها بگویند، ما یک کشور اسلامی هستیم. جواب این دوستان این است که کشورهای غربی هم مسیحی هستند، و اگر مسیحیت حاکم بود، (مثل قرون وسطی)، آنها امروز اینجایی که هستند، نمی بودند. ساختن دموکراسی مرادف بی دین شدن نیست. بلکه به معنای پذیرش این اصل است که دین یک مسئله شخصی و خصوصی است و فرد نباید تعالیم دین خود را به دیگران تحمیل کند. تازه افراد مذهبی در کشورهای دارای دموکراسی، از تعداد مذهبیون کشور ما کمتر هم نیستند.

۸- اعتراض به سه کاف

موقعی که تصمیم به انتشار سه کاف گرفتیم، حدس زدیم که تعداد زیادی به ما اعتراض کنند و خود را آماده دریافت کلی نامه های پر از فحش و ناسزا

کردیم، اما برخلاف تصور، با سیلی از نامه‌های حمایت و تشکر و اعلام آمادگی برای همکاری مواجه شدیم. بیش از هشت میلیون بار بازدید در یکماه از سه کاف، سیل نامه‌ها، مطالب و ... خود گویای نیاز شدید جامعه ما به طرح مسائل جنسی است. شاید باور نکنید، اما تعداد کل نامه‌های اعتراضی به سه کاف، در طول این شش ماه، فقط ۱۶ عدد بوده، که چهارتای آنها، بعد از انتشار شماره ۲۴ و در رابطه با عکس روی جلد مجله می‌باشند. با اینهمه، حق این دوستان معترض است که صدای آنها هم در سه کاف منعکس شود. به همین دلیل در زیر موارد اعتراض این دوستان را مطرح و سعی می‌کنیم به آنها جواب دهیم. قضاوت نهایی با خود خوانندگان است، از آن گذشته، وجود اختلاف نظر، یک امر طبیعی است و ما با جوابهای خود قصد قانع کردن این دوستان معترض را نداریم، بلکه می‌خواهیم نظرات خودمان را بیشتر توضیح دهیم.

۱ - محتوای چهار نامه اعتراضی در باره عکس شماره ۲۴ این بود که:

چرا در عکس روی جلد شماره ۲۴، طرف، نام مقدس ایران را روی کیر خودش نوشته؟ این یک توهین به ایران، همه ایرانیان و غرور ملی ما ایرانیان است. شما با اینکار حس ایرانی بودن را از جوانان می‌گیرید، کمی هم به مسائل ملی فکر کنید، ما از سه کاف چنین انتظاری نداشتیم.

جواب: فکر کنید که حمید (صاحب عکس روی جلد شماره ۲۴) یک دونده مشهور ایرانی بود و روی پیشانی یا رانهای خودش کلمه ایران را می‌نوشت، آنوقت آیا شما دوستان اعتراضی هم می‌کردید؟ مسلماً نه. پس چرا وقتی یک جوان با این تصور که دوره آزادی جنسی در ایران فرا رسیده، می‌آید و کلمه ایران را بر روی کیر خودش بعنوان یکی از سمبل‌های جنسیت می‌نویسد، اعتراض می‌کنید؟ آیا این به دلیل بد بودن سکس در ذهن نیست؟ آیا این به این دلیل نیست که ما وقتی با کسی دعوا می‌کنیم، می‌گوئیم "خواهرت را می‌گایم" یا "کیرم تو دهن" و امثال اینها؟ یعنی جنسیت، سکس، فرو بردن کیر در دهان و یا... را یک چیز زشت و منفی تلقی می‌کنیم (حتی بسیاری که ادعای مخالفت با جمهوری اسلامی را دارند هم چنین تفکراتی دارند). چرا نوشتن کلمه ایران بر روی پیشانی، سینه، ران، دست و... اشکالی ندارد ولی نوشتن آن روی کیر زشت است، به غرور ملی شما می‌خورد و.....

غرور ملی ما زمانی جریحه‌دار میشود که می‌شنویم یک جوان هموطن از روی ناچاری، نداشتن امنیت، بی‌آینده بودن و... مجبور به ترک خانواده و کشور خود میشود و به امید آزادی در سرزمین‌های دیگر، رنج غربت و دربدری را بر جان می‌خرد و از زادو بوم خود می‌گریزد تا بعداً در دریای اژه و یا خلیج فارس طعمه کوسه‌ها و امواج دریا شود. غرور

ما زمانی جریحه‌دار می‌شود که ببینیم ما مثل همه مردم دنیا نمی‌توانیم با کارتهای اعتباری از طریق اینترنت خرید کنیم، زمانی که وقتی در فرودگاهی پاسپورت ایرانی در دست ما می‌بینند، از ما انگشت‌نگاری می‌کنند، یا اصلاً به ما ویزا برای ورود به کشورهای دیگر را نمی‌دهند. چون میدانند که ایران یک کشور پناهنده خیز است. غرور ما زمانی جریحه‌دار می‌شود که مشتی آخوند عهدحجری بر کشور و سرزمین و زندگی ما مسلط میشوند و هرطور که میخواهند با ما رفتار میکنند و ما نیم قرن آنها را همچنان تحمل می‌کنیم و با همه مخالفتها با آنها، اما فلسفه تفکرات آنها درباره مسائل گوناگون از جمله سکس را ناآگاهانه و بدون تفکر وارد زندگی خود کرده و هرکدام از ماها یک آخوند میشویم. غرور ما زمانی جریحه‌دار می‌شود که پدری از شدت فقر مجبور به فروش دختر خود میشود، یا یکی از کلیه‌های خود را می‌فروشد تا نان کودکان خود را درآورد، غرور ایرانی ما زمانی جریحه‌دار میشود که

اعتراض دیگر: اینکار شما توطئه غرب است برای منحرف کردن ذهن جوانان؟
جواب: ما ایرانیها برای گریز از مسئولیت‌پذیری در شکل دهی سرنوشت خود همیشه آسانترین راه را انتخاب می‌کنیم یعنی بجای کنکاش در چراها و یافتن پاسخ، فوری از خود رفع تکلیف کرده و میگوئیم این توطئه است، حالا فرقی نمی‌کند که موضوع چی باشد. آیا دادن اطلاعات جنسی درست، منحرف کردن اذهان جوانان است یا آموزشهای غلط در مدارس؟ آیا ارائه اطلاعات صحیح جنسی و تشویق برابری زن و مرد در روابط جنسی توطئه است یا سکوت در اینباره و کمک به ادامه نادانستنی‌های جمعی ما ایرانیان؟ وانگهی اگر فکر میکنید این توطئه غرب است، در خود غرب این مسائل را خیلی بیشتر، مفصل‌تر و آموزش میدهند ولی آیا جوانان آنها منحرف شده‌اند؟ از علم و تکنیک کم آورده‌اند؟ نویسنده کم دارند؟ و

اعتراض دیگر از دوست دیگری بوده که در نامه محبت‌آمیز خود از ما گله می‌کند " که چرا شما لواط را که در قرآن بشدت با آن برخورد شده، یک امر عادی تلقی می‌کنید، اگر لوط یک چیز عادی بود، باید همه انسانها این احساس را میداشتند."

جواب: تجارب زندگی نشان داده که ما برای آزادی، دمکراسی، حقوق بشر، و ایجاد جامعه‌ای خالی از سرکوب و تحقیر و ظلم به انسانها، باید روابط جمعی و اجتماعی خود را عقلانی کنیم و برای حفظ احترام مذهب، آن را از وسیله‌شدن در دست دیگران بکوشیم. برای اینکار مذهب باید یک مسئله و اعتقاد شخصی و خصوصی هر فردی شود. و اجتماع و قوانین دنیوی براساس علم و منطق استوار باشند. علم میگوید که همه انسانها یک جور نمی‌اندیشند، یک جور غذا نمی‌خورند، یکجور

موسیقی گوش نمی دهند، یک جور سکس ندارند و..... علم همچین میگوید که سلیقه‌ها و گرایش‌های جنسی هم یکجور نیستند. پس اگر کسی میخواهد بر اساس آموزشهای دینی خودش، سلیقه و گرایش جنسی خودش را تنظیم کند، حرفی در آن نیست و قابل احترام، اما نمی‌توان با این بهانه، مسائل علمی را آموزش نداد یا از همه بخواهیم که براساس آموزشهای دینی این یا آن فرد زندگی و احساسات خود را تنظیم کنند. گرایش به همجنس همیشه و در همه جوامع بشری بوده و هست. این کاملاً طبیعی است و نباید همجنس خواهان را براساس قوانین غیر عقلانی سرکوب کرد. تازه مخالفت با همجنس خواهی یک قانون اسلامی نیست، اولین بار این مسئله در دین یهود مطرح شد و سپس به مسیحیت راه یافت و بعد به اسلام رسید، بی جهت نیست که یهودیان و مسیحیان متعصب هنوز هم با آزادی همجنس خواهان مخالف هستند اما جوامع غربی با عقلانی کردن روابط اجتماعی خود، هم حریم مذهب مسیحیت را محترم شمرده‌اند و هم آزادی انسانها از جمله همجنس خواهان را تضمین کرده‌اند. نه تنها آب از آب هم تکان نخورده که پیشرفت علم، دموکراسی، حقوق بشر و... در جوامع خود را هم تضمین کرده‌اند. ما ایرانیان برای در مسیر پیشرفت و ترقی قرار دادن کشور خود راهی جز این نداریم.

اعتراض: در "صیغه و دوم خردادی‌ها" به صیغه به عنوان یک معضل نگاه شده و در صورتی که به یک خانم شوهردار که خود فروشی کرده و شوهرش اطلاع ندارد، به عنوان یک فرهنگ معرفی می‌شود!! (سه کاف شماره ۱۴ و توضیح آن)

از طرفی سایت خود را علمی می‌کنید و به مسائل علمی و پزشکی پرداخته و اطلاعات بسیار مهم در رابطه با سکسولوژی می‌دهید.

در شماره‌ای دیگر به مسائل سیاسی پرداخته و موضوعات دیگری مطرح می‌شود؟! در داستانهای سکسی خود تا توانسته‌اید و یا نویسنده‌ها به هرج و مرج پرداخته شده و هرج و مرج اجتماعی که زمانی شما هم اگر دارای فرزند و یا همسر و یا خواهر و مادر باشید قطعاً نه خود را به جای شخصیت‌های داستانی می‌گذارید که ممکن است مادر و یا..... باشند که فقط صورت آنها فرق کرده است.

اگر چه نیاز ایجاد یک فرهنگ از دست دادن شعور اجتماعی و قربانی شدن خیلی از مسائل است ولی یک مرجع می‌تواند خود این آگاهی‌ها را بدهد، به عنوان مثال جدا کرده مقالات سکسی با مقالات سیاسی و اعتقادی و....

به نظر می‌رسد که هر کلام و هر نکته جا و مکان خاصی دارد. شما بعنوان یک سایت فارسی سکسی اقدام کنید بدون آموزش و یا مقالات سیاسی و غیره. مطمئناً طرفداران خود را

از دست نمی‌دهید.

ولی آشی که شما می‌پزید در سایتتان به قول دوست مریم خانم (در شماره آخر) به درد جلق زدن و یا حشری کردن افراد و مردم آشنا به اینترنت خواهد بود.

راستی یادم رفته بود می‌خواستم از شما سؤال کنم که شما هم کارشناس پزشکی دارید هم اجتماعی و هم حقوقی و روانشناس و سکس؟ بسیار جالب است به هر حال به شما توصیه می‌شود تا مطالبتان را جهت دار نمائید و از پراکنده‌گویی بپرهیزید و در مورد کلیه مسائل با یک کارشناس مجرب مسائل را مطرح کرده تا واقعاً بتوانید دردی از دردهای ایران عزیزمان را حل کنید. شما که اینهمه انرژی مصرف می‌کنید و چهار یا پنج میلیون نفر هم شما را بازدید می‌کنند! پس چه بهتر در راه درست بهره‌برداری شود.

جواب: در هر شماره سه کاف، فقط یک مطلب از آن گردانندگان مجله است و آنهم اولین مطلب هر شماره می‌باشد، بقیه مطالب را خود خوانندگان برای چاپ ارسال کرده‌اند. این را حتماً میدانید که انتشار نظرات مختلف بمعنای رد یا تأیید این نظرات نیست، بلکه جهت دامن زدن به بحثها و فرصت دادن به هر کسی که حرف و نظر خودش را مطرح کند. مقاله " صیغه و دوم خردادی‌ها" - سه کاف شماره ۱۴ را یکی از خوانندگان با نظرات نزدیک به نیروهای موسوم به "دوم خردادیها" برای ما ارسال کرده بود. در آن مقاله از صیغه دفاع شده بود. هر چند ما با مسئله‌ای بنام صیغه موافق نیستیم، اما با این وجود مقاله را چاپ کردیم.

درباره زن شوهر دار، ما به هیچوجه به خود اجازه نمی‌دهیم که درباره روابط خصوصی افراد نظر دهیم یا بدتر از آن درباره کار کسی قضاوت کنیم، ما تلاش میکنیم که دیگران را درک کنیم. زن (یا مردی) که پشت سر شریک زندگی خود به ایجاد رابطه با دیگران می‌پردازد، ممکن است دلائل خاص خود را داشته باشد، ما این را نه محکوم می‌کنیم و نه تأیید. مسائل بین زن و شوهری و همچنین جنسیت انسان در کل بسیار پیچیده‌تر از آن هستند که ما بخواهیم به خود حق دخالت در زندگی انسانها را بدهیم. تازه شرایط اجتماعی، فرهنگی را هم به این پیچیدگی اضافه کنید. به اعتقاد ما هر چه مسائل جنسی در جامعه شفاف‌تر شوند، ما یک قدم به حل این پیچیدگی نزدیکتر شده‌ایم.

در داستانهای سه کاف، هرج و مرج نیست. این داستانها با همه نواقصی که در عرصه داستان نویسی دارند، یا واقعی هستند یا فانتزی. و بیشتر در باره اعمال سکسی دو نفره (یا چند نفره) می‌باشند. یکی از کارکردهای اینگونه داستانها حشری کردن خواننده است. بله که طرف آنها را بخواند، حشری شود و جلق بزند یا اگر کسی داشته باشد با او یک سکس دیش انجام دهد. یکی دیگر از اهداف ما از چاپ داستانها، بخش آموزشی آنهاست. کس لیسیدن و یا کیر مکیدن یک بخش از اعمال سکسی است

اما خیلی از ما ایرانیان اینکار را کثیف، غیر مشروع و یا.... میدانیم، اصلاً خیلی از ماها نمی‌دانیم که میشود اینکارها را هم کرد. خواندن اینگونه داستانها به بهتر شدن کیفیت سکس مردم منجر میشود. هزاران نامه تشکرآمیز از جوانان و زن و شوهرها بدست ما رسیده که استفاده از تجربیات نویسندگان داستانها یک تحول کیفی در روابطشان ایجاد کرده است.

از اینها که بگذریم، ما نمی‌دانیم شما از هرج و مرج چه تعریفی دارید؟ اگر پسر و دختری با هم دوست باشند، دست در دست هم در خیابان راه بروند و حتی از هم لب بگیرند را ما هرج و مرج نمی‌نامیم. اما اینکه خانواده‌ها، در شب اول عروسی پشت در اتاق منتظر بنشینند تا آقا داماد دستمال خونین و باکره‌بودن عروس را نشان دهد، هرج و مرج و دخالت در زندگی عروس و داماد میدانیم. فشارهای فرهنگی و... بخصوص به دختران در عرصه ملی و کشوری که دیگر جای خود دارد. اینکه برادری، خواهرش را کتک بزند، در خانه حبس کند و یا بدتر از آن، او را بکشد، را هرج و مرج، بی قانونی و عقب‌ماندگی می‌دانیم.

اینکه ما در هر زمینه‌ای کارشناس باشیم، نه اینطور نیست. سه کاف اشکالات زیادی هم دارد، هیچ ادعایی هم نداریم. کارشناس هم نیستیم. ما فقط اطلاعات و آموزه‌های خودمان را با علاقمندان تقسیم می‌کنیم، همین. جهت‌دار کردن سه کاف زمانی میسر است که در کشور ما آزادی باشد و هر کس آزادانه حرف خودش را بزند، آنوقت با شما موافق خواهیم بود که هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد. اما همه مسائل ما ایرانیان امروز به هم گره خورده است.

پرداختن به سیاست در سه کاف را در سخنی با خوانندگان (شماره ۲۲ و ۱۸) توضیح داده‌ایم. اینجا هم اضافه کنیم که ما عمیقاً بر این اعتقادیم که با رژیم جمهوری اسلامی (چه مذهبی باشیم و چه نباشیم)، به آزادی جنسی نخواهیم رسید، و صادقانه این را به خوانندگان خود میگوئیم. کسی نمی‌تواند برای آزادی جنسی در ایران امروز تلاش کند اما چشم‌های خود را بر اعمال سرکوب‌کنندگان این آزادی ببندد. ما نمی‌خواهیم به خودمان و خوانندگان سه کاف دروغ بگوئیم.

مقبول بودن "آشی" که بقول شما، ما می‌پزیم، را تعداد دفعات بازدید از سه کاف نشان میدهد. هشت میلیون بار بازدید از سه کاف در ماه گذشته خود گویاتر از هر چیزی است.

۹- پری و علی

(تمام اسامی داستان مستعار هستند.)

من پری هستم، ۳۱ ساله. یک پسر دارم به اسم نادر. پرستاری خوندم و فعلاً در مطب یک دکتر متخصص زنان کار می‌کنم. خسرو، شوهرم دبیر ریاضیه. مرد بسیار و راسگو و مهربانی است. زندگی خوبی داریم، اما یک مشکل مهم از همان اول بین ما بوده؛ من بسیار پر جنب و وش و شاد و با حرارت هستم اما خسرو درست بر عکس منه؛ کم حرف و آرام و البته سرد مزاج. از همون شب اول عروسی، متوجه شدم که یه فرق مهم بین من و خسرو هست؛ در خالیکه من سکس رو می‌پرستیدم، او با یه جور تابو به سکس نگاه میکنه، چه جوری بگم؟... برای او سکس یه جور انجام وظیفه هست که هر دو - سه ماه یه بار و برای رفع تکلیف انجامش میده... اونم بشکلی که داد میزنه مجبور شده... بدتر از همه اینکه اوون به خیال خودش خیلی آدم تمیزی هستش... یعنی تمام آن چیزهایی که من عاشقش هستم رو کثیف می‌دونه... نه اینکه فکر کنین منظورم لیسیدن و سکس از راه کون و از این حرفا باشه... نه بابا، او حتی از بوسیدن لبهای منم خودش نمی‌آد و حداکثر فقط صورتم رو میبوسه... تازه بعد از سکس، هم خودش دوش میگیره و هم منو مجبور میکنه که دوش بگیرم. می‌دونین چی میگه؟ میگه این آبها که از ما می‌آد، کثیفه... حالا فکر کنین که من عاشق خوردن کیرش باشم و یا دوست داشته باشم که اون کس ام رو لیس بزنه. نه بابا، من به همون هفته‌ای یه بار خشک و خالی اش هم راضی ام... خدا میدونه که تو این چند سال، چه شبها که ازش التماس کردم و اون هم خودشو به خواب زده... خدا میدونه که چقدر دوش آب سرد گرفته‌ام و با حرص خوابیدم. این وضع و حال ما ادامه داشت تا اینکه یه روز نزدیک ظهر داشتم توی حیاط خونه رختها رو تو ماشین لباسشویی می‌ریختم. خونه ما اصلاً مشرف نداره و من مثل همیشه لباسمو هم درآوردم و ریختم توی ماشین و میخواستم بعدش برم حمام. نمی‌دونم تا حالا شده حس کنین که نگاه یه نفر از پشت رو شما سنگینی میکنه یا نه؟... من یه لحظه حس کردم که یه نفر داره از پشت بمن نگاه میکنه... برگشتم و دیدم علی پسر همسایه از بالای پشت بوم خونه ما داره منو دید میزنه! من فقط شرت پام بود... خیلی عصبانی شدم... آخه علی داشت خودشو برا کنکور آماده میکرد و جزو شاگردای خصوصی خسرو هستش و هفته‌ای دوبار می‌آد خونه ما برا درس گرفتن.

صبر نکردم و با عجله دویدم تو خونه و اینقدر عصبانی بودم که میخواستم تلفن رو بردارم و به مامانش زنگ بزنم ولی در اوج عصبانیت یه مرتنه یه حس عجیبی بهم دست داد... هم عصبانی بودم و هم حس میکردم که تحریک شده‌ام. من با وجود اینکه خسرو سرد مزاجه و با وجود اینکه همه فکر میکنن به پرستار حرجی نیست... خیلی هم خوددار بودم و هنوز نشده بود که به خسرو خیانت کنم.

اما اوون روز یه جور دیگه بودم.....کم کم عصبانیتم خوابید و از فشار تحریک، شدم یک پارچه آتش..... رفتم حموم و یه جلق مفصل زدم.... اما جلق زدن نتونست ارومم کنه.... میدونین، انگار سالها صبر جونمو به لبم رسونده بود.

جرئتشو نداشتم کاری کنم....هنوز بود.... شب موقع خواب همون آش و همون کاسه بود... خسرو زود خوابید و خرو پفش رفت هوا.... من مثل دیوونه‌ها شده بودم..... رفتم یه چرخی تو خونه زدم، یه سری به نادر زدم و سعی کردم خودمو با تلویزیون سرگرم کنم.... اما یه حس عجیبی تو تنم بود..... میدونین؟ کیر میخواستم و بدجوری هم میخواستم. بی اختیار تلفن رو برداشتم و شماره خونه علی پسر همسایه رو گرفتم. پدرش گوشی رو برداشت. سلام کردم و گفتم خسرو برگه‌های علی رو تصحیح کرده و می‌تونه بیاد بگیره.... اصلاً نفهمیدم این دروغ رو گه جوری گفتم! ده دقیقه بعد علی در خونه رو زد..... نیگاش کردم، طفلکی رنگ به صورتش نبود! به تته پته افتاده بود.... گفتم: علی جون به بابات دروغ گفتم! فقط میخوام ببینمت چون من مته تو نیستم که یواشکی برم کسی رو دید بزنم. چشای علی داشت از کاسه میزد بیرون.... باور نمی‌کرد چه بهش گفتم! مخصوصاً که خیلی هم آرام بودم.

بعدش گفتم: علی جون هر وقت خواستی منو ببینی، بهم بگو... هر وقت. و چنان روی "هر وقت" تأکید کردم که دیگه منظورم رو کامل فهمید... از شیرفهم هم یه چیز اوونورتر!!!!..... بعدش تظاهر کردم که میخوام خداحافظی کنم... علی یه تکونی خورد که هیچوقت یادم نمیره... انگار داشت به خودش جرئت میداد! گفت: پری خانوم، کی میتونم ببینمت؟ امشب که..... میتونم؟ گفتم: راه رو که بلدی ناقلان... در پشت بوم رو باز میذارم. برگشتم توی خونه... سری به نادر زدم و بعدش رفتم بالای سر خسرو.... هر دو خواب بودن.... بعدش رفتم توی آشپزخونه.... لامپ رو روشن کردم و شیر ظرفشویی را کمی باز کردم تا صدای شرشر آب بیاد و خسرو فکر کنه دارم ظرف میشورم.... و رفتم توی راه‌پله‌ها. در پشت بام رو باز کردم... علی آنا منتظر بود. آمد تو و فوری بغلم کرد. اصلاً نفهمیدم کجا هستم و به اینکه دارم چکار میکنم، فکر هم نکردم. مثل آدمی بودم که داره از حق خودش استفاده می‌کنه. اینهمه محرومیت..... علی غرق ماچم کرد.... زبونشو تو دهنم میگردوند و لبامو می‌مکید.... به دیوار تکیه دادم، داغ بودم.... علی نشست رو زانوهایش و دامنم رو زد بالا.... شرتم رو کشید پائین و شروع کرد به کیسیدن کسم..... آیم هی می‌اومد و اوون هم مته یه آدم تشنه می‌خوردش.....

نشستم رو زمین.... کیرشو از رو شلوارش لمس کردم.... حسابی راست کرده بود.... کمر بندش رو باز کردم و زیپشو کشیدم پائین. کیرش داغ بود و حسابی گنده، مثل یه آدم وحشی کیرش را بلعیدم و شروع کردم به خوردن..... وحشی، وحشی، وحشی....

تخماشو میمالوندم و کیرشو میخوردم.....
یه مرتبه حس کردم که علی داره خودشو کنار میکشه... ولی ولش نکردم تا گرمی
آب منی رو تو دهنم حس کردم....
شروع کرد به معذرت خواهی، ولی جلو دهانش رو گرفتم و گفتم: هیس! حرف نزن!
رفتم پائین..... صورتم رو شستم... مزه آب منی رو تو دهنم حس میکردم و راستش
ازش خوشم می اومد.... یه سری به نادر و خسرو زدم.... خواب بودن.
برگشتم بالا و علی رو حیرون دیدم... پیشش نشستم و بعد از یه ماچ و بوسه حسابی
در گوشش گفتم علی جون، میخوام که منو بکنی!
علی رفت پشتم و من چاردست و پا رو زمین، باسن ام رو دادم بالا... علی کیرش آنقدر
بزرگ بود که وقتی توی کسم رفت، تموم تنم تیر کشید.... فکر کنم دوبرابر کیر خسرو
بود.... علی مثل آدمای حرفه‌ای که تو فیلها دیده بودم، حسابی منو کرد. بعدش منو
بلند کرد.... دستم رو به زده‌های کنار پله گرفتم و دولاشدم.... باز شروع کرد به
پمپ زدن.... سفت و سخت منو میکرد و همزمان با پستونام ور میرفت..... با هم شدیم..
آبشو ریخت روی کون و باسنم.... من داشتم از حال میرفتم.... اصلاً انگار رو زمین
نبودم.... توی روّیا بودم.... سرمو گرفت تو بغلش و موهامو نوازش کرد.
درست یکماهه که من و علی با هم سکس داریم، هر وقت بشه.... شب یا صبح یا ظهر..
دیگه از کس کردن خسرو عقم میگیره.... درسته که خیلی آقاس ولی اصلاً نمی‌دونه
که با یه کس چیکار باید بکنه.....

۱۰- آگهی آشنایی مهرداد

ما در سه‌کاف نه آگهی آشنایی و نه ای میل کسی را، چاپ نمی‌کنیم. در عوض
در باره انواع و اقسام نیازهای جنسی و برحق بودن آنها مینویسیم و افرادرا تشویق
می‌کنیم که تشکلات و گروههای خاص خود را بوجود آورند.
اما اینبار می‌خواهیم یک استثنا قائل شویم و آگهی یکی از خوانندگان سه‌کاف
را چاپ میکنیم، نه به این دلیل که به مهرداد احساس ترحم میکنیم، چون ابدأ
چنین احساسی را نداریم به این دلیل که احساس ترحم یعنی دست کم گرفتن، یعنی
اعتراف به ناتوانی افراد و....

چاپ آگهی مهرداد به این دلیل است که وجود نیازهای عاطفی، جنسی و عشقی در
افرادى که دارای نوقص مادرزادى و یا سانحى دارند را به خوانندگان گوشزد کنیم و بس.
این هم آگهی مهرداد به قلم خودش:

بنام یزدان هستی بخش

من مهرداد هستم. ۳۰ سال سن دارم و ده سال پیش تصادف نمودم و از ناحیه
گردن دچار ضایعه نخاعی شدم. قبلاً که سالم بودم به ماهیگیری، کوهپیمایی،
شنا و دریا علاقه داشتم. الان به ماهی خوری و میرزا قاسمی خیلی علاقه دارم

(اگر گیرم بیاید)، بره‌ای را هم خیلی دوست دارم. تیم‌هایی که استقلال و پرسپولیس را ببرند هم دوست دارم. فقط به موزیک‌های با انرژی گوش میدهم و از دیدن فیلمهای کمدی و عشقی لذت میبرم. متولد و بزرگ شده‌م محل غلامرضا تختی هستم، ولی اکنون به همراه پدر و مادر و خواهر و برادرم در غرب تهران زندگی می‌کنم. بعد از ظهرها سه ساعت با کامپیوتر کار میکنم و چون دوست زیادی ندارم، از شما درخواست دوستی دارم.

این هم آدرس ای میل و عکس من:

iranzadx@hotmail.com

۱۱- جنسیت و اومانیسیم

هر روز بر تعداد ایرانیانی که از بودن در چارچوب تنگ فرهنگ اجتماعی-جنسی حاکم احساس فشار و خفقان می‌کنند، بیشتر می‌شود. فرهنگ جنسی حاکم، ضعیف‌ترین و حساس‌ترین حلقه از سلسله حلقه‌های زنجیری است که جامعه ما را همچنان در بند سنت، کهنگی و خماری نگه داشته است، بی‌جهت نیست که سنت‌گرایان در برابر هر تلاشی برای طرح مسائل جنسی در جامعه اینچنین خشمناک و دهن کف کرده، بر خود می‌پیچند، نعره می‌کشند و تهدید می‌کنند، اما همه‌ی اینها نشانه‌ی ضعف است نه قدرت.

فرهنگی که سنگسار، اعدام با جرثقیل، کشتار مخالفان، هشت سال جنگ، آوارگی میلیونها از هموطنان، رواج رشوه‌خواری، دزدی، جدایی جنسی در جامعه، حقیر شدن توسط یک مشت آخوند آپرست و..... را تحمل می‌کند اما فیلم، ادبیات و پایگاههای اینترنتی که به عشق‌ورزی انسانها می‌پردازند، را بر نمی‌تابد و آن را زشت و غیر اخلاقی می‌داند، بدون شک نه یک جایش که صد جایش می‌لنگد.

فرهنگی که تماشای صحنه‌های دردناک و وحشیانه‌ای که در آن مردی، زنی نگون بخت را تا خرخره در گودال می‌کند و با خرده سنگ به سنگسارش می‌نشیند، را مجاز می‌داند اما اگر مردی آلت خود را (با اجازه زن) در او فرو کند و هردو لذت ببرند را عملی پست و حیوانی و حقیر می‌داند که نباید از آن حرف زد و یا ترسیم‌اش کرد، را تجویز می‌کند، سزاوار احترام نیست و به گردنکشان چنین فرهنگی باید آفرین گفت.

اومانیستهای ایرانی، لیبرالهای واقعی و انساندوستان و عاشقان آگاه ایرانی به کجا گریخته‌اند که کسی صدایشان را نمی‌شنود. آیا براستی در این هفتاد میلیون نفر چنین انسانهایی یافت نمی‌شوند؟ پس چرا اینهمه سکوت؟ چرا میدان را برای سیاست پیشگان مست سیاست و سنت‌گرایان خالی گذاشته‌اند؟ تا کی ما ایرانیان باید از یک جنبش اومانستی ملی محروم باشیم؟

می‌دانیم که در روزگاری اینچنین، صحبت از جنسیت بمعنای قدم گذاشتن در میدان مین‌گذاری شده میماند، اما اومانیستهای گریزی از این ندارند. نباید میدان را برای مذهبیبون افراطی و محافظه‌کاران فرهنگی خالی گذاشت که هرطور

می‌خواهند، دستور کار اعمال و اخلاق جنسی را آنطور که خود مایلند، طرح و پاسخ دهند.

مسئله مهمی که باید طرح و حول آن وسیعترین نیروی ممکن را بسیج کرد، این ایده پایه‌ای اومانیستی است که "جنسیت یک نیاز طبیعی انسانی است که برای به برسمیت شناخته شدن نیازی به توسل به تولید مثل. ازدواج، زندگی مشترک و غیره ندارد، جنسیت یک نیاز مستقل و قائم به ذات خود در همه انسانهاست، فارغ از شرایط و موقعیت."

این یک واقعیت تاریخی است که مذهب و جنسیت (سکس) هیچوقت با هم کنار نیامده‌اند، این مختص کشور ما و یا مسلمانان متعصب هم نیست. در همه ادیان بزرگ وضع چنین بوده و هست. نیروهای متعصب مذهبی، چه مسلمان و چه مسیحی و چه یهودی، همیشه "وحشت استمنا" را در بین جوانان رواج داده‌اند. نگاهی به جوامعی که آزادی جنسی در آنها تضمین شده، نشان می‌دهد که چگونه مسیحیان متعصب دست در دست افراطی‌ترین نیروهای سیاسی، جنبش‌های ضد سقط جنین، مخالفان اقلیتهای جنسی و دست در دست هم به جنگ جنسیت می‌روند.

تاریخ آلمان در دهه سی نشان می‌دهد که چگونه مبلغان متعصب مذهبی نه تنها در آلمان که در سرتاسر اروپا به دفاع از "نظم اخلاقی حاکم" در زمان هیتلر دفاع کردند.

در فرانسه امروزی، در شهرهایی که جبهه ملی (فاشیست) قدرت محلی را در دست دارد، تمام کتابهای مربوط به اروتیسم از کتابخانه‌های شهرها برداشته می‌شوند و خرید هر کتاب باید به تأیید سیاستمداران محلی برسد. در کشورهای پیشرفته اسکاندیناوی نیروهای ضد خارجی به‌مراه تشکلات مذهبی متعصب، کماکان از "مضرات جلق زدن" برای جوانان می‌گویند. در آمریکا نیروهای مذهبی دست راستی به‌مراه احزاب بسیار محافظه‌کار دائماً در تلاشند تا کتابخانه‌های شهرها را از وجود "کتابهای مخالف عفت عمومی" پاک کنند. در کشورهای مسلمان که دیگر "خود بخوان حدیث مفصل".

اما در کشورهای غربی پزشکان، روانشناسان و روانپزشکان، اقلیتهای جنسی، فعالان فرهنگی، روزنامه‌نگاران، زنان، احزاب مترقی، مدافعان حقوق بشر و و در رأس آنان اومانیستها، با آگاهی از تاریخ سده‌های سیاه حکومت مسیحیت در اروپا و وحشت مذهبی آن زمان، از هر فرصتی برای به چالش کشاندن نیروهای ضد استقلال جنسیت، استفاده می‌کنند و توانسته‌اند آنها را همچنان ایزوله شده در حاشیه میدان مباحث اجتماعی نگه دارند. اما در کشور ما، متأسفانه ائتلاف انواع نیروهای ضد جنسیت از مذهب‌یون متعصب گرفته تا مخالفان محافظه‌کار فرهنگی آنان، اومانیستهای ما را به سکوت مطلق واداشته طوری که در برابر قربانی شدن انسانها و جنسیت مستقل آنان در برابر خدایگان دروغین هیچ صدای اعتراضی بگوش نمی‌رسد.

جنبش زنان و فمینیستهای ما که در کارزار دفاع از رهایی جنسیت از قید و بندها، از جمله پیشتازان باید باشد، تحت تاثیر جنبش فمینیستهای رادیکال اروپا و آمریکا،

بیشتر ناخالصی این جنبش‌ها را به عاریت گرفته تا خالصیهای آن را، از جمله اندیشه‌های
Andrea Dworkin و Catharine Mckinnon فمینیستهای ما با چنین
رهیافتی به مسئله، چشمهای خود را بر بخشهای دیگر جنبش فمینیستی همچون
(Feminists for Free Expression) و (Feminists against Censorship)
بسته‌اند. و یا اندیشه‌های Nadina Strossen کمتر معرفی میشوند.
برای یک اومانیست، آزادی همجنس‌خواهان، برابری حقوق زنان، آزادی انواع ذائقه‌ها
و تمنیات جنسی انسانها، آزادی سقط جنین، استفاده از داروهای ضد بارداری و...
در (چارچوب اصل آزادی فردی) یک امر پایه‌ای، مهم و مسلم است. اما آیا اومانیستهای
ایرانی در اینباره کارنامه‌ای دارند که معرفی کنند؟
برای یک اومانیست حق هر فردی است که حق مالکیت بر تن و جنسیت خود را داشته
باشد. وضعی که هیچ دولت، ارگان و یا خویشاوندی نیست که در این امر خصوصی افراد
داخلت کند.

Vern Bullough یکی از رهبران اومانیستهای آمریکا که خود سکسولوگ هم هست،
بر این باور است که در تاریخ جنبشهای آزادی جنسی در غرب، اومانیستها همیشه در
رهبری این جنبشها بوده‌اند، هر چند که گاهی فعالیت‌های خود را تحت نام اومانیسم پیش
نبرده‌اند. همین سکسولوگ و اومانیست آمریکایی خود از برنامه‌ریزان و برگزارکنندگان
"کنفرانس جهانی پورنوگرافی" در سال ۸۸ میلادی در آمریکا بود، کنفرانسی که از جمله
سخنرانان آن، سردبیر مجله اومانیستی معروف Free Inquiry و همچنین فمینیست
معروف Barbara Dority بودند.

مسئله جنسیت هنوز در کشور ما کاملاً مطرح نشده، چه رسد به حل آن. اما وقت آن
رسیده که ما ایرانیان نیز جنسیت خود را از پیراهن تنگ مذهب و سنت بدر آوریم
و این قدم اول است، قدم بعدی حرکت به سمت تثبیت استقلال جنسیت به عنوان
یک نیاز طبیعی و مستقل و قائم بذات خود در همه شهروندان کشور می‌باشد.
آنچه برای شروع کار به آن نیاز داریم، ایجاد شبکه یا تشکل (و یا تشکلهایی) است
از افراد خبره، پزشکان، خبرنگاران، طراحان مباحث اجتماعی، اقلیتهای جنسی،
فعالان فرهنگی، خبرنگاران، نویسندگان، فعالان جنبش زنان و تمام کسانی که
با دیدی اومانیستی به جنسیت نگاه می‌کنند، با هدف طرح مسائل جنسی، ارائه
اطلاعات و دامن زدن به بحثها در اینباره است. نقطه اشتراک افراد فعال در
چنین شبکه یا تشکلی همانا علاقمندی جدی به اومانیسم، اراده محکم جهت دفاع
از حق فردی شهروندان و کمک به رشد یک فرهنگ اجتماعی - جنسی جدید می‌باشد.
اگر شرایط اجتماعی کار علنی را اجازه نمی‌دهد، اما اینترنت امکان مناسبی است،
میتوان در اوائل در دسته‌های کوچک، با ایجاد یک لیست از ای میل‌های افراد علاقمند،
رد و بدل کردن نقطه نظرات، ایجاد پایگاه بر روی شبکه و... شروع کرد. وقت آن رسیده

که ما ایرانیان جبهه جدیدی از چالشهای فرهنگی-اجتماعی را تدارک ببینیم.

۱۲-جنسیت و تمایلات جنسی

۱- جنسیت چیست؟

این ممکن است سؤال احمقانه‌ای به نظر برسد، اما خیلی از ماها، بطور عمقی به این سؤال فکر نکرده‌ایم. برداشت بیشتر افراد از سکس و جنسیت همان هماغوشی دو یا چند نفر با هم است. درحالی که سکس و جنسیت خیلی بیشتر از اینهاست. جنسیت انسان به احساس او مربوط می‌شود. اینکه فرد چه احساسی دارد، با چه دیدی به خود و احساس خود نگاه می‌کند، و چه برداشتی از این احساس خود دارد. بعنوان یک مؤنث یا مذکر، شیوه لباس پوشیدن، حرکت، صحبت کردن، شیوه رفتاری شما، اینکه به دیگران چگونه نگاه میکنید، با نگاههای خود چه تأثیری میخواهید بر دیگران داشته باشید، نگاههای دیگران چه تاصیری بر شما دارند و..... همه اینها را هر انسانی از همان لحظه تولد تا مرگ، با خود به همراه دارد، البته چه آگاهانه و چه ناآگاهانه. با اینهمه تمام حالات و رفتارهای گفته شده، همه جزئی از جنسیت ماست.

سکس و قوه جنسی، یک بخش سالم و طبیعی از وجود هر انسانی است، فارغ از اینکه ذائقه و میل جنسی اش چیست.

مبادله لذت جنسی بدون شرکت در یک هماغوشی (و همینطور انجام عمل دخول) یک امکان واقعی است. فردی ممکن است لذت ستانی و لذت دهی خود را از طریق شوخی و مزاح کردن، رقص و یا حتی ماساژ دادن طرف خود، عملی کند. مهمترین مسئله در تماس جنسی دو نفر این است که هر دو از هم شناخت داشته باشند و تا حدودی نیاز همدیگر را بشناسند (یا به هم اطلاع دهند). دو نفری که میخواهند با هم مقاربت جنسی داشته باشند، بهتر است در باره عمل خود، تبادل نظر هم بکنند.

۲- گرایش جنسی یعنی چه؟

هر شخصی، چه زن و چه مرد، دارای یک یا چند گرایش است. یکی به جنس مخالف خودش کشش و جاذبه دارد، یکی به جنس موافق خودش و یکی هم ممکن است به هر دو جنس موافق و مخالف خودش (به نسبتهای یکسان و یا متفاوت) گرایش داشته باشد. این گرایش که آن را گرایش جنسی میگویند، یک چیز انتخابی نیست. هر کدام از ماها میدانیم که وقتی به سن معینی رسیدیم، یکهو دیدیم که از یک جنس خاص خوشمان می‌آید، یعنی گرایش جنسی درونمان، خودش را ظاهر میکند. توجه دقیق به این مسئله بخصوص از این نظر اهمیت دارد که خیلی از ماها در رابطه با دوست، همکلاسی، معلم، یا خواهر و برادر خود که به جنس موافق خودش تمایل دارد،

میگوئیم فلانی رفته‌گی یا لزیب شده. این غلط است، چرا که هیچکدام از اینها انتخابی نیست.

البته تعدادی از جوانان هستند که در دوره بلوغ و حتی تا چند سال بعد از آن، به هر دو نوع سکس با جنس مخالف و موافق، دست میزنند. این مسئله تجربه و خطا، در همه جا وجود دارد و مختص کشور ما نیست و معمولاً نوعی تجربه و خطا برای "جا افتادن" گرایش جنسی یک جوان (و یا نوجوان) قلمداد میشود. وجود مراکز خاص اطلاع رسانی جنسی و همچنین یک برنامه صحیح آموزش سکس بصورت علمی در مدارس، برای هر جامعه‌ای بسیار ضروری است. چنین مراکز و امکاناتی در تمام کشورهای پیشرفته وجود دارد. این مسئله ثابت شده که انسانهایی که به مسائل مربوط به سکس آشنا هستند و از جنسیت و گرایش خود و کارکرد آن شناخت صحیحی دارند، انسانهای به مراتب موفق‌تری هستند. بعضی از ماها، بنا به دلایل مختلف از جمله اعتقادات مذهبی یا تعلیمات اجتماعی و یا انتخاب فردی، ترجیح میدهیم که با کسی رابطه جنسی نداشته باشیم. صد البته باید به این انتخاب فردی احترام گذاشت اما در عین حال نباید این توقع را داشته باشیم که همه مثل ما عمل کنند چرا که این با اصل آزادی و انتخاب فردی مغایرت دارد. پرهیز از نزدیکی جنسی، یا همان ریاضت جنسی، در شرایط خاصی ممکن است برای هر کسی حتی مفید هم باشد. هستند افرادی که در سنین مختلف و دوره‌های مختلف حتی در دوره زناشویی مدتی را بعنوان ریاضت جنسی برگزینند. کسانی هم هستند که هیچوقت دست به اینکار نمی‌زنند، بهر حال این یک مسئله شخصی است. یادمان باشد که جلق زدن برای رها شدن از فشار نیاز جنسی (نه اینکه جلق را برای جلق انتخاب کنیم)، در دوره شیوع بیماریهای مقاربتی، خود یک امکان مناسبی است که خیلی‌ها آن را انتخاب میکنند.

۳- سو استفاده جنسی یعنی چه؟

هنگامی که یک فرد "قویتر"، یا از نظر سنی بالاتر، بدون اجازه و تمایل طرف مقابل به آلت جنسی او دست بزند (چه پسر و چه دختر) و یا اینکه یک فرد بالغ از ناآگاهی یک کودک سو استفاده کند و در جهت ارضا میل شخصی خود و یکطرفه اقدام کند، یا کسی با حیله و نیرنگ، تهدید و... کسی را مجبور به انجام عملی جنسی نماید، اینکار را سو استفاده جنسی میگویند.

کسی که مورد سو استفاده جنسی واقع شده، هیچ ایرادی ندارد، و تجاوز کار است که باید محاکمه شود. هر فردی که مورد سو استفاده جنسی قرار گرفته، نباید به خاطر ترس از رسوایی و یا... سکوت کند، بلکه باید تجاوزکار را معرفی، افشا و به دادگاه کشاند.

۱۳- تقدیم به قربانیان ستم جنسی در ایران

امروز ۱۶ دی ماه ساعت پنج بعد از ظهر پسری را در پارک کورش سابق (شریعتی) به جرم همجنس‌خواهی صد ضربه شلاق در ملاعام زدند. دژخیمان همچین کلی با بوق و کرنا در بلندگوها اعلام میکردند که مردم جمع شوند و این حرکت وحشیانه را از نزدیک ببینند.

اینکار نه تنها توهین به شخصیت این هموطن بلکه توهین به غرور یک ملت است. ای کاش مردم ما بجای نظاره کردن، به دژخیمان شلاق زن انسانیت حمله میکردند. کو آنانی که از غرور ملی و عظمت این ملت سخن میگویند و برای آن دل میسوزانند؟ کو آنانی که از حقوق بشر حرف می‌زنند؟ کو آنانی که

شرم ابدی نثار کسانی باد که برای پیشبرد مقاصد سیاسی خود و لاس زدن با جانیان حاکم صحبت از آزادی جنسی و طرح درونی‌ترین مسائل انسانها را مسکوت گذاشته‌اند. سکوت اگر بمعنای رضایت هم نباشد، حداقل بمعنای بی‌طرفی است، اما در این روزگار، بی‌طرفی در عمل معنایی جز چشم فرو بستن بر بی‌عدالتیها نمی‌تواند باشد.

ما به پاس اهدردی با این هموطن عزیز، این شماره سه کاف را به همه قربانیان ستم جنسی در رژیم حاکم، تقدیم می‌کنیم. باشد که در ایران فردا، شخصیت ما ایرانیان ارجی داشته باشد و انسانها نه تنها بخاطر عقاید خود که بخاطر آنچه احساس میکنند، هم محترم شمرده شوند.

۱۴ - ستونِ استریت واگر

آگهی‌های آشنائی

(لیندا دون هاموند

ترجمه: استریت واگر)

"در زندگی ما زوخ، مانند تمامی افسانه‌هایش، عشق‌بازی‌ها همیشه با نامه‌هایی ناشناس شروع می‌شوند، با استفاده از نامهای مستعار و یا با آگهی‌های روزنامه‌ای. این آگهی‌ها را باید با عناوین رسمی و وراجی درباره رفتار طرف مقابل شناسایی کرد. همه چیز باید ذکر شود، تعیین شود، و قبل از ملاقات با تشریح جزئیات به اطلاع طرف مقابل رسانده شود."

از ما زوخیسم (خودآزاری)

سردي و ستمگري

گیلز دلئوز

توضیحی از سه کاف

در نظر داشتیم یک مطلبی درباره سادومازوخیسم در یکی از شماره‌های آینده چاپ کنیم. بخصوص که یکی از خوانندگان جوان سه کاف داستانی از احساسات مازوخیستی خودش را هم برای چاپ ارسال کرده است. اما انتخاب مطلب فوق از طرف همکارمان "استریت واکر" برای ستون خودش، ما را بر آن داشت که با اجازه ایشان، در زیر مطلبشان، چند خطی درباره سادومازوخیسم بنویسیم.

اصل کلمه مازوخیسم از نام یک نویسنده اتریشی گرفته شده است بنام

Chevallier Leopold Von Sacher - Masoch که نوشته‌های زیادی

درباره چگونگی التذاذ و پاسخ دهی به لذت جنسی خودش از طریق آزارهای جنسی که به او وارد می‌شده، به رشته تحریر درآورده است.

یک فرد مازوخیست از نظر روانی، از آزار و تحقیر روانی که از طرف شریک جنسی اش به او می‌رسد، به اوج لذت جنسی می‌رسد.

سادیسیم نقطه مقابل مازوخیسم است. یعنی یک سادیست از نظر روانی از اینکه یک فرد "قربانی" را به زیر اطاعت خود درآورد، به لذت جنسی می‌رسد.

کلمه سادیسم از روانشناس معروف آلمانی **Richard Von Krafft-Ebing**

و نویسنده مشهور فرانسوی **Marqise de Sade** گرفته شده است.

بعضی از سادومازوخیستها در روابط جنسی خود گاهی هردو نقش یعنی گاهی نقش "حاکم" و گاهی نقش "محکوم" را بازی می‌کنند.

در روابط سادومازوخیستها، همیشه یک توافق قبلی وجود دارد، یعنی با توافق بر سر

یک کلمه رمز، بعنوان "خط قرمز" به ایفای نقش می‌پردازند و فرد سادیست شروع

به "آزار رسانی" روحی و گاهی جسمی مازوخیست می‌پردازد و به این طریق هر دو لذت

می‌برند، اما اگر درد مازوخیست از حد تحملش بگذرد، مازوخیست با ادای کلمه رمز،

پایان "بازی" یا رسیدن به خط قرمز را اعلام میکند و سادیست موظف است که از ادامه

کار خود دست بکشد.

بعضی از سادیست‌ها هم هستند که بدنبال یک مازوخیست نیستند بلکه بیشتر بدنبال

فرد "سرکشی" هستند که با "زور" او را تسلیم "اراده" خود کنند.

لذت جنسی ناشی از اعمال سادومازوخیستی قبل از آنکه ناشی از دریافت و یا تحویل

آزارهای جسمی-روانی باشد، بیشتر یک مسئله احساسی و ذهنی است.

سادومازوخیستها هم مثل بقیه ممکن است انواع گرایشهای جنسی داشته باشند.

در غرب هم سادومازوخیستهای دگرجنسگرا و هم همجنسگرا معمولاً کلوبها و گروههای خاص خود را دارند.

سادومازوخیستها، اغلب به پوشیدن لباسهای "زمخت" مثل لباسهای ارتشی و یا چرم سیاه گرایش دارند.

یکی از دلایل عمده مخالفت با پورنوگرافی وجود همین روابط سادومازوخیستی در بعضی فیلمها و مجلات سکسی می باشد و مخالفان بر این اعتقادند که در این فیلمها و مجلات بیشتر مردانی نشان داده میشوند که زنی را "اسیر" خود کرده و او را "تحقیر" میکنند. چنین برخوردی با پورنوگرافی خیلی یک بعدی و کلیشه ای است، چرا که بسیاری از مردان مازوخیست هم هستند که بدنبال یک زن سادیست می گردند و در اینگونه فیلمها هم نشان داده میشوند. از طرف دیگر روابط سادومازوخیستی در روابط زنان و مردان همجنس خواه هم وجود دارد.

سادومازوخیستها، در روابط اجتماعی خود، معمولاً افرادی آگاه و در دوستی های خود بسیار وفادارند و در روابط عادی و روزانه خود بهیچوجه تمایلات و گرایشات جنسی خود را به دیگران تحمیل نمی کنند. در یک تحقیق جالبی که سالها قبل در یک مجله خارجی صورت گرفته بود، معلوم شد که اکثر سادومازوخیستها در غرب، از رفتن به سربازی و یا گرفتن کار در ارتش و یا دستگاه پلیس (بعنوان سمبل خشونت) مخالفند.

۱۶- پاسخ به سئوالات جنسی

سؤال ۱- زنی هستم که در زیر بغل و اطراف آلت تناسلی ام موهای زیادی دارم. هرچقدر هم آنها را میتراشم، باز معلوم است. زیبا و جذاب هستم و راحت دوست پسر پیدا میکنم، اما به محض اینکه دوستی ما به سکس میرسد، ازشان جدا میشوم، چون از این میتراشم که نکند از موهای من (حتی تراشیده شده) خوششان نیاید.

جواب: میزان و تراکم موهای بدن افراد مختلف متفاوت است که علل هورمونی دارد. شما با مراجعه به پزشک متخصص پوست می توانید از شر موهای زائد راحت شوید. این را هم بگوئیم که باید اعتماد به نفس خود را بیشتر کنید، چون هستند پسران و مردانی که از زندهای با مو خوششان می آید.

سؤال ۲- من یکبار یبوست داشتم و در دستشویی وقتی بخودم فشار می آوردم، کمی خون از کس ام خارج شد، آیا ممکنه که من دیگر باکره نباشم؟
جواب: فشاری که هنگام یبوست به خود وارد کرده اید نمی تواند باعث پارگی پرده بکارت شود. خون خارج شده از شما ممکن است در اثر پارگی عروق کوچک و ناشی از فشار باشد.

سؤال ۳- اگر بوسه عمیق و همچنین کیر مکیدن و کس لیسیدن، باعث انتقال

ویروس اچ.آی.وی میشود، خوب اگر برای عمل دخول از کاندوم استفاده کنیم، چه فرقی میکنه؟

جواب: خیلی فرق میکند. با گذاشتن کاندوم، روی کیر، از تماس مستقیم جلوگیری کرده‌اید. لازم است بگوئیم که واژن زن دارای سطح مخاطی وسیعی است که شانس انتقال ویروس ایدز را بیشتر از سکس دهانی میکند.

سؤال ۴- آیا ریختن آب منی در طرف مقابل، اگر هر دو طرف سالم باشند، مشکلی ایجاد میکند؟

جواب: اگر منظور شما از سالم بودن، یعنی حامل ویروس ایدز نبودن است، خوب جواب منفی است یعنی خطری ندارد، قبلا هم گفته‌ایم که فرد هنگامی به ویروس ایدز آلوده میشود که با فرد دیگری که حامل این ویروس باشد، بدون رعایت و استفاده از کاپوت سکس داشته باشد. ایدز خودبخود از سکس ناشی نمی‌شود. اما ایدز فقط یکی از بیماریهای مقابته است، یرقان، سوزاک، سفلیس و... هم هستند. مسئله آبستن شدن (با سکس از جلو) هم یادتان نرود.

سؤال ۵- پسری هستم ۱۹ ساله، که سه ماه پیش با یک دختر لب‌گیری کردم، و حالا دارای عوارضی هستم که شما میگوئید در بیماران ایدز پیش می‌آید، سه بار هم آزمایش داده‌ام و همه میگویند سالم هستم. ممکنه کسی ایدز نداشته باشه، اما عوارض آن را داشته باشه؟

جواب: عوارض و بیماریهایی که از ایدز ناشی میشوند به این دلیل است که سیستم دفاعی انسان به هم می‌ریزد. اگر شما آزمایش داده‌اید و معلوم شده که ایدز ندارید، باید به پزشک مراجعه کنید تا دلائل بیماری شما و راه علاج را به شما تجویز کند.

سؤال ۶- میخواستم بپرسم، کسانی که از راه کون سکس میکنند، مگه آلت آنها با مدفوع دختر کثیف نمی‌شه؟

جواب: بله، این امکان هست. اما اگر طرف به سکس از راه مقعد وارد باشد، این را باید بدانند که به دستشویی رفتن و سعی در تخلیه روده و دفع مدفوع و بعد شستن درست حسابی (حتی در دهانه داخلی مقعد) امکان تماس با مدفوع را بسیار کاهش می‌دهد. استفاده از کاندوم هم خیلی کمک میکند.

سؤال ۷- در هنگام ساک زدن وقتی آب دختر یا پسر می‌آید، چکار میکنن؟ میخورن؟ حالشون بد نمی‌شه؟ از بوش بدشان نمی‌آد؟ البته تو فیلمهای خارجی خیلی چیزا دیدم اما من ایرونیشو نمی‌دونم.

جواب: سکس و حالات آن، ایرانی و خارجی ندارد، ایرانی‌ها هم همان کاری را میکنند که خارجی‌ها انجام میدهند (جنبه‌های تجارته و.. فیلمهای سکسی بکنار). این را هم

بگوئیم که ما در کل ذهنیت مثبتی نسبت به سکس نداریم (که باید عوض شود).
آب منی و ترشحات زن هم بد بو نیستند. سلیقه‌ها هم متفاوت.

سؤال ۸- آن مایع لزجی که قبل از انزال خارج میشود، من ندارم، آیا در نزدیکی جنسی من در آینده مشکل ایجاد می‌کند؟

جواب: مقدار مایع لزج قبل از انزال از نظر حجم در افراد متفاوت است. این مایع در بعضی‌ها میتواند آنقدر کم باشد که شما متوجه نشوید ولی مشکلی نیست.

سؤال ۹- اگر کسی پرده بکارت دختری را پاره کند، چکارش می‌کنند؟ و اصولاً پرده بکارت چطور پاره میشود؟

جواب: اگر دختر و پسری با رضایت طرفین سکس داشته باشند و در حین عمل پرده دختر پاره شود، قاعدتاً این امر به هیچ کس مربوط نمی‌شود، اما تو فرهنگ ما اگر خانواده یا کس دیگری بفهمد، خیلی الم شنگه درمی‌آورند که هیچ پایه منطقی ندارد. پرده بکارت ممکن است با ورود یک کیر، کیر مصنوعی، انگشت یا هر چیز دیگر در واژن دختر پاره شود.

سؤال ۱۰- من مردی هستم ۲۸ ساله، زن و بچه هم دارم. اما از همان ابتدا به مردان گرایش داشتم و از سکس با جنس خودم خوشم می‌آید. چکار کنم؟

جواب: از آنجا که به ما ایرانیان هیچوقت اطلاعات جنسی از جمله در رابطه با گرایش جنسی مختلف اطلاعی داده نشده، تابوها جنسی هم خیلی زیاد هستند. به همین دلیل بسیاری از همجنس‌گرایان ایرانی با احساسات و گرایش خود آشنا نمی‌شوند چه برسد به اینکه بخواهند از خود دفاع هم بکنند. پس راهی جز ازدواج با جنس مخالف (بدون علاقه و تحت فشار فرهنگی) ندارند. این مسئله را دگر جنس‌گرایی اجباری می‌نامند. اینکه چکار کنید، تصمیم با خود شماست. اما همجنس‌خواهان ایرانی باید در فکر روی این مسائل بیشتر کار کنند.

سؤال ۱۱- یکبار ساعت ۱۰ شب که داشتم به خانه می‌رفتم، سه نفر به زور مرا در ماشین انداختند و بعد به من تجاوز کردند. آیا این درست است که ما در کشور امنیت نداشته باشیم؟

جواب: امنیت حق همه ماهاست. تجاوز یک عمل زشت، غیر اخلاقی و نکوهیده می‌باشد و تجاوز کاران باید محاکمه شوند.

سؤال ۱۲- به چه دلیل پسرها ختنه می‌شوند؟ آیا این یک رسم مسلمانی است یا در دیگر کشورها هم همینطور است؟ در کتابی هم خواندم که دختران هم گاهی ختنه میشوند، آیا این درست است؟

جواب: ختنه پسران تا آنجا که ما میدانیم از روزگار شکل‌گیری دین یهود رسم شد.

و به اسلام رسید. حالا هم تمام یهودیان و در تمام کشورهای اسلامی اینکار را میکنند. البته پیروان ادیان دیگر هم گاهی بنا به مسائل پزشکی ختنه میکنند.

سؤال: علائم عفونت کس چی هست؟

جواب: در کل یکی از علائم عفونت، تب است، که متأسفانه بعنوان یک سرماخوردگی ساده تلقی میشود. همچنین ترشحات زائد و غیر معمول را هم باید اضافه کرد. مسئله عفونت را شما تسکین نمی‌دهید، بلکه باید به محض اینکه متوجه نامعمول بودن حالت خود شدید، به پزشک مراجعه کنید چرا که تشخیص بیماری کار پزشک است.

سؤال ۱۳ - پسری هستم ۲۰ ساله. از ۱۴ - ۱۳ سالگی هم فهمیدم که همجنس‌گرا

هستم، اما نمی‌دانم این احساسم را چطور به پسرای که از شان خوشم می‌آید، مطرح کنم؟ شما می‌گوئید من چکار کنم؟ آیا باید به روانشناس مراجعه کنم؟

جواب: همجنس‌گرایی بیماری (چه روانی و چه غیر روانی) نیست که شما بخواهید آن را معالجه کنید. برای نشان دادن احساس خود باید به کسانی رو آورید که مثل شما گرایش به همجنس خود دارند. ایجاد گروهها و کلوبهای مخصوص همجنسگرایان یک راه مطمئن برای دوست یابی است.

سؤال ۱۴ - اگر پسری آب منی اش را در من بریزد، تا چند روز بعد میشه با قرص از حاملگی جلوگیری کرد؟

جواب: قرص ضد حاملگی دو جور هستند. اول قرص‌های پیشگیری که باید با برنامه‌ای مرتب مصرف کنید تا حامله نشوید، نوع دوم قرص‌های هستند که به قرص‌های "قرص صبح روز بعد" معروفند. این قرص‌ها زمانی در ایران تجویز میشوند که مثلاً به کسی تجاوز غیر مجاز صورت گرفته باشد (متأسفانه در ایران به تجاوز "مجاز" کسی کاری ندارد)، در پزشکی قانونی این قرص‌ها تجویز می‌شوند، و یا پزشک زنان، به زنانی که قصد بچه‌دار شدن را ندارند اما شب قبل دچار "خطای تکنیکی" شده‌اند، تجویز می‌کند. استفاده از این قرص‌ها راحت‌تر و کم‌دردتر از سقط جنین است و میتوان از صبح روز بعد تا یک هفته بعد هم از آنها استفاده کرد.

سؤال ۱۵ - لطفاً بفرمائید بگوئید که چکار کنم که زخم خودش بیاید و به من

بگوید که من..... می‌خوام. من خیلی حشری هستم ولی دوست دارم که زخم خودش بگوید بیا مرا..... نه اینکه خودم بترشم بروم.

جواب: هر کدام از ماها خواسته‌های جنسی خاص خودمان را داریم، چه زن و چه مرد. همانطور که قبلاً هم در سه‌کاف گفته‌ایم، بهترین کار همانا گشودن باب گفتگوی باز و علنی و صادقانه دو شریک جنسی، گفتن از نیازها و فانتزی خود به طرف مقابل، شنیدن درخواستهای او و مهمتر از همه دوری از قضاوت‌های عجولانه و تلاش برای

درک طرف ما می باشد. مطالعه سه کاف توسط زن و شوهرها با هم در حل بسیاری از مشکلات مؤثر بوده است.

سؤال ۱۶ - هر کار میکنم، نمی توانم از کاپوت استفاده کنم چون کیرم را اذیت میکند، یا اینکه زدن کاندوم باعث ناراحتی طرف میشه. چطور باید از کاپوت استفاده کرد؟

جواب: ناراحتی از کاپوت و خوش نداشتن کاندوم یک مسئله روانی است. ممکن است شما کاپوت با اندازه مناسب را انتخاب نکرده‌اید. این هم عکسهایی برای شیوه استفاده از کاپوت:

سؤال ۱۷ - زمان تخمک گذاری در زنان دقیقاً چه وقتی هست؟

جواب: در این مورد اصولاً نمی شود نظر دقیقی داد چون اگر غیر از این بود، خوب راههای پیشگیری هم بی معنا بودند و کافی بود فقط سه روز هم‌اغوشی صورت نگیرد تا بچه دار نشوند، اما اینطور نیست. اما زمان تقریبی آن حوالی روز چهاردهم بعد از شروع عادت ماهانه است. در زمان تخمک گذاری حرارت بدن زن کمی بالا می رود (تب می کند) که بعنوان یکی از علائم آن بحساب می آید.

سؤال ۱۸ - اگر در زمان پیرو، دوست پسر آبش را در من بریزد، حامله می شوم؟

جواب: این احتمال وجود دارد ولی این یک احتمال خیلی کمی است. یک نکته بسیار مهم این است که بچه دار شدن را به حسان احتمالات نگذارید. اگر می خواهید رابطه جنسی داشته باشید، بهتر است از وسایل پیشگیری استفاده نمائید.

سؤال ۱۹ - من علاقه شدیدی به سکس ضربداری و زوج عوض کردن دارم، آیا این یک امر طبیعی است؟

جواب: دوست عزیز، ما بارها گفته ایم که همه یک طور فکر میکنند، یکطور لباس نمی پوشند، یکطور، در سکس هم همین حالت وجود دارد، یعنی هرکسی از یک چیز لذت می برد. و این کاملاً طبیعی است، در سکس هم مثل دیگر موارد نباید تجاوز و خشونت بکار برده شود. اگر شما یک شریک جنسی دارید که مثل خودتان به اینکار تمایل دارد، چرا نه؟ فقط پیدا کردن یک جفت دیگر را از ما نخواهید، خودتان پیدا کنید و از سکس خود لذت ببرید.

سؤال ۲۰ - من پسری هستم که علاقه شدیدی به مفعول شدن دارم و با توجه به سختگیرها، در خانه می مانم و در حین تماشای فیلمهای سوپر، خیارهای گنده که قبلاً هم آنها را کمی گرم کرده ام، در خودم فرو میکنم، خیلی هم لذت میبرم

طوری که آیم هم می‌آید، آیا اینکار من خطرناک است؟

جواب: کسانی که به کیر احتیاج داشته اما به عللی نتوانند به آن دسترسی داشته باشند، معمولاً از کیرهای مصنوعی استفاده میکنند، اما بدبختی اینکه ما ایرانیان را از اینکار محروم کرده‌اند. ابتکار شما همان کفش کهنه در بیابان است، فقط باید مواظب باشید که قسمتی از خیار در داخل شما نشکند که نشود آن را بیرون کشید. و اینکه این کار شما ممکن است خطر پارگی جدار رکتوم (بخاطر بزرگی خیار) را به همراه داشته باشد.

سؤال ۲۱- اگه حامله شوم، تا کی میشه بچه رو بدون دردسر انداخت؟

جواب: بهترین کار این است که از حامله شدن ناخواسته، به هر شکل ممکن جلوگیری کنید. چون خود کار سقط جنین میتواند برای سلامتی شما خطرناک باشد. برای سقط جنین در ماه اول راحت‌تر و در ماه هفتم کاملاً سخت. اما اگر کسی قصد سقط جنین را دارد، باید هرچه زودتر اقدام کند.

گاهی اگر پزشک معتمد گواهی بده که وضع حمل برای مادر خطرناک است، میتوانید قانوناً سقط جنین کنید، اما گرفتن گواهی کار ساده‌ای هم نیست. بهترین کار همان مشورت با یک پزشک مجرب زنان میباشد و از رفتن به سوی آماورها خودداری کنید. در ایران متأسفانه، بعد از سقط جنین، مراقبتهای لازم از زنان نمی‌شود.

سؤال ۲۲- یکبار مادرم منو با یک دختر دید که داشتیم حال میکردیم، یک سیلی زد و رفت، بعد از مدتی یک کاندوم و نامه عاشقانه به یک دختر در جیبم پیدا کرد. حالا هم همه‌اش مرا زیر نظر دارد. دیگه دارم کلافه می‌شوم. چکار کنم؟

جواب: مستقیم جلو مادرتان بایستید و به ایشان بگوئید که عشق به فرزند بمعنای دخالت در زندگی احساسی و خصوصی او نیست. یاد بگیرید که از استقلال فردی خود دفاع کنید.

سؤال ۲۳- من به همان نسبت که از زنان خوشم می‌آید، از سکس با مردان

هم لذت می‌برم. این را شما چگونه توضیح می‌دهید؟

جواب: شما به احتمال قوی بای سکشوال (دوجنسگرا) هستید. یعنی فردی که به هم جنس مخالف کشش دارید و هم به جنس موافق. این مسئله خیلی عادی است.

سؤال ۲۴- آیا موقع پریود، زن از مرد بدش می‌آید؟

جواب: علت پریود تغییرات سطح هورمونهای زنانه است. همین تغییرات هورمونی روی رفتار هم تأثیر دارند، بطوریکه در زمان تخمک‌گذاری (۱۴ روز بعد از پریود) زن حداکثر علاقه به مرد و تماس جنسی دارد، در حالیکه این تمایل هنگام پریود

به حداقل می‌رسد.

سؤال ۲۵ - زنی هستم سی ساله و حدود دو سال است که ترشح زیادی دارم و موقع سکس آنقدر ترشح دارم که کلافه می‌شوم. انواع کرمهای واژینال هم استفاده کرده‌ام، آزمایش هم داده‌ام و گفته‌اند که سالم هستم. آیا راهی به نظرتان می‌رسد؟
پیشنهاد: اگر کسی از خوانندگان جوابی برای این سؤال دارد، لطفاً برای ما بفرستد تا در شماره بعد چاپ کنیم.

سؤال ۲۶ - من هر وقت پرپود می‌شوم، تا یک هفته باید خونه باشم، چرا؟
جواب: سؤال شما کمی مبهم است.

سؤال ۲۷ - چگونه می‌توانم جلق زدن را ترک کنم؟

جواب: برای اینکار تصمیم قطعی بگیرید، از دیدن یا بخاطر آوردن صحنه‌های سکسی بپرهیزید، از غذاهای دارای طبع گرم پرهیز کنید، ورزش کنید، از تنها رفتن به جاهایی که معمولاً جلق می‌زنید، خودداری کنید، میتوان برای گرفتن داروهای که تمایلات جنسی را کاهش میدهند، به یک روانپزشک مراجعه کنید.
سؤال ۲۸ - الان مدت سه ماه است که در سکس خود دچار مشکل شده‌ایم و آن اینکه حتی اگر تا یکساعت هم کیر شق شده‌ام را در آلت زخم فرو کنم، باز ارضا نمی‌شود، قبلاً اینطور نبود. دلیل اینکار چیست؟

جواب: علت این موضوع میتواند مسائل روانی همسر شما باشد، مانند افسردگی و امثال اینها. گاهی هم حالتیایی به انسان دست میدهد که شاید بتوان آن را اعتصاب جنسی نامید، این حالت زمانی ایجاد میشود که فرد طی یک مدت نوعی ناکامی جنسی را تجربه کند (شریک جنسی اش به او توجه نکرده، در سکس ارضا نشده، درست قبل از ارگاسم، عملیات پایان رسیده و...)

از طرف دیگر ممکن است شما تحریک کافی انجام نمی‌دهید. هنگام سکس، قبل از وارد کردن آلت به واژن سعی کنید با نوازش و تحریک نقاط حساس بدن شریک خود مانند کلیتوریس، لب گرفتن، لیسیدن..... همسر خود را آماده کنید. اگر نتیجه نگرفتید، به یک روانپزشک مراجعه کنید.

سؤال ۲۹ - اگر دختری دچار ایدز باشد و پسر نداشتن باشد، این امکان هست که ویروس ایدز وارد بدن پسر شود؟

جواب: بله، این امکان هست.

سؤال ۳۰ - شوهر من خیلی به فکر خودش است و اصلاً به من فکر نمی‌کند. همه‌اش پنج دقیقه دوام می‌آورد. خیلی هم عاشق کردن از عقب می‌باشد ولی یکمرتبه از

عقب بیرون می کشد و در واژن فرو می کند. آیا اینکار خطرناک است؟
جواب: اولاً سکس و خودخواهی به هیچوجه با هم نمی خوانند، پس اینرا باید به ایشان گوشزد کنید. اگر هم سنتی فکر می کند، سه کاف را به او معرفی کنید.
کیر را از کون برداشتن و بی مقدمی وارد واژن کردن، باعث سرایت بسیاری از باکتریها به واژن زن میشود و خیلی هم خطرناک است. اگر هر دو به اینکار علاقه دارید، بهتر است از کاندوم استفاده کنید و هنگام بیرون کشیدن آلت از کون، باید کاندوم را بردارد و بعد از جلو سکس داشته باشید.
سؤال ۳۱ - سه سال پیش با زنی دوست بودم که مرتب کیرم را می مکید. آیا با گذشت اینهمه سال لازم است که نگران ایدز باشم؟
جواب: فکر نمی کنیم. اینرا هم گفته ایم که بهترین راه برای اطمینان از سلامتی، همانا آزمایش ایدز دادن است.
سؤال ۳۲ - من خیلی دیر آیم می آید، گاهی تا یکساعت باید عقب-جلو کنم، طرفم که تو این مدت چندین بار ارگاسم شده و دیگه حوصله اش سر میره. می گید من چکار کنم؟
جواب: هنگام سکس، تمام حواس خود را روی همین مسئله متمرکز کنید. سکس فقط وارد کردن کیر به کس نیست. با تحریکات دیگر مثل تحریک کلامی، لمسی و معاشقه، راز و نیاز و.... و بالاخره انجام عمل دخول در لحظه مناسب، میتوانید بر مشکل خود غلبه کنید. اگر باز هم نشد، میتوانید به یک اورولوژیست یا روانپزشک مراجعه نمائید.
سؤال ۳۳ - کیر من نه زیاد باریک است و نه زیاد کلفت، اما زخم تقاضای کیر کلفت می کند. چه راهی پیشنهاد می کنید؟
جواب: بخشی از زنان، کیر کلفت را بر کیر بلند ترجیح میدهند، نه این دلیل که کیر کلفت هنگام دخول، اصطکاک بیشتری با حواشی واژن ایجاد و در نتیجه به تحریک بیشتر زن منجر میشود. یک راهش این است که هنگام عقب و جلو رفتن شما، همسرتان هم بطور هماهنگ سعی در فشار دادن و منقبض کردن آن قسمت از آلت خود بشود.

=====

۱۷- اندک اندک جمع یاران می رسند

(معرفی سایتهای جدید)

سرکوب جنسی و نابرابریهای جنسی موجود در بین ما ایرانیان، یکی از ستون و پایه های عمده دیکتاتوری سیاسی-اجتماعی است.

حاکمان جمهوری اسلامی با کمک همین سنت و خرافاتی که بسیاری از خود ماها بدان آغشته هستیم، سنت، باور و اعتقاداتی که هیچ پایه و اساس عقلی و منطقی ندارند، استفاده کرده و تور سرکوب خود را استحکام بخشیده‌اند. تازه اگر دست رژیم به درونی‌ترین قسمت خانه و زندگی خصوصی ما نمی‌رسید، خود ماها، بستگان ما و... ناآگاهانه نقش عامل رژیم را بازی کرده و ماها را سرکوفت زده‌اند. بیش از یک دهه است که بعضی از هموطنان ما اینجا و آنجا، جسته و گریخته، اشاراتی به اهمیت پرداختن به اخلاق جنسی جامعه داشته‌اند، اما هیچکسی خیز چندان برای به چالش کشیدن رخوت و کهنگی عذاب‌آور در عرصه مسائل جنسی و سکس ما ایرانیان برنداشته است، شاید به این دلیل که سنتهای کهنه و خرافات زمانی حاکم بلامنازع جامعه و ذهن ما بودند،

نگاهی عمقی به تجربیات کشورهای که در این عرصه از ما جلوتر هستند، نشان می‌دهد که جوامع قبلی آنان هم همانی بوده که ما امروز داریم، اما با مبارزات و تلاشهای خود توانسته‌اند به آزادی جنسی برسند. چنین کاری به معنای کنار گذاشتن کل فرهنگ و تاریخ این جوامع هم نبوده بلکه به نوعی تصفیه ناخالصی‌ها، زشتی‌ها و اصول محدود کننده انسانها در فرهنگ خود، بوده است.

خوشحالیم که تمام شواهد و قرائن چند ماه گذشته به این سو، دال بر این دارد که در استخر ساکن جنسیت در ایران، موجهای جدیدی دارند شکل می‌گیرند. این خود دال بر زندگی و پویندگی است. این یعنی نسل جدید ایرانی تصمیم دارد، فرهنگ خود را پالایش کند و این چیز کمی نیست.

در چند ماه گذشته، تعداد زیادی از پایگاههای ایرانی مربوط به مسائل جنسی، دایر شده‌اند، از سایتهای اطلاعات جنسی گرفته تا ناتوریستهای ایرانی، تا ترانس سکشوالهای ایرانی تا گروههای علاقمند به ضربدری تا لزیبیهای ایرانی و

یک نکته را هم به همین دوستان و حتی کسانی که در فکر یک همچون حرکتی هستند، بگوئیم که حرکت شما با همه اشکالاتی که ممکن است داشته باشد، اما طلیعه‌دار آزادی جنسی در ایران است. بکار خود ادامه دهید، شما یک حرکت فرهنگی تازه را شروع کرده‌اید که کشور ما شدیداً به آن نیاز دارد. تلاش کنید که دیگران را هم به اینکار تشویق کنید. ما هرچه در عرصه مسائل جنسی فعالیت کنیم، باز هم کم است.

همانطور که قبلاً گفته‌ایم بهترین کار، ایجاد شبکه‌ای از افراد علاقمند به یک مسئله خاص،

مطالعه و شناخت احساسات خود، و تلاش برای تقسیم این اطلاعات با دیگران است، تا بتوانید مطالب و مقالات آموزشی تهیه و چاپ کنید، از همدیگر حمایت نموده و یادتان نرود که از گروههای موازی، هرچند برخلاف سلیقه شما باشند، دفاع کنید. ما برای تک تک شماها آرزوی موفقیت می کنیم و در حد توان در کنار شما خواهیم بود. اگر هم دوست دارید، اجازه دارید که از تمام مطالب آموزشی و سؤال و جواب های چاپ شده در سه کاف استفاده و حتی در سایت خود چاپ کنید. این هم سایتهای جدید:

۱- اخیراً دوست عزیزی تصمیم گرفته که در امر دوست یابی بین علاقمندان بعنوان یک رابط کار کند، یعنی کسانی که دوست دارند، آگهی خود را همراه با مشخصات شخصی و اینکه بدنبال چه نوع دوست و با کدام مشخصات می گردند، را برای ایشان می فرستند و خود این دوست، افرادی را که به هم میخورند، ای میل آنها را رد و بدل خواهد کرد. این ابتکار بنا به گفته خود این دوست عزیز، جهت کمک به افرادی است که از سه کاف خواسته بودند امکان آشنایی افراد را هم فراهم کند و ما رد کرده بودیم، می باشد. این هم آدرس ای میل این دوست عزیز:

doost sho@yahoo.com

۲- از همه جالبتر اینکه زنان و دختران لزبین ایرانی هم دست بکار شده و یک پایگاه مخصوص خود در شبکه ایجاد کرده اند.

گویا بعضی از پسران و مردان بی ظرفیت، که حتی همجنسگرا هم نیستند، به این سایت سر زده و برای یافتن "دوست دختر" مزاحمت ایجاد کرده اند. همینجا بگوئیم که این سایت برای زنان و دخترانی است که به جنس موافق خودشان تمایل جنسی دارند، یعنی لزبین هستند (زنان همجنسگرا)، می باشد نه دیگران.

این هم آدرس سایت لزبینهای ایرانی

<http://groups.yahoo.com/group/irangirl>

۳- سایت جالبی که مدتی است شروع بکار کرده و اگر مسئولان آن کار خود را با جدیت دنبال کنند و به جنسیت و سکس با دید وسیعتری بنگرند، میتوان به آن امید زیادی داشت ، سایت ایران سکسی .نت فیرم است. خودتان سر بزیند تا شناخت بهتری بدست آوردید. آدرس آن:

<http://www.iransexy.netfirm.com>

۴- ترانس سکسوالهای ایرانی هم سایت مخصوص خود را درست کرده اند که باید به اراده این دوستان در طرح مسائل خود آفرین گفت.
این هم آدرس آنها:

<http://groups.yahoo.com/group/irantranssexual>

۵- فرنگیس، که خودش را یک سه کافی واقعی هم میداند، سایت مخصوص خودش را درست کرده و نظرات خودش را در این سایت با علاقمندان مطرح میکند.
این هم آدرس سایت فرنگیس :

<http://farangish.blogspot.com>

۶- همجنس خواهان شیرازی هم از قافله عقب نمانده اند و سایت مخصوصی برای همجنسگرایان شیرازی درست کرده اند. آدرس آنها:

http://groups.yahoo.com/group/shiraz_gay

۷- این هم یک مرکز گپ - خونه ای است که دوستی از ما خواسته آن را برای

گپ-خانه روها معرفی کنیم.

<http://www.literotica.com/chat>

۸ - این هم یک سایت جدید که گویا برای زوجهای ضربدری درست شده است.

<http://groups.yahoo.com/group/iraniansexyjavan>

۹ - این هم یک سایت خوب:

<http://iransex.da.ru/>

۱۰ - این هم یکی دیگه:

<http://www.topsitelists.com/adult/jefryslash/>

۱۱ - سایت راهنمای سکس هم که گویا پاک شده بود، یک آدرس جدید گرفته که این است:

<http://www.geocities.com/fisgo2003>

۱۲ - این هم یک سایت تازه برای همجنس خواهان ایرانی:

http://groups.yahoo.com/group/hamgens_khah

۱۲- این هم سایت بچه های مشهد:

<http://groups.yahoo.com/group/mashhadsex2003/>

۱۳- این هم یک سایت ضربداری

<http://zarbdary.persianblog.com/>

۱۴- این سایت هم یادتان نرود:

<http://www2.countrygirl.com>

مسئولین سایت فوق توضیح داده‌اند که اگر شما فلش پلایر داشته باشید، صبر کنید صفحه می‌آید، اما اگر این برنامه را ندارید روی (SKIP) فشار دهید تا وارد شوید.

۱۵- این هم برای یافتن دوست و شریک زندگی:

<http://groups.yahoo.com/group/findyourpartner>

۱۶- این هم سایت بچه‌های مشهد که در شماره قبل گفتیم تمام کرده‌اند:

<http://kir.kos.kun.iran.li/>

۱۷- این هم یک سایت که میتواند و استعداد آن را دارد که بشکل خاص خودش

تابو شکنی کند، فقط کافی است جدیت و اراده بیشتری بخرج دهد و میتواند

به آن امید زیادی داشت:

<http://society.zayeh.com>

۱۸ - این هم یک سایت برای اطلاعات مربوط به ایدز (باز هم مشهد)

<http://www.mashhadkit.com/drjalalian/ADVICE/aids.htm>

۱۹ - این هم آینه سه کاف:

<http://members.shaw.ca/weblog/3k>

و این هم توضیحات مربوط به درست کردن سایتهای آینه‌ای برای علاقمندان:

<http://members.shaw.ca/weblog/3k/mirror.htm>

چند نکته :

ما هیچ مسئولیتی در باره سایتهایی که در سه کاف معرفی می کنیم، بعهدہ نمی گیریم. این سایتهای گاهی بنا به عللی ممکن است باز نشوند یا مسئولین آنها به نامه‌های علاقمندان جواب ندهند یا در سیستم ای میل رسانی دچار مشکل شوند، یا کلاً ازین بروند و.....

از دوستان خواهش میکنیم، هر مشکلی در اینبارہ دارند، با مسئولین خود پایگاههای مورد نظر تماس بگیرند، ما هم مثل شما، از این سایتهای استفاده می کنیم اما در کار آنها دستی نداریم. به دست اندرکاران پایگاهها هم پیشنهاد می کنیم که یک ای میل

جداگانه برای خوانندگانی که ممکن است دچار مشکلی شوند، در نظر بگیرند.
از خود خوانندگان هم این درخواست را داریم که در حد توان با ارسال مقالات، داستان، مطالب، معرفی کردن و..... به ادامه کار این پایگاهها کمک کنند.